

# ۲۸

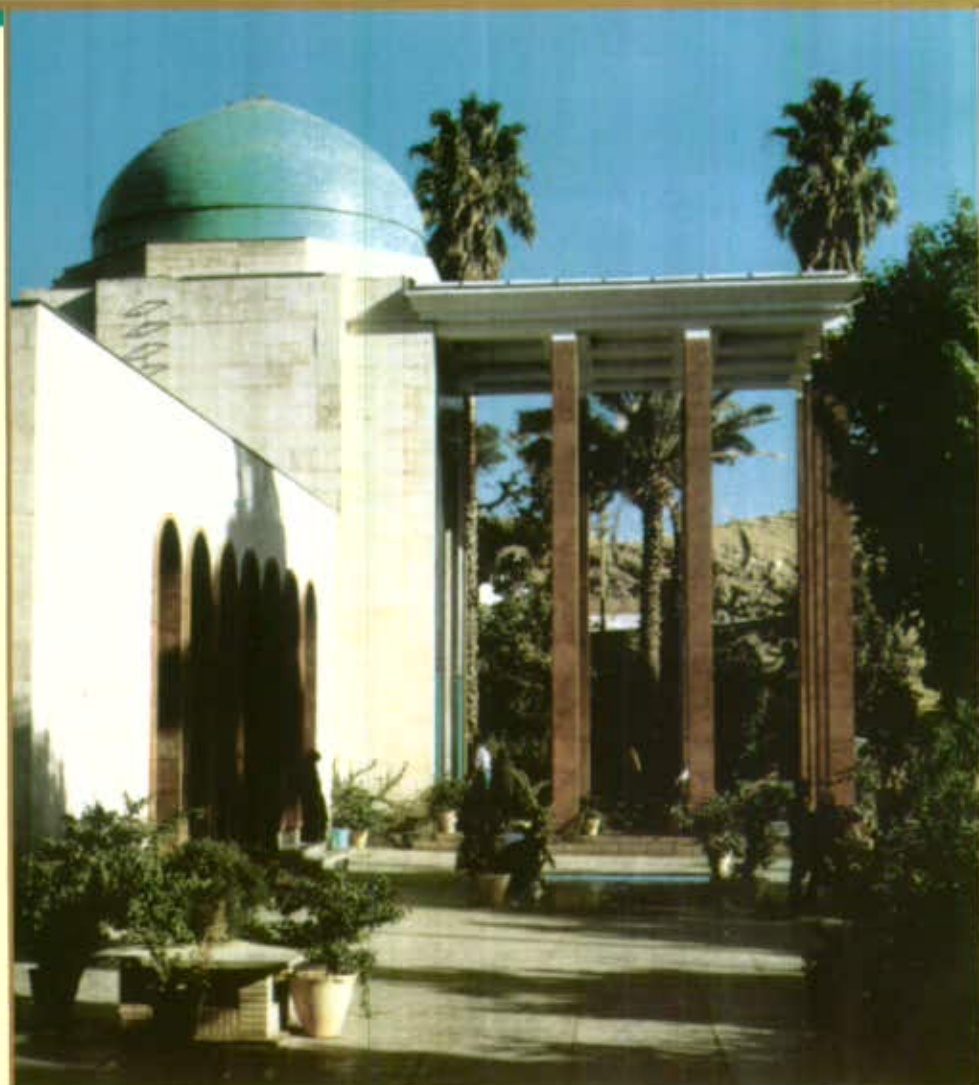
# امور فرهنگی

## رشد

همراه با ویژه‌نامه زبان و ادب فارسی

ISSN 1606-9226

سال هشتم - بهار ۱۳۸۰ - بهار ۱۵۰۰ ریال



زمین به تیغ بلاغت گرفته‌ای سعدی  
سپاس دار که جز فیض آسمانی نیست

من استعان بغير الله ذل

بلغ العيب الجمال

كشف الذم الجمال

حسب سبع حصاله

دموا عليهم وال

♦ سرمقاله

♦ دینی

شگفتی های نهج البلاغه (۴)

♦ تاریخ

چرا تاریخ می آموزیم (۵۷)

♦ هنر

زندگی نامه استاد میرخانی (۵۰)

♦ زبان انگلیسی

A ship's propeller (۵۴)

♦ ویژه نامه زبان و ادب فارسی

آموزش زبان فارسی در یک گفتگو (۳۰)

اثر زبان در آموزش و پرورش (۲۸)

کیست حافظ زبان فارسی (۳۰)

نقدی بر کتابهای فارسی سال اول، دوم و سوم راهنمایی (۳۱)

ضرورت بازنگری در دستور زبان دوره راهنمایی (۳۵)

با استاد سخن در گلستان زبان و ادب فارسی (۳۷)

راهکارهایی برای بهبود درس انشا (۳۹)

به یاد جلال آل احمد (۴۲)

نقدی بر آزمون شفاهی فارسی (۴۴)

معرفی کتاب (۴۷)

♦ ریاضی

چگونگی محاسبه اندازه زاویه بین عقربه های ساعت شمار و دقیقه شمار (۱۷)

سرگرمی برای اندیشه ورزی (۴۷)

♦ علوم تجربی

علم آموزی و مفهوم علمی (۹)

گزارش از مرکز علوم و ستاره شناسی تهران (۱۴)

♦ جغرافیا

تنوع اقلیمی در ایران (۷۰)

♦ عمومی

تعلیم و تربیت و تفکر (۳)

چرا باید با اینترنت آشنا شویم (۷)

معرفی کتاب (۵۳)

مدیر مسئول: علیرضا حاجیان زاده

سرمدیر: جعفر ربانی

مدیر داخلی: منصور ملک عباسی

طراح گرافیک: پریسا سندس

چاپ: شرکت افست (سپاهی عام)

تیراژ: ۱۳۰۰۰ نسخه

نشانی دفتر مجله: تهران

صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۷۵۸۵

تلفن امور مشترکین: ۸۸۳۹۱۸۷



ج جلد ای پنا ستسی

ارت آموزش و پرورش

زمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی

فر انتشارات کنگ آموزش

# روزهای امتحان

امتحان وسیله‌ای است برای ارزشیابی کار معلم و شاگرد. معنی هوشیار و کارآمد می‌تواند با استفاده از این وسیله، در هر زمان در مجال تحصیلی، میزان پیشرفت یا عقب‌ماندگی تحصیلی یک‌یک دانش‌آموزان کلاس خود و نیز حاصل کنار حویث را با ناله کار بردن معیارهای درست اندازه‌گیری کند. نتایج این ارزشیابی به او کمک خواهد کرد تا بتواند علل پیشرفت یا عقب‌ماندگی هر یک از دانش‌آموزان را در هر درس بررسی کند و محسّنات و معایب روش و وسایل تدریس و تحصیل دانش‌آموزان را بشناسد و میراث‌نامه مضمّن شود که استفاده از چه روش و وسایلی موفقیت دانش‌آموزان را در تحصیل تقصیر می‌کند یا برای جبران کردن شکست خود در تدریس و یا عقب‌ماندگی‌های تحصیلی دانش‌آموزان باید چه تغییری در روش‌ها و وسایل تدریس خود بدهد.

تا اینجا مسئله خیلی روشن و بدیهی است و همه قبول داریم که امتحان هدفی جز آنچه گفته شد ندارد. اما چون از مرحله نظر فراتر می‌رویم و به عمل نزدیک می‌شویم، گویی ترمی ناخواسته همه ما، از معلم تا شاگرد، را می‌گیرد؛ که عدت را امید در «اعدت‌روانی» یا جنبه روان‌شناختی امتحان دانست که معلم لاکسی را در امان نمی‌گذارد؛ حتی چنان که مشهور است «ناپتون» را!

هر بار که به زمان برگزینی یک امتحان نزدیک می‌شویم، بسیاری از معلمان در این اندیشه‌اند که چگونه و تا چه میزان در تدریس مطالب تدریس شده، با توجه به برنامه و زمان آن، باید شتاب کنند یا نه دوره کردن درس‌ها و رفع اشکالات درسی دانش‌آموزان بپردازند. دانش‌آموزان، وجه بسیار از آن، پدر و مادران، نیز دچار تلاطم می‌شوند. دانش‌آموزان گه مجبور می‌شوند مطالب را سریع مرور کنند و در فرصتی کوتاه به دوره کردن همه درس‌ها بپردازند و از زیبایی‌های ریاضی و فیزیک و گاه حتی از غذا خوردن و استراحت کافی چشم‌پوشند؛ پدرها و مادرها و بیشتر مدرسه‌ها، نیز در این ایام شریک فرزندان خود می‌شوند. طوری که پاره‌ای از آن‌ها، دلهره فرزندان خود را تشدید می‌کنند. در این میان، نگرانی معلمان را باید منطقی دانست. بویژه اگر معلمی وظیفه شاس و با احساس مسئولیت باشد که حتماً باید در اندیشه بهره‌دهی مناسب کار خود باشد. در واقع این نگرانی یک نگرانی منطقی است. این نگرانی دانش‌آموز و خانواده بیشتر جنبه روانی دارد تا منطقی. از این رو نباید بر آن غلبه کرد و راهی برای بیرون رفتن از آن جست و جو نمود.

چنان که می‌دانیم با تصویب شورای عالی آموزش و پرورش امتحانات سراسری دانش‌آموزان در استان‌ها و مدارس راهنمایی، از سه بابت باثبات در سال به دو بابت کاهش یافته است. این تصمیمی است که نه‌تنها در درمندان می‌نماید و کمتر شنیده شده که با آن مخالفتی شده باشد یا کسی از آن ابراز نارضایتی کرده باشد. برعکس شواهدی داریم که نشان می‌دهد از این تصمیم استقبال شده است. در این زمینه از اداره کل آموزش و پرورش استان قم به ما پیشنهاد کرده‌اند که ویژه‌نامه یکی از شماره‌های مجله را به امتحان دو بومنه و بویژه «شیوه‌های تدریس فعال و بررسی‌های تدریجی مستمر» اختصاص می‌دهیم. ما از این پیشنهاد استقبال می‌کنیم. اما عمل به آن مستلزم کسب نظر از کارشناسان امتحانات، شوراها و تحقیقات استان‌ها و نیز مدارس است. در این محترم در سراسر کشور است. امید است بتوانیم با کمک شما به این مهم جامه عمل بپوشانیم.

سرمدبیر



آموزش و پرورش  
استان قم

# تعلیم و تربیت و تفکر<sup>۱</sup>

دکتر علی شریعتمداری

یکی از معیارهای اساسی در انتخاب هدف های تربیتی، توجه به تمام جنبه های رفتار انسان است. وقتی بحث از تعلیم و تربیت به میان می آید غالباً به الفاظ، محفوظات، گفته ها و نوشته ها بیشتر توجه می شود تا به اعمال و رفتار. در این زمینه جمله ای را از نهج البلاغه نقل می کنیم که بسیار شایسته توجه است: **أَوْضِعِ الْعِلْمَ مَا وَقَفَ عَلَى اللُّسَانِ وَ أَرْفَعَهُ مَا ظَهَرَ فِي الْجَوَارِحِ وَ الْأَرْكَانِ**؛ یعنی: کم ترین علم دانشی است که بر سطح زبان نوقف کند و والاترین دانش ها دانشی است که در رفتار یا ارکان شخصیت آدمی ظاهر می شود.

باید دانست که پاره ای از روان شناسان یادگیری را عبارت از کسب مهارت ها، عادات و معلومات از طریق شرطی شدن می دانند. نتیجه این نوع یادگیری، چه در زمینه مهارت ها و عادات و چه در زمینه معلومات، کاملاً سطحی و محدود به الفاظ و محفوظات است.

گروه دیگری از روان شناسان یادگیری را تغییر رفتار از راه تجربه می دانند. در این تعریف اولاً تغییر رفتار مطرح است و مراد از رفتار، طرز تفکر، عادات، مهارت ها و نحوه تلقی و عمل می باشد. برای این که فرد بتواند رفتار خود را تغییر دهد باید تجربه کند و در جریان تجربه نقشی فعال داشته باشد. در اثر تجربه و فعالیت فرد است که اجزا و ارکان شخصیت فرد یعنی طرز تفکر، عادات و تمایلات او تغییر می کنند. پس همان طوری که در گفتار حضرت علی (ع) ملاحظه می شود علم و آموزشی با ارزش است که در ارکان وجود فرد متجلی گردد.

حضرت علی (ع) در جای دیگر می فرماید: **«الاعلم کالتفکر»**. هیچ دانشی مثل اندیشیدن نیست، در تعلیم و تربیت یک مسئله اساسی مطرح است. آیا هدف از آموزش کسب معلومات یا آشنایی به نظریات علمی است یا پرورش قدرت تفکر؟ پاره ای از مربیان تصور می کنند هدف مدرسه و هدف تعلیم و تعلم به طور کلی احاطه به مطالب علمی است. بنابراین در جریان آموزش باید مطالب علمی را به شاگرد آموخت و شاگرد خود می تواند بعداً به تفکر اقدام کند. اما باید دانست که چنین نیست، زیرا مطالب علمی در کتاب ها تدوین شده اند و در دسترس شاگردان می باشند. آنچه در جریان تربیت اهمیت دارد پرورش قدرت تفکر است. روی همین زمینه علی (ع) می فرماید هیچ دانشی مانند تفکر نیست.

زیر نویس:

• نقل از کتاب «انتقال به تعلیم و تربیت اسلامی» دفتر اول، تهران، ۱۳۶۰



# شگفتی های نهج البلاغه (۲)

محمد حسن مکارم

پیامبر اکرم (ص) از زبان علی (ع)

نهج البلاغه قسمتی از سخنان مولی الموحدین، امیرالمؤمنین علی (ع) است که چنه به لحاظ سند و چه از جهت محتوا و بلاغت، جایگاه رفیعی در فرهنگ اسلام و عرب دارد. در شماره قبل به عظمت این کتاب و مقبولیت آن نزد دانشمندان شیعه و سنی اشاره کردیم و گوشه هایی از کلام مولا را در معرفی خویش به تعاشا شناسیم و در حشش حورشید و خودش را در میان صحابه پیامبر (ص) نظاره کردیم.

نهج البلاغه کتابی است که از آن، استنظام عظمی محمدی می کنیم و علی (ع) را سرمست از خوشش چشمه سار تربیت نبوی می باییم؛ کتابی است شگفت که به فرموده یکی از اندیشمندان بنام شیعه، معجزه قولی است، و بر خلاف معجزه فعلی، با دوام و حصاص غیر عوام.

در این مقال برآنیم که حضرت خاتم الانبیاء (ص) را از منظر علی مرتضی (ع) سگریو، از دیدگاه کسی که در همه حوادث تلح و شیرین تاریخ بعثت، با پیامبر (ص) بود و حضرتش هر چه را با احدی نگفت، با او در میان گذاشت و بر هر کاری که لایقی نمی یافت، او را می گذاشت؛ تا آنجا که در روز ماهله، او را نفس خویش انگاشت و هر دو فرقه این حادثه را یکسان نگاشت.

پیامبر شناسی امام (ع) وقتی چشم ها را به خود خیره می کند که با پیامبر شناسی بعضی از فرق اسلامی مقایسه شود، آنجا که شأن خاتم الانبیاء را در حد یک بشر عادی نزل دادند و دانسته یا ندانسته، افعالی چون فراموشکاری و لغزش را به حضرتش نسبت دادند و بنا بر روایاتی مجعول و همدار، اعمالی سخیف را به او متسبب نمودند؛ خوردن از گوشت قربانی است ها، فراموش کردن غسل جنابت، افسانه غریب، برتری علمی و عقلی دیگران نسبت به او ... که خوشبختانه همه این گونه تحریفات از شخصیت والای حضرتش، به همت علمای راستین، زود زده شد و روئیهی آن بر چهره واضعاع و جاعلان

حدیث و پشتیبانان میبایستی آنها نا قی مانند.

حال بیستم سیمای رسول خدا (ص) در نهج البلاغه چگونه است. در خطبه قاصعه که بلندترین خطبه امیرالمؤمنین (ع) در این کتاب است، پیامون کمالات و فضائل پیامبر بزرگ اسلام (ص) و توجه خاص خداوند به ایشان، در طول مراحل تربیت و رشد، چنین می خوانیم:

هنگامی که از شیر گرفته شد، خداوند بزرگترین فرشته از فرشتگان را، شب و روز، همشیش او نمود تا راههای بزرگواری را پیمود و مکارم اخلاق جهان را کسب نمود.

در ادامه خطبه، امام (ع) مباحث می کند که تا فردی که این گونه بر خوردار از تربیت الهی است، ملازم و همراه بوده و این ملازم را به از رفتن بچه شیر از پی مادر خود تشبیه می نماید و اوزا می دارد که رسول خدا (ص) هر روز شمه ای از این اخلاق کربسه را بر وی عرضه می داشت و او را به کسب آن فضائل می گماشت.

پس آنچه از علم و تقوا در این صحابی صدیق پیامت (ص) می بینیم، بر نوبی است از آنچه خدای رب العالمین، توسط فرشتگان مخصوص، بر پیامبر اکرم (ص) ناید و او را برای تحمل وحی الهی آماده کرد.

به فرموده امیرالمؤمنین (ع)، خداوند تمام آنچه را لازمه رویدفتگی بشر است، به نام قرآن کریم، بر رسولش نازل فرمود و چیزی از دین خود را محقق نمود و تصریح می کند و شهادت می دهد که پیامبر (ص) نیز تا همه آن را به مردم ابلاغ نمود حاشی گرفته نشد، چنان که می فرماید:

وقصص الله (ص) وقد فرغ الی الحق من حکام الهدی به، معصوم منه سبحانه ما عظم من نفسه، فإنه لم یخف عنکم شیئ من دینه خدای متعال در حالی حضرتش را معوت نمود که مردم از راه حق بیرون شده بودند و در فتنه و فساد غوطه ور و سرگردان؛ نفس اماره و کبر و نخوت آنان را فرا گرفته بود، و از شدت جهل و نادانی خفت می کشیدند؛ پریشان حال بودند و در کار خویش و امساده و نگران جای دیگر. برای آنکه نفس رحمت پیامبر (ص) معتمد است گردد، دوران جاهلیت قبل از بعثت را با داورشان می کند که در چه حالی بودند؛ می فرماید:

امیرالمؤمنین (ع)

در آن زمان، شما بدترین آئین را داشتید، و بدترین جایگاه؛ در میان سنگلاخ ها و مارهای زهرآلود و بی باک می زیستید؛ آب لجن سیاه می آشامیدید؛ خوراکیهای خشن می خوردید؛ خون یگدیگر را مباح می دانستید؛ از خویشاوندان می گریختید؛ بت ها برافراشته بودید و به گناه اشتغال داشتید.<sup>۱</sup>

در چنین شرایطی، او همچون پزشک دوره گسردی راه افتاد، مرهم های شفابخش خود را برای زخم های چرکین خلق آماده کرد، تا دل‌های کور، گوشه‌های ناشنوا و زبانهای بسته شان را درمان کند:

طیب دُوراً بطنه، قد أحکم مرأهه، وأخمی مواسمه، بضع من ذلك حيث الحاجة إليه: من قلوب عُمي، وأذان صم، وألسنة بكم<sup>۲</sup>

این طیب قلوب و التیام بخش جراحات نفوس، در میدان های رزم و نبرد علیه باطل هم یگانه دوران بود و نفس شریف خویش را برای نجات حسم و روح امت خود از تیررس نامردمان و مشرکان به مهلکه می انداخت؛ او پیشاپیش لشکر و در خط مقدم جبهه، بر قلب دشمن می زد و اصحاب به او پناه می بردند و تحت حمایتش به جنگ وارد می شدند؛ شجاعتی که علی شجاع آنرا چنین می ستاید:

كُنَّا إِذَا أَحْمَرُ الْبَأْسُ أَتَقِينَا بِرَسُولِ اللَّهِ (ص)، فَلَئِمَّا يَكُنْ أَحَدُنَا قَرَبُ إِلَى الْعَدُوِّ مَنَّهُ.<sup>۳</sup>

بدینگونه ۲۳ سال مرارت کشید و خود جراحت ها دید و خون دلها خورد، تا اینکه درخت هدایت، به دست مبارکش، به شمر نشست و تاریکیها جای خود را به روشنایی داد. نهج البلاغه شرایط را بعد از این تلاشها چنین توصیف می کند: دل‌های نیکوکاران شسته او گشت، چشم ها به سوی او خیره شد؛ خداوند سوسپله آن حضرت، کینه های دیرینه را زدود و آتش دشمنی ها را خاموش نمود و میان برادران ایمانی الفت و دوستی انداخت... ذلت و بیچارگی مؤمنین را به عزت و سروری مبدل ساخت و بر تری کفار را به نکبت و بدبختی بدل نمود.<sup>۴</sup>

از اینروست که علی (ع) دست قدرشناس خود را به دعا برای پیامبر خدا بلند کرده، می گوید: اجعلْ شُرَائِفَ صَلَوَاتِكَ وَ نَوَامِيَّ بَرَكَاتِكَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَ رَسُولِكَ، الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَ الْفَاتِحِ لِمَا أَنْغَلَقَ، وَ الْمَعْلَمِ الْحَقِّ بِالْحَقِّ...<sup>۵</sup>

پروردگارا! بهترین درو‌دها و افزون ترین برکاتت را بر پیامبرت

قرار ده، چه او خاتم پیامبران پیشین بود، همو که راه بسته شده سعادت را باز گشود، و حق را با برهان و علم آشکار نمود... آنگاه حاجت خود آن می داند که خدایش در سرای جاوید با محمدش محشور کند و از نعمات برخوردار:

اللَّهُمَّ اجْمَعْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ فَيُزِيلَ الْعَيْشَ وَ قَرَارِ التَّعَمُّرِ وَ مَنِي الشَّهَوَاتِ.

یاز هم این علی (ع) است که در غم از دست دادن رهبر و مقتدای خود، سوزناک ترین ناله ها را سر می دهد؛ به دور از هیاهوی سقیفه و عطش قدرت، با قلبی مطمئن و دلی قدر دان، به غسل و کفن رسول خدا (ص) می پردازد و این گونه به عزای می نشیند:

بابی انت و امی! با مرگ تو رشته ای برید که با مرگ جز تو کس چنان ندید؛ نزول وحی و اخبار آسمانی، برای همیشه، منقطع گردید... اگر نه این بود که به شکیبایی امر فرمودی، و از بی تاسی نهی، آنقدر بر تو می گریستیم تا اشک چشمانمان خشک افتد، و درد و اندوه همچنان باقی است، با این همه، این گریه و زاری، در فقدان همچو تویی اندک است؛ بابی انت و امی! اذْکُرْنَا عِنْدَ رَبِّكَ، وَ اجْعَلْنَا مِنْ يَالِكِ<sup>۶</sup>

ما را در پیشگاه پروردگارت بیاد آر، و در خاطر خود نگاه دار

زیر نویس:

- ۱- انسان کامل از دیدگاه نهج البلاغه، آیه الله حسن حسن زاده آملی
- ۲- برای مطالعه در این زمینه، به تحقیقات و تألیفات گسترده علامه مرتضی عسکری، از جمله نقش ائمه، مراجعه شود.
- ۳- نهج البلاغه فیض - خطبه ۱۹۲
- ۴- همان - خطبه ۱۸۲
- ۵- همان - خطبه ۹۴
- ۶- همان - خطبه ۲۶
- ۷- همان - خطبه ۱۰۷
- ۸- الدلیل علی موضوعات نهج البلاغه، علی انصاریان، ص ۲۲۶، حدیث ۹
- ۹- همان - خطبه ۹۵
- ۱۰- همان - خطبه ۷۱
- ۱۱- همان - کلام ۲۲۶



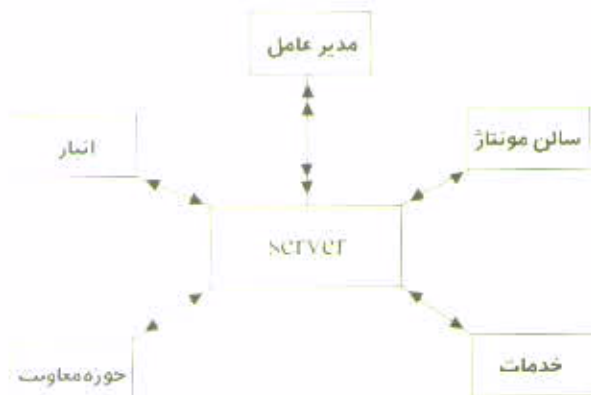
چرا

# باید با اینترنت

## آشنا شویم؟

منصور ملک عباسی

در حالی که این مؤسسات کم کم سیستم کامپیوتری (بسیار و پخته‌شده) و وجود نامه‌رسان از بین رفته و کف دستورات، پاسخ‌ها و ... به شکل کامپیوتری اعلام می‌شود:



در این سیستم یک دستگاه کامپیوتر مرکزی (SERVER) وجود دارد که تمام عملیات را انجام می‌دهد.

پس از شایعه و رواج به کارگیری کامپیوتر و سیستم‌های محاسبه‌گر در سازمان‌ها و صنایع کشورهای پیشرفته که ملی‌جستار دهه گذشته، از کامپیوترهای غول‌آسایی استفاده می‌کردند و برنامه‌های نرم‌افزاری خود را روی کارت‌های مشخصی (پانچ (مگنته) می‌نمودند، آرام آرام، کامپیوترهای کوچک شخصی (PC)ها به نطفه نکلیدند و پیشرفته‌ایده‌ای شدند، که در سال‌های اخیر رواج فراوان یافته است. در این کامپیوترها دیگر نیازی به دستگاه‌های پانچ و کارت‌های سوراخ‌سوراخ شده نیست، بلکه می‌توان به کمک یک صفحه کلید اطلاعات را وارد سیستم کامپیوتر کرد و به جای چاپ روی برگه‌های مخصوص بزرگ، اطلاعات خوانده شده و پخته شده را روی صفحه نمایش مشاهده کرد. ضمن آن که قابلیت افزودن کردن و یا کسب اطلاعات و تغییر دادن آن‌ها نیز، در همین حال وجود دارد.

با در اختیار گرفتن کامپیوترهای شخصی و نفوذ آن به بخش‌هایی که چک‌تراز سازمان‌ها و نهادها، این فکر پیش آمد که آیا می‌توان در یک مؤسسه یک کارخانه، یک سیستم و شبکه کامپیوتری را به وسیله اتصال دستگاه‌ها به هم پدید آورد؟ نه دنبال این فکر سیستم LAN پیشنهاد و اجرا شد که از آن به شبکه محلی کامپیوتری تعبیر کردند. بدین وسیله مثلاً اگر مدیر یک کارخانه بخواهد حوزه‌های مختلف کارخانه، مانند انبار، سالن مونتاژ، بخش اداری و ... را کنترل نماید، برایش امکان‌پذیر خواهد بود.

آموزش تخصصی



در مرحله بعد به دلیل گستردگی و پراکندگی بخش های یک موسسه، نیاز به یک شبکه گسترده تر احساس گردید که در پی این فکر، طراحی سیستم<sup>۲</sup> (WAN) پدید و به اجرا درآمد.

در این شبکه گسترده چنانچه شخصی مانند مسئول یک وزارتخانه می خواست دفاتر و ساختمان ها و بخش های مختلف وزارتخانه خود را در یک شهر و یا شهرهای مختلف بررسی نموده و از وضعیت آن ها مطلع باشد از طریق ارتباط خط تلفن و اتصال آن به یک سیستم گسترده کامپیوتری امکان پذیر شد؛ و همین اتفاق بود که به پیدایش اینترنت انجامید.

نکته بسیار جالب این که این مراحل گام به گام ولی به سرعت از سال ۱۹۵۷ تا سال ۱۹۹۷ در جهان رخ داد. شبکه گسترده کامپیوتری برای اولین بار در وزارت دفاع امریکا (پنتاگون) بود که شکل گرفت و راه اندازی شد. رشد اینترنت بسیار سرسام آور شد به طوری که مسؤولان دولت های کشورهای پیشرفته قول شبکه راه های جهانی از طریق کامپیوتر را به مردم خود می دادند.

تحقیقات و سرمایه گذاری های زیادی صورت پذیرفت تا جایی که امروزه شما می توانید در منزل بنشینید و با قابلیت ارتباطی چنین گسترده در سطح جهان با بخش های گوناگون، در شبکه اینترنت یک سایت برای خود فراهم کرده برای یافتن یک موضوع تحقیق و جستجو کنید، پیغام خود را به دیگران بدهید، برای کالای خود تبلیغ کنید و در هر زمینه علمی - ورزشی - اقتصادی - هنری و ... آخیرین اخبار را کسب کنید.

آمار نشان می دهد که در سال ۱۹۹۵ میلادی تعداد کاربر های (user) که با اینترنت کار کرده اند بالغ بر ۳۰ میلیون نفر بوده، و در سال ۲۰۰۰ این رقم به ۳۰۰ میلیون کاربر افزایش پیدا کرده است. پیش بینی می شود تا سال ۲۰۰۳ این تعداد به ۷۰۰ میلیون نفر برسد. ۷۰۰ میلیون نفر چیزی حدود جمعیت جهان است که اگر افراد خردسال، پیرمرد ها و افرادی بی سواد جهان را کنار بگذاریم معلوم می شود دانشمندان، نجیبان، بازرگانان و جوانان بی شماری در جهان از این طریق با یکدیگر در تماس اند.

آمارها نشان می دهد، در سپتامبر سال ۲۰۰۰ حدود ۱۸ میلیون سایت اطلاعاتی<sup>۳</sup> در اینترنت وجود داشت که حدود یک ماه بعد این مقدار به ۲۱ میلیون رسید. جالب این که این رقم در بعدازظهر ۱۰ ژانویه ۲۰۰۱ بر ۲۵/۸ میلیون نفر بالغ گردید.

این رشد، بسیار صعودی و سرسام آور است، در واقع چیسزی است بالاتر از انفجار اطلاعات و شتابی دیوانه کننده دارد. امروزه خرید و فروش از طریق اینترنت در جهان بدون این که خریدار و فروشنده یکدیگر را ببینند، به تجارت جهانی از طریق اینترنت معروف است و به شدت رواج پیدا کرده است. شرکت های بزرگی بدون تشکیلات دفتری و کارمند تشکیل گردیده است و میلیارد ها دلار کالا

خرید و فروش می کنند. سهم ایران از خرید و فروش از این طریق بدرستی معلوم نیست اما قبلاً پیش بینی می شد در سال ۲۰۰۳ از طریق شبکه اینترنت رقمی در حدود یک هزار میلیارد دلار در جهان، معاملات بازرگانی صورت بگیرد، در حالی که از هم اکنون (ژانویه ۲۰۰۱) این رقم حاصل شده است.

پس از این توضیحات بد نیست در مورد خود سایت ها هم کمی صحبت کنیم.

هر سایت دارای یک اسم (نشانی) است که هر فرد و یا مؤسسه و شرکتی می تواند اختیار کند، به شرط آن که قبلاً شخص حقیقی یا حقوقی دیگری آن را به ثبت نرسانده باشد (Register) بنابراین هر سایت از طریق یک پیمان نامه بین المللی<sup>۴</sup> (I.P) یک اسم دوازده رقمی (به صورت رمز) برای خود انتخاب می کند. که شامل اسم مورد نظر و یک پسوند است مثلاً Roshd.com که خوانده می شود رشد دات کام. علاوه بر این در ابتدای هر اسم سایت یک پیشوند با ۳ w وجود دارد که مخفف عبارت world wide web است. بنابراین Roshd.com به طور کامل به شکل زیر نوشته می شود:

www. Roshd. com

معمولاً پسوند com. برای سایت های تجاری و بازرگانی به کار

می رود

پسوندهای مشابه دیگر، مانند net. بیشتر برای شبکه های اینترنتی سازمان های دولتی مراکز آموزشی ... به کار می رود، و یا

org

Edg

ws

gov

در انتهای این بحث برای نمونه چند سایت آمده است. از آنچه که گذشت می توان به طور خلاصه دریافت که با نفوذ و اشاعه این ارتباطات جهانی در سطح مؤسسات، مدارس و بالاخره خانه های دانش آموزان و فرزندان ما، نیاز هریک از دیران به ۲ نکته بسیار مهم حیاتی است.

۱- آشنایی معلمان با این زبان ارتباطی جدید و کسب استفاده های علمی - تحقیقی در جهت رشد و ارتقای علمی خود ضروری است. در غیر این صورت دانش آموزان ما از معلمان خود جلو خواهند افتاد و فاصله نسل جدید با آنها افزون شده و از میزان تأثیر گذاری علمی و روحی معلمان بر آنان کاسته خواهد شد.

۲- نکته دوم آگاهی از این که در چنین سیستم ارتباطی مرز خطر با خود خطر بسیار نزدیک است، و این توان و قابلیت ارتباطی مانند سایر دانش ها و تکنیک ها هم می تواند مورد استفاده صحیح قرار گیرد و هم مورد سوء استفاده.

توانایی استفاده از اینترنت و چگونگی ورود به سایت های

**برای اطلاع از اخبار ورزشی به این سایتها سر بزنید**

- www.nandosportserver.com
- www.totalsport.com
- www.sporttalk.com
- www.sportlive.com
- www.thesportnetwork.com
- www.prosports.exchange.com
- www.sportcolleagues.com
- www.sportsfeed.com
- www.sportspages.com
- www.sportnews.com

**بررسی**

- 1 Personal computer
- 2 Keyboard
- 3 Monitor
- 4 Local Area Network (LAN)
- 5 Wide Area Network (WAN)
- 6 Web site
- 7 International Protocol

۸. منبع: مجلات فارسی کمپیوتری در ایران



مختلف اطلاعاتی (موز خطر) با و از شدن به سایت تغییر اخلاقی (خطر) چندان راه درازی در بین ندارد و همین امر مطمئنانه مشوقی برخی از افراد جهت یادگیری و آشنایی با این ابزار است. گاهی و توجه ما به عنوان معلم و مربیان عزیزان دانش آموز و از این طریق و روشنگری برای آنان می تواند این هجوم فرهنگی را تا حدودی کنترل نماید و استفاده صحیح از این ابزار را برای همه فراهم سازد.

**۱۰ سایت مناسب و ایمن برای کودکان**

- www.ala.org/parents/index.html
- www.cochran.com/theodore/bestsites
- www.familyeducation.com
- www.4kids.org
- www.funology.com
- www.scholastic.com/harrypotter
- kids.infoplease.com
- www.homearts.com/depts/relat/bookamr.html
- www.familit.org
- www.rainforestalliance.org/kids&teachers

**اخبار علمی جهان را در این سایتها بررسی کنید**

- www.sciencedaily.com
- www.discover.com
- www.nature.com
- www.newscientists.com
- www.scientificAmerican.com
- www.sciencenews.com
- www.science.newsonline.com
- www.scienceonline.com
- www.ottm.com
- www.ihfsci.com



استاد دکتر محمود بهزاد (متولد ۱۳۱۲ - رشت) از دانشمندان فرهیخته روزگار ماست که در تلاشی دیر پای، دانش‌آموختگان بسیاری را وامدار دانش و تجربه خود ساخته تا جایی که فرهنگستان علوم پزشکی به او لقب پدر زیست‌شناسی ایران داده است. ما مدت‌ها در پی آن بودیم که مقاله‌ای درباره مفهوم علمی تهیه کنیم و در مجله برای آگاهی خوانندگان عزیز به چاپ برسانیم تا این که اخیراً به چنین مقاله‌ای از دکتر بهزاد در ماهنامه آموزش و پرورش (۱۳۴۹) برخورد کردیم و آن را در راستای هدف خویش بافتیم که اینک آن را به شما تقدیم می‌کنیم. این مقاله در حدود سی سال پیش نوشته شده است. از این رو با شرایط مدارس امروز از نظر اسامی درس‌ها و کتابها، تفاوت‌هایی دارد که خوانندگان خود متوجه آن خواهند شد. این را هم اضافه کنیم که دکتر بهزاد دارای بیش از ۸۰ عنوان کتاب (تالیف و ترجمه) و ۲۰۰ مقاله و سخنرانی است و به سه زبان انگلیسی، فرانسه و آلمانی تسلط دارد. به پاس خدمات شایان دکتر بهزاد به علم زیست‌شناسی، در شهریور ۱۳۷۹ مراسم تجلیل از ایشان، از سوی فرهنگستان علوم پزشکی، برگزار شد.



دکتر محمود بهزاد



# علم و آموزش

## مفهوم علمی

چند سال پیش روزی ورقه‌ای مربوط به امتحان فیزیولوژی حیوانی را در جمع معلمانی که به تصحیح اوراق مشغول بودند می‌خواندم تا به آن نمره بدهم. یکی از سؤالات درباره گلبولهای قرمز خون بود و دو نمره از بیست نمره بدان تعلق داشت. دانش آموز مطالب درستی درباره شکل و کار گلبول قرمز نوشته بود. ولی این جمله نیز به چشم می‌خورد: «در هر متر مکعب خون انسان ۵۰۰۰ گلبول قرمز وجود دارد.» این جمله را به صدای بلند خواندم تا دیگر همکاران من از آن آگاه شوند. همه خندیدند و یکی گفت «عجب دانش آموز احمقی!» به هر صورت ورقه تصحیح شد و به اصطلاح بر طبق بارم سؤالات، نمره ۱۷/۷۵ به آن ورقه تعلق گرفت. فردای آن روز در ورقه دیگری که مربوط به تکامل بود و به آن طبق بارم ۱۸/۵ داده شده بود این جمله به چشم می‌خورد: «از خزندگان تک سلولی

دوران دوم می‌توان ایگوآنودون را نام برد.» این جمله هم به وسیله یکی از همکاران به صدای بلند خوانده شد. این بار نیز همه خندیدند. گرچه جمله مربوط به تعداد گلبولهای قرمز به هدیای بیشتر شبیه بود تا به گفته دانش آموزی عاقل، به خلاف گفته همکارم، نویسنده آن شخص احمقی نبود. بلکه دانش آموزی بود که ۱۷/۷۵ از جمع ۲۰ نمره لازم را به دست آورده بود و به احتمال قوی در امتحان توفیق یافته است و اکنون در یکی از دانشگاههای کشور به تحصیلات عالی

اشغال دارند. شاید حال و روز نویسنده جمله هدیان مانند مربوط به حدیث‌گان نیز حسن باشد.

سوالی که در اینجا مطرح است این است که: اجرا دانش آموزی که به قسمت اعظم سوالات پاسخ درست داده و نمره‌ای عالی گرفته به نوشتن چنین هدیه‌ای مبادرت کرده است؟<sup>۱۴</sup> برای پاسخ گفتن به این پرسش به ذکر مقدمه‌ای نیاز است.

بیشتر معلمان گویي مایه درستی سعی دارند که تعرض از علم آموزی چیست و از چه راهی باید آن را آموخت. اینان مطالبی را به دستور معلمان خود در دوره تربیت معلم حفظ کرده‌اند و آنها را با رنج فراوان تا پایان امتحان در مغز خود ضبط نموده‌اند و پس از گذراندن امتحان از یاد برده‌اند و اکنون که بر مسند معلمی تکیه زده‌اند کار معلمان خود را تکرار می‌کنند. تنها چیزی که می‌دانند این است که شاگردان باید مطالبی را در حدود برنامه یاد بگیرند و آنها را امتحان بدهند. ولی چه باید بگیرند و چگونه یاد بگیرند مطرح نیست. مثلاً معلم علوم طبیعی می‌تواند به تدریس یک سلسله مطالب معین اشغال دارد و از کثرت تکرار، آن مطالب را با همه جریانش می‌داند، یعنی از حفظ شده است. او سعی دارد که شاگردانش همه آن مطالب را مانند خود او با همان دقت و تفصیل بدانند. معلم شیمی و معلم فیزیک و دیگر معلمان نیز سعی دارند که شاگردانشان با دقت آنها و به همان تفصیل شیمی و فیزیک و غیره بدانند. به عبارت دیگر شاگردی که ۱۵ نوع درس می‌خواند باید مانند پانزده نفر متخصص! که هر یک عمده‌ی را در حفظ کردن و بازگو کردن مطالب سپری کرده است، چیز به خاطر سپرد، و نام این کار علم آموزی است!

اگر از این پرسیده شود: شما که بر اثر سالها تکرار چند مطلب معین، توانسته‌اید جریات آنها را به خاطر بسپارید و تازه این کار را به خاطر شغلتان کرده‌اید. یعنی چون در ازای بازگو کردن آن مطالب اجر مادی گرفته‌اید و به اصطلاح به نان رسیده‌اید خواه ناخواه بدانها علاقه مند شده‌اید. شاگردان به چه عشقی بدانها علاقه مند شوند؟<sup>۱۵</sup> چه خواهند گفت؟ ممکن است بگویند اینها همه مطالب جالب علمی هستند و دانستن آنها بر هر فرد متمدن لازم است. اما در پاسخ این پرسش چه خواهند گفت: «پس چرا شما جز آنچه خود تدریس می‌کنید، کمترین علاقه به مطالب علمی دیگر ندارید؟» مثلاً اگر معلم فیزیک هستید به تنها به علوم طبیعی راغب نیستید بلکه از مطرح شدن مطالب مربوط به آن احساس ناراحتی می‌کنید؟ اصولاً هر کسی با هر وسیله‌ای که از تفریق می‌کند به آن وسیله علاقه مند می‌شود. بازگو کردن مطالب مربوط به علم شیمی برای معلم شیمی وسیله ارتزاق است پس بدان علاقه مند است. پارچه فروش نیز به پارچه علاقه مند است و ریز فروشن پارچه وسیله ارتزاق اوست.

حاصل آنکه، جالب بودن مطالب علمی به تنهایی کافی برای آن نیست که دانش آموز را علاقه مند سازد. باید دید که چه عواملی می‌توانند علاقه علم آموزی را در شاگردان برانگیزاند و معلمان چگونه باید از آن عوامل استفاده کنند.

چندی پیش دعوت شدم که برای گروهی از معلمان که از همه استاها به مرکز خوانده شده بودند، درباره روش امروزی علم آموزی مطالبی بگویم. به سائلی هدایت شدم که جمعیتی متشکل از ۲۵ نفر در آن به انتظار سخنان من بودند. صحبت را با طرح چند پرسش شروع کردم و مسئله را بدانجا کشیدم که چگونه می‌توان شاگردان را به علم آموزی علاقه مند کرد. در این میان ناگهان سخنانم را قطع کردم و گفتم که به یاد سوال حالی افتادم، دلم می‌خواهد جواب آن را از شما بشنوم. سوال این بود: «چرا بچه موفقی به دنیا آمدن گیر به می‌کند؟» عده‌ای بدون تأمل دست بلند کردند و آمادگی خود را برای پاسخ گویی اعلام داشتند.

یکی گفت: «چون محیط زندگی عوض می‌شود»  
 - درست، ولی عوض شدن محیط که گو به ندارد!  
 دیگری گفت: «چون از مادر جدا می‌شود»  
 - در این مرحله از زندگی مسئله مادر برای بچه مطرح نیست!  
 سومی گفت: «چون از رحم مادر وارد هوا می‌شود»  
 چهارمی که طبعی شوخ داشت گفت: «چون بعدها می‌فرستندش مدرسه!»

هر کس چیزی گفت، ولی هیچ کس عامل اصلی گیره بودن را نگفت. بدون آن که علت آن را بگویم. دنبال سخنان اولیه، اگر قسم یکی از معلمان فوراً حرفم را قطع کرد و پرسید: «پس چرا خودتان علت را نمی‌گویید؟»

البته مطرح کردن آن سوال و نگفتن دلیل آن و گرفتن دنباله سخنان قبلی همه صحت‌سازی بود تا چنین پرسشی از من بشود. پرسیدم: «مگر میل دارید علت را بداند؟ همه با هم گفتند: آری. من به شرحی گفتم: «حالا که شما میل دارید، من هم می‌گویم!» همه خندیدیم و بار دیگر دنبال سخنان اولیه را گرفتیم. این بار مطلقاً از من خواستند که علت را بگویم. گفتم تا حالا که نمی‌دانستید، از این پس هم ندانید، طوری نمی‌شود!

حاصل آن که چنان آنها را برای دانستن علت گیره نوراد کنجک و کردم که همه آماده شنیدن آن شدند و شاید اگر علت را نمی‌گفتم اندکی ناراحت می‌شدند. \*

در این موقع بود که گفتم یکی از راههای علم آموزی کنجک و کردن شاگردان برای دانستن امری است که قبلاً چندان بدان امر توجه نداشته‌اند. هنگامی که دانش آموزی کنجک و شود، موضوع را به

خوبی فرامی‌گیرد و آن موضوع جزء دانسته‌هایش می‌شود، بدون آنکه کوشش کند آن را مثل مطالب کتابهای درسی از حفظ کند.

راه دیگر این است که معلم از صورت سخنگو بیرون بیاید و شاگردان را به فکر کردن و سخن گفتن وادار سازد. برای این کار معلم باید پرستنهایی درباره موضوع درس مطرح کند و از شاگردان پاسخ آنها را بخواهد و وضعی پیش آورد که همه در پاسخ دادن شرکت کنند. چه بهتر که پرسش روی تخته سیاه نوشته شود و پاسخها اگر چه نادرست باشند، در برابر آن نوشته شود و از شاگردان خواسته شود که پاسخ درست را بیابند تا به این عمل راه برای درک پاسخ درست باز گردد.

این روش سه چیز لازم دارد: تسلط بر موضوع درس، تسلط بر کلاس، و مهمتر از همه صرف انرژی بسیار. بیشتر به خاطر این که انرژی کمتری در کلاس صرف شود، معلم سخنگو می‌شود. در گوشه‌ای می‌ایستد و به شرح موضوع درس می‌پردازد. غافل از این که یک امر روانشناسی، به زودی احساسات او و دقت همه دانش آموزان را به هدر می‌دهد. آن امر روانشناسی تداعی است.

اصولاً شاگرد مدرسه، یا هر مستمع دیگر، برای استماع سخن گنجایش محدودی دارد. هر چه مطلب جالبتر باشد مدت استماع طولانیتر می‌شود. به عکس هر چه موضوع سخن کمتر حالت باشد مدت استماع کوتاهتر می‌گردد. از آنجا که مطالب درسی، به صورتی که در کتابها نوشته شده‌اند، با به وسیله معلمان عرضه می‌شوند، جلب توجه دانش آموزان را نمی‌کنند، شاگردان چند دقیقه پس از آغاز هر درس، اگر به صورتی در آن شرکت داده نشوند، بر اثر تداعی، در حالی که درست به چهره معلم خیره شده‌اند و صدای او را می‌شنوند، به چیزی دیگر می‌اندیشند. علل و اسباب تداعی بسیار است و کوچکترین عوامل محیط گرداگرد دانش آموز در کلاس و حیاط مدرسه می‌تواند عامل تداعی گردد. نظریه‌ای که مسئله تداعی در از بین بردن زحمات! معلمان سخنگو! دارد، با ذکر مثالی آن را روشنتر می‌کنیم.

هر گونه صدایی که به گوش دانش آموزی برسد ممکن است موجب تداعی شود. مثلاً صدای گنجشک شاگردی را به یاد گنجشکی که دیروز با تیرکمان زده است می‌اندازد و لحاظ او را مشغول می‌کند. صدای سرفه‌ای شاگرد دیگر را به باد سرفه‌های پدر بیمارش که دیشب خواب را بر وی حرام کرده بود می‌اندازد. صدای بوق اتومبیلی شاگردی را به باد بوق آزاردهنده اتومبیل همسایه می‌اندازد.

بدین روش هر شاگردی با یک عامل محیط گرداگرد خود سه فکری فرو می‌رود و بدان مشغول می‌شود. اما در تمام مدتی که در

این خیالبافی است سخنان معلم را می‌شنود، و کسی چیزی از آن نمی‌فهمد. دوام مدت تداعی عموماً چندان زیاد نیست، به طوری که پس از چند دقیقه قطع می‌شود و بار دیگر سخنان معلم برای شاگرد مفهوم پیدا می‌کند. اما این بار چون ردیف مطالب در ذهن شاگرد گسیخته شده است، زودتر دستخوش تداعی می‌شود و این کار چند بار در یک ساعت درس اتفاق می‌افتد.

بسی اتفاق می‌افتد که معلمی در چنین حالی، سؤالی مطرح می‌کند. آن عده از شاگردان که همراه سخنان معلم نبودند و از موضوع سؤال آگاه نشدند با عجله از رفقای نزدیک خود سؤال مطرح شده را می‌پرسند!

حاصل آنکه امر تداعی، زحمات معلمانی را که شاگردان را در کلاس علم آموزی شرکت نمی‌دهند به هدر می‌دهد.

راه درست علم آموزی این است که کوشش شود شاگرد مفاهیم علمی را کسب کند نه آنکه مطالب علمی را حفظ کند. برای روشن شدن معنی مفهوم علمی با چند مثال مسئله مفهوم را، به طور کلی، اعم از علمی و غیر علمی، توضیح می‌دهم.

روزی آموزگاری که در کلاس چهارم ابتدایی تدریس می‌کرد این موضوع را برای نوشتن انشا به شاگردانش داد: «وضع یک خانواده فقیر را شرح بدهید.» دختر یک میلیونر که در آن کلاس تحصیل می‌کرد این طور نوشت: «خانواده‌ای بود فقیر، پدر فقیر، مادر فقیر، پسران فقیر و دختران فقیر، پدر بزرگ فقیر، مادر بزرگ فقیر، کلفتها فقیر، نوکرها فقیر، همه ماشینها فقیر، ساختمان خانه فقیر، استخر شنا فقیر، زمین تنیس فقیر، فرشها و مبلمان و همه چیزهای خانه فقیر بودند.»

آیا غیر از این است که دخترک میلیونر از مفهوم فقر بی‌اطلاع بود؟

روزی تابوتی را به سوی گورستانی می‌بردند و گروهی آن را بدرقه می‌کردند. پسر مرد فقید به دنبال تابوت پدر می‌رفت و زاری کنان می‌گفت: «پدرجان، امشب تو را در جایی منزل خواهند داد که نه چراغ دارد، نه فرش، نه آب، نه نان و نه وسیله گرمای.» گدایی با پسر کوچکش در کناری نشسته بود و به سخنان پسری که زاری می‌کرد گوش می‌داد. پسرک از پدرش پرسید: «بابا این تابوت را به خانه ما می‌برند؟»

آیا غیر از این است که پسرک نه تنها مفهوم بیتاوی را می‌دانست بلکه آن را لمس می‌کرد؟

کسی که سواد ندارد و خواندن و نوشتن نمی‌داند، اگر جلوی میزی بنشیند و به خوردن غذا مشغول شود، چنانچه ناگهان دستش به نیوانی بگیرد و آن را به سوی زمین واژگون کند بلافاصله دستش را

به سرعت به سوی زمین می‌برد و لیوان را قبل از افتادن به زمین می‌گیرد. این شخص بسواد به تجربه از دو مفهوم آگاهی دارد: اول مفهوم جاذبه زمین است و آن این است که هر جسم سنگینی که زده شود به سوی زمین می‌رود، دوم مفهوم از دست رفتن لیوان. این شخص در هیچ کتابی ندیده و نخوانده و حفظ نکرده است که اکثر لیوانی‌ها شده به سوی زمین می‌رود و می‌شکند. پس ساید آن را پیش از رسیدن به زمین گرفت تا از دست برود!

مفهوم علمی هم همین حال را دارد و باید به تجربه کسب گردیده به زور در حافظه جا داده شود.

حال وقت آن است که این پرسش را که در آغاز مطرح کرده‌ایم پاسخ گوئیم: «چرا دانش آموزی که به قسمت اعظم پرستشها پاسخ در دست داده، به نوشتن چنین هدیه‌ای مسافرت کرده است؟»

دانش آموز مفهوم متر مکعب را نمی‌داند و نیز از مفهوم جبهه گلوله قرمزینی اطلاع ندارد. نه عبارت دیگر به تجربه نسبی دانش متر مکعب چه حجمی است و میلی‌متر مکعب چه در تصویر از عظمت متر مکعب است به میلی‌متر مکعب نداشتیم نمی‌دانستیم که یک متر مکعب معدن  $1000 \times 1000 \times 1000$  یعنی یک میلیون (میلیون) میلی‌متر مکعب است. همین دانش آموز هیچ گاه چیزی را که گفته شود به اندازه فداق است با چیزی که گفته شود به اندازه هندوانه برزگی است امتیاز نمی‌کند. چون فداق و هندوانه از نظر جبهه دو مفهوم برای او ندارند. ولی این را به تجربه امیخته به آنکه در کتاب دیده و به عنوان درس به خاطر سپرده باشد.

دانش آموزی که جزندگان را از تک سلولیها به حساب آورده به مفهوم جزئیه را می‌داند و نه مفهوم حیوان تک سلولی را. او هرگز سلولی زیر میکروسکوپ ندیده است، بلکه عکس سلول و حیوان تک سلولی را بسیار در دست تو از معمول در کتاب خود دیده است. و نیز تصویر ایگوآدئون، جزئیه دوران دوم، را در کتاب و تقریباً به همان جبهه مشاهده کرده است و هیچ گاه در زیر عکس ایگوآدئون نوشته اند: «ایگوآدئون» نیز در زیر عکس سلول نوشته نشده است.

و  $1000 \times 1000$  تا تصور درستی در ذهن او ایجاد کند. از این گذشته جزئیه برای او فقط بدان معنی است که روی زمین می‌خرد و شاید پیش خود فکر کرده است آب هم، که جانوری تک سلولی است روی برگ مرده می‌خرد و پیش می‌رود، پس جزئیه است و حال آنکه جزئیه در مفهوم حیوان شناسی به حیواناتی می‌گویند که خردن یکی از حصاره های آنهاست و چه بسا جزئیه گاهی به ده اندک اکثر اوجود دارند که حرکتی چون چوب‌پایان داشته اند و دارند و این کلمه فقط ساید نام گروه است. مثلاً کلمه سلول یعنی جاده و حال آن که

محتویات حجره زنده و فعال است به خود حجره و گیرچه این نامگذاری را تغییر نداده اند اما توجه می‌دهند که نام درستی نیست چرا دور می‌روند، قهوه خانه حتی است که شاید همه چیز بر آن پیدا می‌شود اما تنها چیزی که در آن نیست قهوه است!

اکنون بسه که چگونه می‌توان دانش آموزان را در کسب مفاهیم علمی یاری کرد.

هر مفهوم علمی یک واقعیت (Fact) با گرومی از واقعتهای مربوط به هم است. مثلاً وجود جانداران میکرو و ماکرو یک واقعیت است. واقعیت مشاهده‌ای است که همه کس می‌تواند انجام دهد.

هر کس می‌تواند قطره‌ای آب حوض را روی شیشه‌ای شیشه‌ای بریزد و آن را با بیضکی شیشه‌ای بوشاند و در زیر میکروسکوپ مشاهده کند و تعداد بسیاری جاندار میکرو و ماکرو ببیند. بر می‌تواند آن قطره روی شیشه‌ای را بدون کمک میکرو و ماکرو مشاهده کند و چیزی نیست.

پس یک واقعیت دیگر این است: «جاندارانی وجود دارند که مستقیم یا چشم دیده نمی‌شوند». واقعیت دیگر این است: «جاندارانی وجود دارند که مستقیم یا چشم دیده نمی‌شوند». واقعیت دیگر این است: «بند بیشتر جانداران میکرو و ماکرو عموماً سه بخش دارد: سیتوپلاسم، هسته، غشاه». یک واقعیت دیگر «هر بخش از یک گیاه را در زیر میکروسکوپ مشاهده کند، آن را در دست از واحدهایی خواهید دید که هر یک مرکب از سیتوپلاسم و هسته و غشاست». «هر عضو حیوانی را در زیر میکروسکوپ مشاهده کنید، آن را مرکب از واحدهایی خواهید یافت که هر یک مرکب از سیتوپلاسم و هسته و غشاست». «دانشمندی به این واحدها سلول گذاشت. از جمع این واقعتهای تئوری سلولی به وجود می‌آید. این هر جاندار. از یک یا اجتماع تعداد بیشتر سلول مرکب است.

باید گویی که جاندار است و ولی به خلاف بیشتر جانداران میکرو و ماکرو فقط سیتوپلاسم غشا دارد و هسته‌ای در آن دیده نمی‌شود پس این سوال پیش می‌آید که: آیا ممکن است بعضی از جانداران میکرو و ماکرو هسته نداشته باشند؟ پس از این سوال چند آزمایش به این واقعیت می‌رسیم: «ماده هسته در سیتوپلاسم حرکتی پراکنده است و به صورت دانه در آن جمع شده است». پس تئوری سلولی درست است.

بسیار آنچه گذشت مفاهیم علمی حاصل شده‌اند. مشاهده عبارات است از ادراک امور بوسیله حواس سالم و کمک ابزارهایی که برد حواس را زیاد می‌کنند. مشاهده فقط جسم نیست. مشاهده علمی بلکه به وسیله همه حواس انجام می‌گیرد. مشاهده علمی مشاهده است، ادراک مرده با تئوری است، مشاهده است، ادراک تئوری با تجربه، گرمی و سردی اجسام مشاهده است.

پس مشاهده اساس ادراک واقعیتها و در نتیجه کسب مفاهیم علمی است. اگر به شاگردی بگویید، یا در کتابی بخواند، که در هر میلیتر مکعب خون پنج میلیون گلبول قرمز هست، این مشاهده نیست. این، آگاهی از یک واقعیت از راه شنوایی یا بینایی است. به عبارت دیگر این یک خبر است. از آنجا که شاگرد خود مشاهده نکرده است و حتی در مشاهده سهیم نوده است موضوع مدت کمی در ذهنش باقی می ماند و نه زودی به فراموشی سپرده می شود. اما اگر اندکی خون از یکی از شاگردان کلاس را بگیرند و روی تیغه شیشه ای پهن کنند و بعد، آن تیغه را به یک یک افراد کلاس نشان دهند تا ببینند که لکه قرمزی روی تیغه شیشه ای پهن و خشک شده است و سپس آن را در زیر میکروسکوپ، ابتدا با درشت نمایی کم، بدانها نشان دهند تا اولاً کثرت تعداد گلبولها و ثانیاً کوچکی آنها را مشاهده کنند و بعد از آن گلبولها را با درشت نمایی زیاد بدانها نشان دهند تا مشاهده شود که به شکل قرصهای مقعر الطرفین اند، به صورت یک مفهوم علمی کسب می شود. تازه برای آنکه این مفهوم به صورتی به ذهن شاگرد راه یابد که به زودی فراموش نشود باید اولاً به او تکلیف شود که آنچه مشاهده کرده است رسم کند (در هر سه حالت)، نیز مفهومی را که کسب کرده است در جمله ای بنویسد. چه بهتر که از مفید از خون آدمی و مقایسه آن با حجمهای محسوس نیز صحبت شود و میلیتر مکعب برای شاگردان به خوبی مجسم گردد و از تعداد کل گلبولها در خون آدمی سخن به میان آید. در این صورت می توان مطمئن شد که شاگرد مفهومی علمی کسب کرده است. ضمناً هر وقت که صحبت از خون به میان می آید آن مشاهده را یادآوری کنند تا موقعیتش در ذهن تحکیم شود.

ممکن است گفته شود: «چون میکروسکوپ در اختیار ندارم، ناگزیرم آنچه را که در کتاب نوشته است بازگو کنم». قول، در شهری کوچک هستید و هیچ وسیله ای برای علم آموزی در اختیار ندارید. اما آیا این را می دانید که علم آموزی به روشی غیر از روش کسب مفاهیم اطلاق وقت است؟ آیا با علم به این واقعیت به کار خود و شاگردان زیر دست خود و به علم علاقه مند هستید؟ اگر این دو جواب مثبت است، راهی خواهید اندیشید.

شما قاره ها، اقیانوسها، رودها و رشته کوههای بزرگ و کشورهای مهم جهان را می شناسید و هر وقت درباره آنها صحبتی شود به خوبی در خاطر خود مجسم می کنید و اگر اطلاعاتی از آنها بخواهند، خواهید داد؛ و حال آنکه ممکن است مستقیماً به بازدید هیچ یک از آنها نپرداخته باشید.

آگاهی شما از این واقعیتها به چه وسیله صورت گرفته است؟ مسلماً نقشه جغرافیا و کره جغرافیایی. پس عکس، نقشه، مدلهای

کوچکتر یا بزرگتر می توانند در مشاهده جانشین اصل شوند. مسئله مهم در این گونه موارد آن است که اولاً تناسب نقشه، مدل یا عکس با اصل حفظ شود و شاگرد کاملاً متوجه این تناسب باشد. ثانیاً به وسایل گوناگون توجه شاگرد به مسئله جلب گردد. جلب کردن توجه شاگرد به مسائل مختلف علمی علاقه و ابتکار و صرف انرژی می خواهد. کتابهای راهنمای معلم که اخیراً با هر کتاب علمی برای آموزگاران چاپ می شود درباره همه گونه مسائل علمی پیشنهادات سودمند می کند، فقط علاقه مندی معلم است که می تواند آنها را به کار بندد و در کسب مفاهیم علمی به شاگردان کمک کند.

پنج سال پیش (۱۳۴۴) که نخستین کتاب علوم راه به سبک جدید علم آموزی، برای سال سوم ابتدایی تنظیم کرده بودم، کتابی راهنما نیز برای آموزگاران به همراه داشت. معلمان کلاس سوم تهران به چند حوزه دعوت شدند تا با روش جدید علم آموزی و استفاده از کتاب راهنما آشنا شوند. آنچه که لازم بود در این جلسات گفته شد.

یک ماه بعد همان معلمان دعوت شدند تا اگر با اشکالاتی روبه رو شده اند، مطرح کنند و برای آنها چاره ای بیندیشیم. در یکی از حوزه ها دخترخانمی از جا بلند شد و با لحنی اعتراض آمیز گفت: «آزمایشی که شما در کتاب سوم راجع به اهره قمر نوشته اید آزمایشی غیر عملی است و شاگردان قدرت فهم آن را ندارد». او را به پای تخته سیاه خواندم. جمعیتی در حدود ۲۰۰ نفر در سالن حضور داشت. پرسیدم: «خود شما این آزمایش را تمرین کرده اید؟» گفت: «آری». پرسیدم: «چه چیزهایی به کار بردید؟» گفت: «همان توپ و سیب و چراغی که شما نوشتید». پرسیدم: «چند بار آزمایش کردید و موفق نشدید؟» باری حوصلگی گفت: «کردم، نشد دیگه!» اتفاقاً نزدیک غروب بود و عده ای دانش آموز در حیاط مدرسه توپ بازی می کردند. از ناظم مدرسه خواستم توپی بیاورد و چراغی را که به دیوار نصب بود روشن باقی گذارد و بقیه را خاموش کند. گفتم: «آن چراغ خورشید و شما زمین و این توپ ماه. حالا طبق راهنمایی کتاب عمل کنید». دخترخانم پس از کمی چرخیدن وقتی که چشمش به هلال روشن توپ افتاد، بی اختیار از خوشحالی گفت: «این که درست است!» چون لحن این گفته چنان بود که نشان می داد آزمایش نکرده و اعتراضش نابجا بوده است، همه جمعیت حاضر به شدت خندیدند. آری به سبب بی علافگی آزمایش نکرده بود!

گفتی در این باره بسیار است.

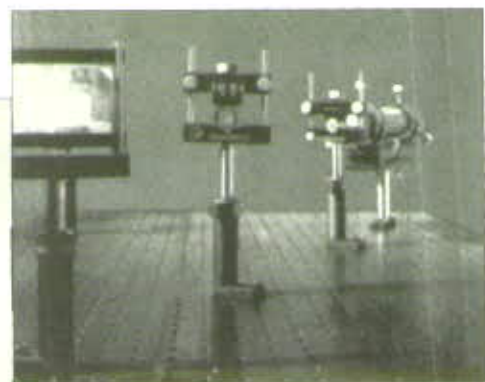
زیرنویس:

• چون در اینجا مجالی برای ذکر علت گریه بوزاد نیست، خواننده محترم می تواند به کتاب «یوگرافی پیش از تولد» ترجمه نگارنده مراجعه کند.

چهارشنبه ۲۰ آذرماه ۱۳۷۹ فرصتی دست داد تا با هدفنگی قبلی از امرکز علوم و ستاره‌شناسی تهران بازدید کنیم و با مسئول این مرکز علمی، جناب آقای مهندس دالکی مصاحبه‌ای داشته باشیم. آقای مهندس دالکی عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، تهران و از استادان گروه جغرافیای این دانشگاه است. وی در زمینه جغرافیا و سنجش از دور تخصص دارد و به مباحث نجوم و ستاره‌شناسی بسیار علاقه مند است.

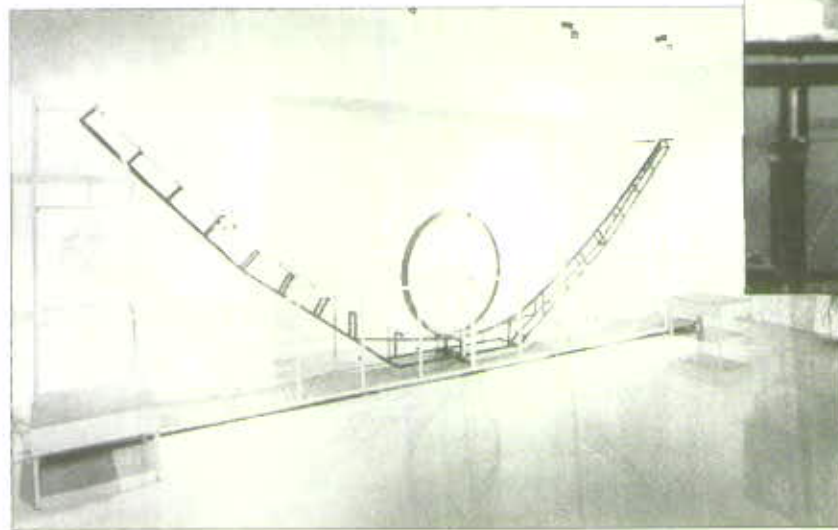
قبل از شروع بازگویی از مسائل های مختلف علوم و در حد حاله این مرکز و توضیح در مورد فعالیت های این مجموعه علمی، به ایشان به صحبت نشستیم.

رشد همین ترفیس سیلاب، از این که فرضی دادید، لحظاتی به شما باقیم و در مورد این مراکز به سؤالات ما پاسخ دهید. متشکرم.



رشد: چه زمینه‌هایی از علوم در این مرکز بر اهمیتند است؟  
**\*دالکی:** در این مجموعه سعی شده است، با توجه به امکانات و مذهب بسیاری از اصول علمی ارائه شود. از آنجمله اینها می‌توان گفت: تعداد شرایط فعلی، حدود ۱۵ دستگاه برای استفاده آماده شده است. در هر اول، عمدتاً به رشته‌های ستاره‌شناسی، اپتیک، لیزر، صوت، فیزیک کاربردی، مکانیک، سنجش زمان، هواشناسی، شیمی، زمین‌شناسی، زمین‌شناسی، بیولوژی و پارادایم از رشته‌های دیگر پرداخته شده است که جمعاً حدود ۳ طرح ارائه می‌شود. رشد: این مراکز را چگونه تهیه کرده‌اند؟

**\*دالکی:** غیر از حدود ۳۰ دستگاه، همه دستگاه‌ها خودی، برخی موتور مانیس و GPS، بقیه ادوات را موسسات و شرکت‌های داخلی ساخته‌اند که شروع خود جلب است.



## گزارشی از

# مرکز علوم و ستاره‌شناسی تهران

منصور ملک عباسی

رشد: از فارغ‌دوم این مرکز برای ما بگویید.

**\*دالکی:** تقریباً همه تعداد طرح‌هایی در دست اجرا، با مطالعه و بررسی است. البته، پایه‌های طرح‌ها و سنجش تجهیزات اصلی و علمی، تعداد زیادی نیز طرح‌های علمی هستند و به تعداد زیادی ساختمان و تجهیزات علمی و فرهنگی نیز به اجرا درآمده است که مکمل برنامه‌های علمی می‌باشد. رشد: این مراکز از ابتدای چه زمانه‌ای فعالیت می‌کنند؟ خدمات می‌شود؟

اگر ممکن است مختصری در مورد سابقه و چگونگی تأسیس این مرکز توضیح بفرمایید.

**\*دالکی:** از تابستان سال ۱۳۷۵، کار بررسی این مراکز که قبلاً به صورت یک منزل مسکونی بود آغاز شد و با نگرش به مراکز علوم در سایر کشورها، آن را به صورت کنونی در آورده‌اند. سوله مجموعه‌ای از علوم جدید را به صورت تجزیه ارائه دهد. چون سال جامعه به مسائل نجوم زیاد بود، در این جا تأکید بیشتری بر مسائل نجومی شده است.

آموزش و پژوهش در ایران



**\*دالکی:** «سازمان زیباسازی» شهرداری تهران به عنوان کارفرما و مجری و با مشاورت «شرکت مهندسان مشاور پیل میر»، در تابستان ۱۳۷۵ کار احداث این مرکز را آغاز کرد و در تابستان سال ۱۳۷۸، فاز اول آن به اتمام رسید. در تیر ماه ۱۳۷۹، این مرکز با حضور آقای دکتر حبیبی، معاون اول رئیس جمهور و نیز شهردار تهران افتتاح شد. هم اکنون این مرکز برای اجرای طرح های خود و جذب اعتبارات جدید، به همان سازمان زیباسازی شهرداری تکیه دارد.

رشد: چگونه این مرکز در طرح های علمی خود از نظرات استادان فن بهره می گیرد؟

**\*دالکی:** اتفاقاً این مرکز از نظر برنامه های علمی زیر نظر یک هیأت علمی ده نفره است که ۶ نفر از استادان دانشگاه شهید بهشتی، ۱ نفر از دانشگاه مشهد، ۲ نفر از دانشگاه تهران و یک نفر از خارج دانشگاه عضو آن هستند. برنامه های جدید و مهم قبلاً به وسیله این هیأت به تصویب می رسد.

رشد: برنامه های بازدید از این مرکز چگونه است؟ لطفاً برای خوانندگان ما توضیح دهید.

**\*دالکی:** این مرکز تمام روزهای هفته فعال است. افراد علاقه مند، دانش آموزان مدارس در سطح راهنمایی، دبیرستان و نیز دانشجویان، با هماهنگی قبلی وقت می گیرند و به دیدن مرکز می آیند. بازدیدکنندگان از نزدیک و به همراه توضیحات راهنما، خود با اصول و قوانین علمی به طور کاربردی آشنا می شوند. با آن که ما تبلیغ وسیع هم نداشته ایم، لیکن تمام روزهای هفته بازدیدکننده داشته ایم و روزانه بیش از ۲۰۰ نفر به طور متوسط، از این مرکز بازدید می کنند.

رشد: در مورد رصدخانه و برنامه های رصدی بیشتر توضیح دهید.

**\*دالکی:** گفتنی است، رصدخانه ما که قطر گنبد آن ۵ متر است، از کارهای بسیار جالب و ساخت متخصصان داخلی است که کاملاً ایزوله است و هیچ گونه گرد و غبار را به خود راه نمی دهد و کاملاً جلوی نورهای اضافی را می گیرد.

رصدخانه ما مجهز به تلسکوپ ۱۲ اینچی از نوع «شمیت کاسگرین» است و به کمک یک سیستم C.C.D قادر است که از جرم مورد نظر در آسمان، تصاویر سیاه و سفید و رنگی بگیرد و با بر روی صفحه ماینور ظاهر سازد.

این تلسکوپ دارای موتورگردان است که جرم مورد نظر را همواره در میدان دید خود نگه می دارد. بعلاوه به یک سیستم ردیاب نیز مجهز است که با وارد کردن مختصات اجرام سماوی به سیستم، آن ها را در آسمان می یابد.

شب های پنج شنبه یا به عبارت دیگر، عصر چهارشنبه هر هفته، با هماهنگی قبلی، علاقه مندان می توانند در این مرکز حضور یابند تا پس از شرکت در یک برنامه تور و صدا که در سالن آسمان نما

(پلاناریوم) به مدت نیم ساعت اجرا می شود، به محل رصدخانه در پشت بام این مرکز هدایت شوند. در این رصدخانه، با توجه به موقعیت اجرام سماوی، می توان ۲ تا ۳ مورد خاص را با تلسکوپ مشاهده کرد. رؤیت ماه و سیارات زهره، مریخ، مشتری و زحل، ستارگان دوتایی، کهکشان، سحابی و ... از آن جمله اند.

گفتنی است، سقف سالن آسمان نما، با طراحی و ترسیم صور فلکی در نیمکره آسمان، به طرز زیبایی آراسته شده است و تک تک صورت های فلکی در «منطقه البروج» و ویژگی های آن ها، به کمک یک سیستم صوتی توضیح داده می شود.

رشد: آیا برنامه های خاصی در زمینه نجوم برای آینده دارید؟

**\*دالکی:** در نظر داریم، انشاءالله برای علاقه مندان دوره های کوتاه مدت آموزشی طراحی کنیم و کم کم نشریه ای برای مرکز ندارک ببینیم که فعالیت ها و اخبار علمی مربوط را به اطلاع برساند.

رشد: اگر کسی در مورد مسائل نجومی سؤالی داشته باشد، چگونه امکان دارد سؤال خود را مطرح کند؟

**\*دالکی:** چنانچه سؤالات کوتاه باشد، می تواند با تلفن بپرسند. رشد: اگر ممکن است، شماره تلفن، آدرس و آدرس و آدرس میزان ورودیه به این مرکز را بفرمایید.

**\*دالکی:** این مرکز در شمیران، خیابان شهید دکتر باهنر (نیاوران)، خیابان عمّار، کوچه عرفات، پلاک ۱۱ قرار دارد و شماره تلفن و فاکس، ۰۲۲۹۳۲۸۰ است.

میزان ورودیه برای کلیه بازدیدکنندگان در روز ۲۰۰ تومان و برای رصد شبانه ۴۰۰ تومان در نظر گرفته شده است.

رشد: از این که وقت خود را در اختیار ما گذاشتید سپاسگزاریم. انشاءالله این مرکز بتواند، همواره خدمات ارزنده علمی خود را به علاقه مندان، خصوصاً دانش آموزان و دانشجویان ارائه دهد. اگر موافق باشید، از سالن ها بازدید کنیم.

**\*دالکی:** بله حتماً. من هم از همکاری شما و «مجله رشد آموزش راهنمایی» ممنونم.

\*\*\*

در این هنگام، به سالن علوم راهنمایی شدیم و در مورد ادوات موجود، توضیحات مختصری داده شد. این مجموعه که شامل ۲ سالن بزرگ است و رصدخانه در بام آن استقرار یافته، به طور خلاصه دارای این دستگاه هاست:

تولید لیزر، ژیروسکوپ، صفحه خطای باصره، صوت و خلا، هلوگرام، طیف نما، تداخل سنچ، انرژی خورشیدی، ساعت آفتابی، ترازوی توزین در سایر کرات، بارسنج دیجیتال، انواع ترمومتر، قرقره های مرکب، آفتاب نگار، بُرش موتور، و همچنین، بخش شیمی - کیمیاگری، مدل D.N.A، اتاق بدون پژواک - آینه های متقاطع، کندو عسل شیشه ای و زنبورها و ...



ساعت عقربه‌ای یک عقربه فرضی و ثابت که دقیقاً روی ساعت دوامده است، پس توانیم زاویه بین عقربه‌های ساعت شمار و دقیقه شمار را پیدا کرد. در این مقاله عقربه نایب شمار مورد نظر است.



شکل (۱)

در شکل روبه‌رو، عقربه فرضی و ثابت، ۱۲ عقربه ساعت شمار و ۱۱ عقربه دقیقه شمار است. زاویه بین دو عقربه است که از اختلاف دور روبه‌رو و ۱۱۲ به دست می‌آید.

$$112 = 11 \times 12 - 100$$

پس نتیجه این که عددی از ۱۲ روی محیط دایره‌ای سه مرکز ۱۱ قرار دارد و اندازه زاویه مرکزی بر حسب درجه برابر است با اندازه همان زاویه رویش بر حسب درجه. زاویه مرکزی بین عقربه‌ها را حساب می‌کنیم.

گمانی که عقربه ساعت شمار نسبت به عقربه فرضی در یک ساعت طی می‌کند،  $\frac{1}{12}$  محیط دایره است و بر حسب درجه، برابر

$\frac{1}{12}$  زاویه مرکزی ۳۶۰ درجه است (شکل ۲).

یعنی:  $360 \times \frac{1}{12} = 30$  درجه

درجه  $3 = 360 \times \frac{1}{120}$  ساعت  
درجه  $1 = 360 \times \frac{1}{360}$  ساعت

این عقربه بر عقربه فرضی در ساعت ۱، زاویه ۳ درجه و در ساعت ۲ زاویه ۲۸۳ درجه و ... و در ساعت ۱۱ زاویه‌ای برابر ۳۰۰ درجه درست می‌کند.



شکل (۲)

عقربه دقیقه شمار هر ۶ دقیقه یک‌بار محیط دایره را طی می‌کند. زاویه مرکزی که عقربه دقیقه شمار بر عقربه فرضی در ۱ دقیقه است:

# چگونگی محاسبه اندازه زاویه بین عقربه‌های ساعت شمار و دقیقه شمار

حسین نریمانی\*

آموزش ریاضیات

می‌کند، زاویه  $\frac{1}{6}$  درجه است.

$$\begin{aligned}x\hat{o}y &= x\hat{o}z - y\hat{o}z \\ &= (3 \cdot h + \frac{1}{4}m) - 6m \\ &= 3 \cdot h - \frac{11}{4}m \\ 2x\hat{o}y &= 6 \cdot h - 11m \\ x\hat{o}y &= \frac{6 \cdot h - 11m}{2}\end{aligned}$$

یعنی:  $360 \times \frac{1}{6} = 6$  درجه

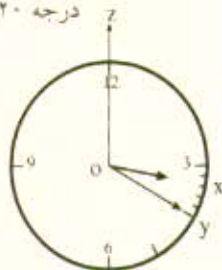
یا  $\frac{360}{6} = \frac{360}{x} \Rightarrow x = 6$  درجه  $\frac{360}{1}$  دقیقه

### بحث و بررسی پیرامون جواب‌ها در حالت‌های مختلف

الف) اندازه زاویه به دست آمده منفی است.

بعضی وقت‌ها، اگر عقربه دقیقه شمار از عقربه ساعت شمار جلوتر باشد، آن‌گاه:  $y\hat{o}z > x\hat{o}z$  است که در این صورت، جواب‌های به دست آمده معمولاً منفی است. (شکل ۵)؛ مانند ساعت ۳ و ۲۰ دقیقه که زاویه بین دو عقربه برابر است با:

$$\frac{6 \times 3 - 11 \times 20}{2} = -20 \text{ درجه}$$



شکل (۵)

چون در حالت کلی، قدر مطلق جواب مورد نظر است، بنابراین دستور را داخل علامت قدر مطلق قرار می‌دهیم:

$$x\hat{o}y = \frac{|6 \cdot h - 11m|}{2}$$

ب) اندازه زاویه به دست آمده صفر است.

زمانی که عقربه‌ها روی هم قرار بگیرند، زاویه بین دو عقربه برابر صفر است که در هر ساعت یک بار اتفاق می‌افتد و در این صورت:  $6 \cdot h - 11m = 0$

مثال ۱: اگر  $h = 1$  باشد، آن‌گاه:  $m = 5 \frac{5}{11}$  و  $m = 5 \frac{5}{11}$  و  $11m = 60$

تساوی فوق نشان می‌دهد که در ساعت ۱ و  $5 \frac{5}{11}$  دقیقه، دو عقربه روی هم قرار می‌گیرند و اندازه زاویه بین آن‌ها برابر صفر است.

مثال ۲: اگر بخواهیم بدانیم چند دقیقه بعد از ساعت ۱۱، زاویه بین عقربه‌ها برابر صفر می‌شود، کافی است به جای  $h$ ، یازده قرار دهیم؛ آن‌گاه:  $m = 60$ . یعنی، در ساعت ۱۱ و ۶۰ دقیقه که همان ساعت ۱۲ است، عقربه‌ها روی هم قرار می‌گیرد.

زاویه‌ای که این عقربه با عقربه فرضی در ۳ دقیقه درست می‌کند،  $2 \times 6$  درجه (شکل ۳) و در  $m$  دقیقه  $6m$  درجه است.



شکل (۳)

درجه  $y\hat{o}z = 12$

عقربه ساعت شمار در مدت ۱۲ ساعت (۷۲۰ دقیقه)، یک بار محیط دایره را طی می‌کند. به عبارت دیگر، گمان طی شده در ۱ دقیقه،  $\frac{1}{720}$  محیط دایره است. بنابراین، زاویه مرکزی که عقربه ساعت شمار با عقربه فرضی در مدت ۱ دقیقه درست می‌کند،  $\frac{1}{720}$  درجه است. چون:

$$360 \times \frac{1}{720} = \frac{1}{2} \text{ درجه}$$

$$\frac{360}{720} = \frac{360}{x} \Rightarrow x = \frac{1}{2} \text{ درجه} \frac{360}{1} \text{ دقیقه}$$

زاویه‌ای که عقربه ساعت شمار با عقربه فرضی در ساعت ۲ و ۱۰ دقیقه درست می‌کند، برابر ۶۵ درجه  $(30 \times 2 + \frac{1}{4} \times 10)$  است و

در ساعت  $h$  و  $m$  دقیقه، زاویه‌ای مساوی  $(30 \cdot h + \frac{1}{4}m)$  درجه است. اکنون با توجه به شکل (۴) می‌توان نوشت:



شکل (۴)

ج) اندازه زاویه به دست آمده بیش از  $180^\circ$  درجه است

عقربه‌ها دور و به دست می‌کنند که مجموع اندازه‌هایشان  $360^\circ$  درجه است. اگر یکی از درجه باشد، دیگری  $360^\circ - 136^\circ$  درجه می‌شود.

بعضی وقت‌ها اندازه زاویه ای که از دست‌سور فوق به دست می‌آید، بیش از  $180^\circ$  درجه است. در این صورت، اگر منظور به دست آوردن زاویه کوچک‌تر باشد، اندازه آن را از  $360^\circ$  درجه کم می‌کنند.

مثال ۱: در ساعت ۷ و ۵ دقیقه، اندازه زاویه بین دو عقربه  $182^\circ 5$  درجه است:

$$\text{زاویه بزرگتر} = \frac{6 \times 7 + 1 \times 5}{6} = 182^\circ 5$$

زاویه کوچکتر  $360^\circ - 182^\circ 5 = 177^\circ 5$  درجه  
 مثال ۲: در ساعت ۱۱ و ۵ دقیقه، زاویه بزرگتر  $372^\circ 5$  درجه و زاویه کوچکتر  $5^\circ 5$  درجه به دست می‌آید:

$$\text{درجه} = 6 \times 11 + 1 \times 5 = 67^\circ 5$$

$$\text{درجه} = \frac{6 \times 11 + 1 \times 5}{6} = 372^\circ 5$$

د) اندازه زاویه بین عقربه‌ها  $180^\circ$  درجه است.

در این حالت‌ها، عقربه‌ها روی یک خط راست قرار می‌گیرند و زاویه بین صفحه تشکیل می‌دهند. در هر ساعت یکبار این وضعیت پیش می‌آید.

مثال ۱: در ساعت  $6 - 11 \text{ m}$  است و  $h$  یکی از اعداد  $1, 2, 3, \dots, 12$  می‌باشد.

اگر  $h < 6$  باشد، از دست‌سور  $h - 360^\circ$  یا  $h - 360^\circ$  و اگر  $h > 6$  باشد، از رابطه  $h - 360^\circ$  یا  $h - 360^\circ$  مقدار  $m$  به دست می‌آید.

مثال ۱: چند دقیقه بعد از ساعت ۹، عقربه‌ها روی یک خط قرار می‌گیرند؟

$$\text{دقیقه} = \frac{6 \times 9 - 54}{11} = \frac{54 - 54}{11} = 0$$

در ساعت ۹ و  $\frac{54}{11}$  دقیقه اندازه زاویه بین عقربه‌ها  $180^\circ$  درجه است.

مثال ۲: چند دقیقه بعد از ساعت ۹ زاویه بین دو عقربه  $90^\circ$  درجه است؟

$$\text{دقیقه} = \frac{6 \times 9 - 54}{11} = \frac{54 - 54}{11} = 0$$

در ساعت ۷ و  $\frac{54}{11}$  دقیقه اندازه زاویه بین دو عقربه  $180^\circ$  درجه است.

هـ) اندازه زاویه به دست آمده  $90^\circ$  درجه است.

در این وضعیت عقربه‌ها بر هم عمودند. زاویه کوچکتر همیشه است. معمولاً در هر ساعت دو بار این وضعیت پیش می‌آید. دست‌سور چنین است:

$$6 \times 11 + 1 \times 10 = 76^\circ$$

$$6 \times 12 + 1 \times 5 = 73^\circ$$

استفاده می‌شود.

$$\text{در ۱۲ و ۱۱ دقیقه} \quad \frac{6 \times 12 + 1 \times 11}{6} = 121^\circ 5$$

$$\text{در ۱۲ و ۱۱ دقیقه} \quad \frac{6 \times 12 + 1 \times 11}{6} = 121^\circ 5$$

در هر ساعت دو بار این وضعیت پیش می‌آید.

در  $\frac{54}{11}$  دقیقه عقربه‌ها بر هم عمودند.



شکل (۷)

برعکس

در هر ساعت دو بار این وضعیت پیش می‌آید.





ویژه‌نامه‌ای که به شما، نویزه شما دبیران از جمله ادبیات فارسی - تقدیم می‌شود. دومین ویژه‌نامه در موضوع زبان و ادب فارسی است. اولین ویژه‌نامه را، چنان که به یاد دارید، در شماره ۱۶ (بهار ۷۷) انتشار دادیم. می‌دانیم و می‌دانید که این

ویژه‌نامه‌های لاغر و دیر به دیر، نمی‌تواند نیاز شما را به آنچه می‌خواهید و بایسته است تأمین کند و، به قول حافظ، حق دارد بگوید:

کفاف کی دهد این یاده‌ها به مستی ما!

با این حال اگر همین اندک هم نباشد چه؟ از این روست که باید همین اندک را قدر دانست به امید روزی که دستی از آستین همت به در آید و کاری در خور و سزاوار هزاران معلم و میلیون‌ها دانش‌آموز راهنمایی - نه تنها در درس فارسی بلکه در همه درس‌ها - انجام دهد.

بازی، در این ویژه‌نامه، به روال همیشگی، گفت و گویی را می‌خوانید که با دبیران محترم فارسی، در استان زنجان، انجام شده، گلگشتی در باغ‌های سعیدی شیراز می‌زنید که اول اردی بهشت هر سال را به نام او نام گذاری کرده‌اند و یکی دو مقاله و مطلب دیگر نیز خواهید خواند. امیدواریم با ما بیشتر مکاتبه کنید و از ارسال مقالات، نقدها، نظرها و پیشنهادهای خود ما را بی نصیب نگذارید.





رجانان ریز



زهرا آستان محمدیان



امیر آستان محمدیان



# آموزش

## زبان فارسی در یک گفت و گو

درآمد - بسم الله الرحمن الرحيم: از همکاران گرامی و دبیران محترم ادبیات فارسی شهرستان زنجان سپاسگزاریم که دعوت محله را برای شرکت در این گفت و گو بپذیرفتند. این که ما شهر یا بهتر بگوییم استان زنجان را برای گفت و گو درباره ادبیات فارسی دوره راهنمایی انتخاب کردیم دلایل مختلفی داشت. از جمله این که این استان یکی از مناطق ترک زبان یا آذری زبان است، که در اصطلاح آموزش زبان فارسی، در آموزش و پرورش، از مناطق دو زبانه محسوب می شود، لذا مناسب دیدیم اگر دبیران این استان علاوه بر مباحث عمومی زبان فارسی، در این زمینه هم نظری و صحبتی دارند بشویم. به هر حال، نخستین

سوال ما این است که کتابهای فارسی دوره راهنمایی تا چه میزان ادامه آموزش زبان فارسی در دوره ابتدایی است؟ از جناب آقای آزادفر خواهش می کنیم صحبت را شروع فرمایند.

● آقای آزادفر: بسم الله الرحمن الرحيم. به نظر من یکی از نکات مهمی که در آموزش زبان فارسی باید مطرح شود، نخستین چیزی که باید به یادمان بیاید، این است که آموزش زبان فارسی در این استان از ابتدای ابتدای آموزش تا عینی از دستمان دور است. است که متأسفانه معیار آن توجه زیادی نمی شود و اگر هم بشود چندان محل اکتفا، در سطحی وسیع، فراگیری می گیرد. اما در سطح سوال شما می آید بگویم که من کتاب فارسی دوره ابتدایی

را بررسی کرده ام و محصولات آن همسایه ها نگاه کرده ام. می گویند که این کتابها و همسایه ها بگویند که در مجموع این کتابها و پیوستگی بین دوره ابتدایی و راهنمایی وجود دارد. ما این چند نفر این زمینیستیم. نخستین گفت و گوی بیشتی و خواهد بود که فراداده خواهیم گفت.

درآمد - بسم الله الرحمن الرحيم: از همکاران گرامی و دبیران محترم ادبیات فارسی شهرستان زنجان سپاسگزاریم که دعوت محله را برای گفت و گو بپذیرفتند. این که ما شهر یا بهتر بگوییم استان زنجان را برای گفت و گو درباره ادبیات فارسی دوره راهنمایی انتخاب کردیم دلایل مختلفی داشت. از جمله این که این استان یکی از مناطق ترک زبان یا آذری زبان است، که در اصطلاح آموزش زبان فارسی، در آموزش و پرورش، از مناطق دو زبانه محسوب می شود، لذا مناسب دیدیم اگر دبیران این استان علاوه بر مباحث عمومی زبان فارسی، در این زمینه هم نظری و صحبتی دارند بشویم. به هر حال، نخستین

سوال ما این است که کتابهای فارسی دوره راهنمایی تا چه میزان ادامه آموزش زبان فارسی در دوره ابتدایی است؟ از جناب آقای آزادفر خواهش می کنیم صحبت را شروع فرمایند.

آموزش فارسی

سیر از ساده به مشکل در این سه سال است. یعنی کتاب اول راهنمایی از دوم مشکل تر است و دوم از سوم، که این را باید برایش فکری بکنند. مسئله دیگر زیاد بودن حجم مطالب است. ببینید، هر کتاب از این کتابها ۲۱ درس دارد و هر درس هم یک درس فرعی دنبالش هست، یعنی جمعاً ۴۲ درس. حالا اگر درس های دستور زبان و نگارش را هم اضافه کنید معلوم می شود که حجم چقدر است. در نتیجه ما نمی توانیم دانش آموزان را به اصطلاح، درگیر آموزش کنیم و هر جلسه که می رویم سر کلاس بیشتر باید درس بدهیم تا این که از بچه ها سؤال کنیم. در عین حال، محتوا هم دارای ضعف هایی هست. مثلاً به نظر من در درس «اسوه زهد و تشبوه»، حاج آخوند به عنوان یک انگو برای سلسل نوجوان یا جوان مطرح شده است. در حالی که به نظر می رسد در وجود این شخصیت بیشتر «نقوی پر هیبت» برجسته شده تا جنبه های دیگر. مثلاً در این درس می گویند که حاج آخوند غیبت نمی کرد، نهیست نمی زد، از همه زودتر سلام می کرد، یا کار می کرد و... همه اینها جنبه های مثبت است و خوب هم هست. ولی از ابعاد سیاسی اسلام و امر به معروف و نهی از منکر و اینها چیزی گفته نشده است. یا مثلاً درباره مبارزه با ظلم و تبعیض و بی عدالتی... نتیجه این که این درس الگویی از اسلام را به دانش آموز نشان می دهد که فقط بعد عبادی دین را در نظر بگیرد و به بعد سیاسی و اجتماعی دین توجهی نکند. نکته دیگر راجع به حذف کردن بعضی از ابیات شعرهاست. مثلاً در شعر سزا پرده گل (حافظ) در کتاب سال سوم چهار بیت حذف شده است. آیا این به خاطر این است که مثلاً کلمه «مستی» بار معنایی منفی به شعر می دهد که آن را حذف کرده اند؟ چون به نظر من بالاخره دانش آموز بعد از دو سال های بالاتر و در دبیرستان خودش

می رود و این شعرها را می خواند و این کلمات را هم می بیند.

(رشد: شما نکته های خوب و قابل توجهی را مطرح کردید و این سبب خواهد شد که مؤلفان و برنامه ریزان ما با دید دقیق تری به مسئله تألیف کتابها نگاه کنند. با این حال، این موضوع جای بحث دارد. در این که ملاعباس تربیتی، یا حاج آخوند، که گوشه ای از سیره و سلوک اخلاقی او در کتاب فارسی سوم آمده، از مردان بزرگ جنوب خراسان در چند دهه پیش بوده و حتی امام خمینی از زهد او تعریف کرده اند شکی نیست. شما اگر مجموعه زندگانی او را در کتاب «فضیلت های فراموش شده» بخوانید به این نکته پی خواهید برد. با این حال حرف شما را می پذیریم. اگر ما در مجموعه فارسی سه سال راهنمایی، فقط حاج آخوند را به عنوان یک چهره اسلامی مطرح می کردیم، در حالی که می دانید، ما در سال اول مدرسه را هم داریم که واقعاً یک چهره کاملاً سیاسی و روحانی است؛ و چهره های دیگری نیز چون پیامبر اسلام (ص) و بعد از ایشان حضرت علی (ع) و از معاصران مرحوم رجایی و تندگویان و خود امام را هم داریم. پس یک معلم اگر در نشان دادن الگو یا اسوه به دانش آموزان همه اینها را در نظر داشته باشد به آن الگوی جامع از اسلام خواهد رسید. در مورد حذف شعر هم نه: قطعاً این طور نیست که به خاطر یک کلمه، مثلاً مستی، بیتی را حذف کنند. همه می دانند که بخش اعظم ادبیات فارسی ما بر از واژه هایی چون شراب و می و مستی و مبهکه و شاهد و ساقی و اینهاست. حذف بعضی از شعرها و ابیات بیشتر به خاطر ساده کردن شعر برای آموزش است، و گرنه همان طور که فرمودید، دانش آموز خودش می رود دیوان حافظ را برمی دارد و می خواند و با در سال های بالاتر با خیلی از این ها بیشتر آشنا می شود. شما

### حمید کریمی:

● یکی از مشکلات بارز کتاب های راهنمایی توجه نکردن مؤلفان به سیر از ساده به مشکل در این سه سال است. یعنی کتاب اول راهنمایی از دوم مشکل تر است و دوم از سوم، که این را باید برایش فکری بکنند.

### فریده قاضی زاده:

● ادبیات درسی است که همانطور که قبلاً هم من گفتم حتماً نیاز به ایجاد انگیزه دارد. نیاز به ایجاد شور دارد؛ و البته این يك کار ابتکاری است و به صورت بخشنامه وزارتی نمی شود آن را به معلم ها ابلاغ کنیم: بستگی به این دارد که معلم خودش چقدر هنرمند باشد تا بتواند در کلاس ها این وضع را ایجاد بکند.

می‌داند که مباحثی از متون نثر هم کم می‌کنیم و یا به آن جری اضافه می‌کنیم و در کتاب درسی می‌آوریم و امتحان را می‌گذاریم. اما تصرف و تلخیص، پس از این بایست نباید نگران بود.

(رشد: خانم صدر محمدی لطفاً شما نظرات را راجع به این موضوع بفرمایید)

● خانم صدر محمدی: اسم البته الرحمن را چه به نظر من در تالیف کتابهای فارسی راهنمایی از سال ۱۳۷۲ به بعد یک انقلاب ایجاد شد و آن همه به خاطر بخش بندی، فصل بندی دروس هاست اساس موضوع است که دست می‌شود دانش آموزان مطالب محتلفی مثل شناخت جعفر فیضی محیط خودش، یا مسائل زندگی و یا با هم آشنا بشود، یک ویژگی خوب دیگر هم در این کتاب هست و آن مقایسه شعرها و متون قدیم و جدید است. مثلاً دانش آموز، هم شعری از حافظ می‌خواند و هم شعری از سهراب سپهری. یا مثلاً هم داستان ابراهیم همدانی را از کلیده و دمه می‌خواند و هم متن ساده‌ای مثل جشنان مدرن بزرگی از آن که این سبب می‌شود نگر بچه‌ها را نگه‌داشته شود و این چیزی است که پیش از آن در کتابهای فارسی وجود نداشته است. یکی دیگر از ویژگی‌های کتابها، این است که سعی شده دانش آموز را در آموزش هم اهل نظر سازد. یا آورد. مثلاً این که در بیان یک درس، در بخش عربی‌ها، از دانش آموز می‌خواهند خودش یک نام یا عنوان برای درس معرفی کند. مثلاً همان درس اسوه زهد و تقوا که صحبتش شد و غیره... البته این موارد زیاد نیست ولی خیلی خوب است و لذا پیشنهاد من این است که همه درس‌ها باید این‌طور باشد یعنی دانش آموز را وادار به نظر دادن بکند. چون بچه‌ها گاهی خودشان خیلی بهتر و زیاده از ماها فکر می‌کنند و نظریه می‌دهند و چیزهایی می‌گویند که شاید ما

یعنی مؤلف و معانی، هیچ‌گاه متوجه نشوند. گذشته از این، از نظر محتوا هم نباید بگویم، لازم است به مسائل دیگری علاوه بر آنچه قبلاً در کتاب آمده، پاف داده شود. مثلاً حفظ محضر ریاست، ششوه درست زندگی کردن و فرحت کزای و...

(رشد: بله، همان‌طور که فرمودید این برای اولین بار بود که در تالیف کتابهای فارسی، به فصل بندی بر حسب موضوع توجه شد و اکنون ما در هر کتاب فارسی راهنمایی سه فصل داریم که به ترتیب عبارت‌اند از: اسلام و انقلاب اسلامی، آشنایی با طبیعت، حلقه‌های زندگی، مردم‌شناسی، اخلاق، هنر و علم البته می‌توان موضوعات دیگری هم پیشنهاد کرد ولی هنگامی که برنامه ریزی می‌شود، از میان موضوعات مختلف و متعدد، این هفت موضوع را مهم تر تشخیص دادند و کتاب‌ها را تالیف کردند. خوشبختانه این شیوه بعداً در کتاب‌های فارسی دبیرستان هم، البته با عناوین متفاوت دیگر، به کار گرفته شد و در کل ششوه خوبی است. اما بی‌تردید یک تجدید نظرهایی را، کتاب‌های راهنمایی، لازم دارد که امیدواریم در آینده عملی شود. خوب آقای رحایی، شما هم در باب یکی از مهمترین مسائل آموزش زبان فارسی در استان، که به نظر تان مهم می‌رسد صحبت بفرمایید.

● آقای رحایی: اسم آنرا رحمن الرحیم. مطالب مختلف است ولی من فکر می‌کنم خوب است. راجع به آشنایی و آشنایی هم راجع به طبیعت، هر کی بچه‌ها در مدارس صحبت کم.

در مورد امتحان‌ها از شناسایی، همان‌طور که می‌دانید، امتحان فارسی شفاهی باشد و این یک دستور وزارت است. اما این شیوه در بعضی مشکلاتی دارد که لازم است تجزیه و تحلیل شود. در عمل این اتفاق نمی‌افتد.

## عصمت صدر محمدی:

● به نظر من در تالیف کتابهای فارسی راهنمایی از سال ۱۳۷۲ به بعد یک انقلاب ایجاد شد و آن هم به خاطر بخش بندی یا فصل بندی دروس‌ها بر اساس موضوع است که سبب می‌شود دانش آموز با مطالب مختلفی مثل شناخت جغرافیای محیط خودش، یا با مسائل زندگی و یا با هنر و... آشنا بشود.



## علی اصلان رجایی:

● باید امتحان فارسی شفاهی باشد و این یک دستور وزارتی است. اما این شیوه در عمل مشکلاتی دارد که لازم است تجزیه و تحلیل شود. در عمل این اتفاق نمی افتد که کل امتحان یا ارزشیابی به صورت شفاهی انجام گیرد. اگرچه ممکن است اقلیتی بتوانند این کار را بکنند.

که کل امتحان یا ارزشیابی به صورت شفاهی انجام گیرد. اگرچه ممکن است اقلیتی بتوانند این کار را بکنند. مثلاً من خودم علاوه بر امتحان شفاهی، امتحان کتبی هم می گیرم. بهر حال یکی از مشکلات اصلی امتحان شفاهی، تعداد زیاد بچه ها در کلاس هاست که از حد استاندارد بالاتر است. مثلاً ما به طور متوسط کلاس هایمان ۴۰ نفره است و می دانید که نمی شود از چهل نفر در یک ساعت و دو ساعت، و حتی زمانی بیشتر، امتحان شفاهی گرفت. حالا فرض کنید معلم هم نتواند، ولی فضای آموزشی اجازه نمی دهد. یعنی نمی شود همه دانش آموزان را در حیاط مدرسه نگه داریم و بعد مثلاً دو نفر دو نفر آنها را بخواهیم بیایند و شفاهی امتحان بدهند.

رشد: بله این واقعاً یک مشکلی است که تقریباً همه معلمان آن را مطرح می کنند. با این حال، همان طور که می دانید خواندن و سخن گفتن دو رکن از ارکان آموزش زبان است که در امتحان شفاهی مورد ارزشیابی قرار می گیرد و نمی توان از این دو رکن چشم پوشید و باید فکری برای آن کرد.

● آقای رجایی: بله، ما هم معتقدیم ارزشیابی واقعی از فارسی، همان ارزشیابی شفاهی است و چون بحث دو زبانه بودن هم مطرح است، باید ما در این استان ها تأکید بیشتری روی شفاهی بودن امتحانات داشته باشیم نسبت به مناطقی که کلاً فارسی زبان اند. ما اینجا به دانش آموزان می گوئیم که آقا! شما فردا که دیلم می گیرید اگر زبان فارسی را خوب ندانید مشکل خواهید داشت، چون نمی توانید مقصود و هدف خود را به زبان فارسی ساده و روان بیان کنید و به دیگران بفهمانید و لذا باید در کلاس فارسی صحبت کنید. که در همین زمینه باید گفت متأسفانه، پاره ای از معلمان ما خودشان هم در کلاس ترکی تدریس

می کنند. خود من که در حاشیه این شهر تدریس می کنم از این جهت مشکل دارم و هنوز پس از شش ماه کاملاً موفق نشده ام به دانش آموزان بقبولانم که با معلم و با خودشان فارسی صحبت کنند. از این جهت به نظر من باید روی امتحان شفاهی تأکید شود چون موجب رشد زبان گفتاری بچه ها خواهد شد. با این حال باز هم امتحان شفاهی خیلی دقیق نخواهد بود.

رشد: که البته این عیب امتحان نیست، عیب نظام ارزشیابی ماست که همه چیز را در نمره خلاصه می کند.

● بله، به نظر من باید روراست باشیم با خودمان. یعنی وزارت آموزش و پرورش باید صادقانه بررسی کند و ببیند که بر خلاف آنچه بخشنامه و دستورالعمل های می خواهند، در عمل کسی امتحان شفاهی نمی گیرد بلکه همه معلمان یا اکثر آنها شفاهی می گیرند و با این حال کسی هم نیست بگوید چرا! پس حالا که این طور است بیایند و دستورالعمل را تغییر بدهند اقلماً رسماً اجازه دهند بخشی از امتحان شفاهی باشد.

و بالاخره این نکته را هم اضافه کنم که در کتابهای فارسی لازم است دانش آموزان با شاعران و نویسندگان خارجی بیشتر از این آشنا شوند. چون از این جهت کمبود احساس می شود.

رشد: با توجه به آنچه فرمودید و مشکلاتی که در مناطق دو زبانه کشور در آموزش فارسی وجود دارد به نظر می رسد، وزارت آموزش و پرورش باید حساب ویژه ای برای این مناطق، از نظر ارزشیابی و کلاً چگونگی آموزش زبان فارسی، باز کند. خوشبختانه امروزه وحدت ملی با ابزارهایی چون صدا و سیما، مطبوعات، کتابهای درسی، نظام اداری و... خود به خود به گسترش زبان فارسی کمک می کند. اما در حوزه خاص

## رحمن آزادفر:

● جای این سوال هست که ما چه کار بکنیم که يك مقدار شور و نشاط بیشتری در کلاس های ادبیاتمان داشته باشیم؟ مخصوصاً که به اعتقاد من نباید دانش آموزان را از یاد ببریم به پیچ و خم های دستوری و این ها یا به سوی مسائل عرفانی و... چون اینها اصلاً در خور درك دانش آموز نیست. دانش آموز همین قدر که يك اطلاع اجمالی از قواعد دستور زبان فارسی پیدا می کند برایش کافی است.

آموزش، کارهای نکرده بسیار است. الان بچه های ما حداقل شش سال زبان انگلیسی می خوانند ولی در پایان نه درست می خوانند، نه درست می نویسند، نه می توانند صحبت کنند. چون درست آموزش نمی بینند. گویا آموزش زبان فارسی هم در مناطق دو زبانه - البته به نسبت خیلی کمتری - با همین مشکل روبه رو است و جا دارد کسانی که به این مسائل اشراف دارند اقلأ طرح ها و نظریه های در این باب بدهند تا انشاء... زمینه اجرا هم برای آن پیدا شود.

● آقای تقی لو در ادامه صحبت دوستان و همکاران، من هم راجع به چند مطلب اشاره ای می کنم. اولاً بخش ابتدایی کتات های فارسی به چند موضوع مختلف، هفت موضوع، کار خوبی است، و اگر در ابتدای هم این کار بشود خوب است. ثانیاً، خوب است مؤلفان کتابها در دوره های مختلف، از نظرات یکدیگر اطلاع داشته باشند تا اختلافی در مجموعه تألیفات پیش نیاید. این اختلاف مخصوصاً در دستور زبان های سه دوره کاملاً آشکار است. مثلاً در دوره ابتدایی دستور تقریباً سه شوه گذشته است، در راهنمایی به شوه جدیدتر یا معاصر است و در دبیرستان کلاً چیز دیگری است. در واقع زبان شناسی است که موجب بحث و گفت و گو است.

۳) رشد نظر شما راجع به دستور واقعی است که در دفتر برنامه ریزی و تألیف هم مورد بحث است. مخصوصاً دستور زبان راهنمایی مشکلاتی دارد که امیدواریم به زودی رفع شود. مادر همین شماره مقاله ای داریم با عنوان ضرورت تجدیدنظر در دستور زبان فارسی دوره راهنمایی که دوستان خواهند خوانند. به هر حال این را می گذاریم به عهده برنامه ریزان و مؤلفان که درباره آن فکری نکنند. حالا برگردیم به بحث متون و سؤال کنیم که آیا شما دوستان عزیز، به عنوان

دبیران يك استان از مجموعه متون یا محتوای علمی و ادبی کتابها رضایت دارید و به طور کلی نظرتان درباره آنها چیست؟ آقای آزادفر بفرمایید:

● آقای آزادفر: متون در مجموع خوب است ولی جای بحث هم دارد. مثلاً بعضی از درس ها را از منابع انتخاب کرده اند که به نظر من منابع و متون بهتر از آنها هم داریم؟ همچنین است انتخاب شعر از شاعران. مثلاً درسی داریم از تاریخ حکمائی قفطی یا درسی دیگری از الالبیه عن حقیق الادویه که هم برای دانش آموزان ثقیل است و هم برای بعضی از ما معلمان... در حالی که از خواننده عبدالله انصاری اگر بشود استفاده می شد بهتر بود. تا مثلاً شعری داریم در کتاب اول از اوحدی مراغی با عنوان «پر واز بان علم» که شیرینی يك شعر خوب فارسی را اندازد و خواننده را جذب می کند. حتی شعری است از پروین اعتصامی به اسم «صفت آزادگان» که زیبه است. در حالی که شعر «سهراب سپهری» یعنی آب را گل نکنید خیلی خوب است، یا از همین پروین شعر «کونار بچه» خیلی خوب است.

کبوتر بچه ای تا شوق پرواز

به جرئت کرد روزی بال و پرواز

پرید از شاخکی بر شاخساری

گذشت از نامکی بر جویاری

خودش بس که دور آن راه نزدیک

شدش گیتی... آبی آسم

مثلاً شعر سپهری هم خیلی زیبه است

ام دوستان به فصل بندی کتابها اشاره کردند

و نظر من هم همین است، ولی فکر می کنم

اگر جای فصل اول را با فصل دوم در این

کتابها عوض کنند خیلی بهتر است. البته

تحمیدیه در ابتدای هر کتاب لازم است باشد

ولی اگر مباحث دیگر فصل اول برود به جای

فصل دوم قرار بگیرد و بر یکس بهتر است

چون بچه وقتی سال را آغاز می کند، اگر

## ناصرالدین ققی لو:

● خوب است مؤلفان کتابها در دوره‌های مختلف، از نظرات یکدیگر اطلاع داشته باشند تا اختلافی در مجموعه تألیفات پیش نیاید. این اختلاف مخصوصاً در دستور زبان‌های سه دوره کاملاً آشکار است. مثلاً در دوره ابتدایی دستور تقریباً به شیوه گذشته است. در راهنمایی به شیوه جدیدتر یا معاصر است و در دبیرستان کلاً چیز دیگری است در واقع زبان‌شناسی است که موجب بحث و گفت و گو است.

تا هم خودش انگیزه داشته باشد و هم به بچه‌ها انگیزه بدهد.

● خانم صدرمحمدی: درباره متون کتابهای فارسی، باید گفت، البته متون خوبی گنجانده شده ولی بعضی از آنها هم جذابیت لازم را ندارد. مثلاً شعری که از پیل الوار در کتاب آمده چون ترجمه است وزن ندارد و خواندن آن جاذبه‌ای برای بچه‌ها ایجاد نمی‌کند. دیگر این که عده‌ای از دانش‌آموزان هستند که واقعاً به ادبیات علاقمندند و باید به فکر آنها هم باشیم و فکر نکنیم همه بچه‌ها ضعیف هستند. من می‌بینم که مثلاً دانش‌آموزان خودم اکثراً علاقمندند و تفرکات خوبی هم دارند. ولی متأسفانه این کتاب جواب‌گویی آنها نیست. در مورد نوشتن هم، بچه‌ها مرتب دلشان می‌خواهد مقاله بنویسند، مخصوصاً که از اداره هم بحثنامه می‌آید که بچه‌ها درباره مسائلی چون نماز، محیط زیست، شخصیت حضرت علی (ع) و ... مقاله بنویسند. ولی ما در بخش نگارش طریقه نوشتن انشای تحقیقی نداریم. پیشنهاد ما این است که در کتابها، بعضی صفحات را به مطالعه آزاد اختصاص بدهند تا بچه‌های علاقمند، خارج از برنامه درسی، آنها را هم به‌طور آزاد مطالعه کنند.

○ رشد: البته حتماً دقت کرده‌اید که به موضوع نگارش در کتابها نسبتاً خوب پرداخت شده است: ۲۱ درس نگارش برای سه سال. اما به نظر ما روی آن‌ها چنان که باید کار نمی‌شود. اما همان‌طور که می‌دانید در پایان کتاب سوم بخشی هست به نام «هرچه می‌خواهد دل تنگت بگو»، آیا این مطلب مشوق خوبی برای بچه‌ها نیست که چیز بنویسند؟

● خانم صدرمحمدی: بله این هست و من هم می‌خواستم اشاره کنم و بسیار خوب هم هست اما متأسفانه در آخر کتاب است. یعنی

پاره‌ای از مباحث با متون طبیعی و عام‌زویه‌رو شود بیشتر سر ذوق می‌آید تا با مسائل خاص اجتماعی چون انقلاب و جنگ و ... که به هر حال، برای بچه‌های امروز بخصوص کودکانی که از پنجم به اول راهنمایی می‌آیند، آنقدر ملموس نیست که برای ما بزرگترها ملموس است. شما مثلاً در نظر بگیرید در سال اول و در فصل اول بچه باید درس مدرسه را - که خودش برای این سن درس مشکلی است - بخواند و بعد از آن هم شعر صفت آزادگان را، در نتیجه درس فارسی از همین اول خیلی برای او خشک می‌شود. حالا اگر مدرس را انقلاب صورت داستان می‌گفتیم البته بهتر بود.

● آقای کریمی: کتاب‌ها خیلی از نظر محتوا متنوع است. دینی هست، ادبیات هست، تاریخ هست، جغرافیا هست، طبیعت هست و ... و این در عین حال کار معلم را مشکل می‌کند. یعنی اگر معلم بعضی از این مطالب را با هم مقایسه نکند و بین آنها انسجام به وجود بیاورد دانش‌آموز راه به جایی نمی‌برد. پس معلم را باید آموزش داد و کمک کرد تا بتواند به این وظیفه‌اش عمل کند. متأسفانه ما چند مشکل در زمینه آموزش زبان فارسی داریم که خیلی مختصر به آن اشاره می‌کنم. یکی این که متأسفانه علوم انسانی در جامعه ما ضعیف شده. شما می‌دانید برای این که انقلاب ما به ثمر برسد علوم انسانی و ادبیات در آن خیلی تأثیر داشت. آن همه کتابها و مقالات و گفت و گوها همه در زمینه علوم انسانی بود که افکار را روشن کرد. اما در حال حاضر به این مسئله کمتر توجه می‌شود. دیگر این که انگیزه درس خواندن در بچه‌ها خیلی ضعیف شده است و این به علت این است که به خود معلم پرداخته نشده است؛ نه فقط از نظر مادی بلکه از نظر علمی. آیا معلم باید معلوم‌مانش در حد همان کتاب باشد، مسلماً نه، ولی باید او را آموزش داد

دینی همه این جزی کتاب می رسیم. سال  
شده شده و بچه ه اثر هم چیزی می رسند  
یا خود بخود بداند.

نکته دیگری هم می خوانم گویم و این  
این است که یک کتاب، مخصوص کتاب  
فارسی نیست، یک جمله اولیه داشته باشد تا به  
بچه شود و علاقه بدهد به طوری که به  
خودش راحت بنشیند و کتاب را ورق بزند و  
بحال این کتاب ها از این جهت قوی  
نیستند. مثلاً داستان که دارد، در حالی که  
من سالهاست می بینم آن چیزی که بچه را  
سر ذوق می آورد خودتون در دست است.

● آقای رحایی: به نظر من متن ها خوب  
است، اگر چه در مورد درس هندی مثل  
اشوق رهایی و چند درس دیگر ایرادهایی  
وجود دارد و کتاب به اصطلاح تمپه مناسبه  
دارد. اما درباره وسایل کمک آموزشی که  
نظر من می توان قیبه های آموزشی خوبی  
برای بعضی درس ها تهیه کرد، مثلاً درباره  
درس اهلان که فهمیدن آن با در زمستانه  
مردم شناسی، همچنین فرایز بود، و در اول  
کتاب هم نوشته بودند، که یک سری  
سازهای آموزشی برای شعرها به  
شعر خوانی داشته باشند، که چیزی از آن باشد  
یا لازم است در هر بعضی از اسامی و  
اصطلاحات توضیحی داده شود. مثلاً قیبه  
فلک الافلاک خرم آباد که عکس آن هست  
ولی توضیحی در آن داده نشده است،  
یا کلمه ای مثل به جفا و

● آقای نقی لو: من کتاب های دوره ابتدایی  
را که نگاه می کرده دیدم در قسمت های س  
عنوان همه این نکته توجه کنید از نظر نگارش  
مفردات خوبی گفته شده است، ولی متأسفانه  
چون در این دوره به این ها تأکید نمی شود  
دانش آموزان آن ها را خوب یاد نمی گیرند و  
به دوره راهنمایی که می رسند فراموش  
می کند. نکته دیگر در مورد متون کتلهایی  
فارسی این است که چون زبان آن ها ساده

است، اگر چه مشکل بودن آن را بر طرف  
می کند ولی طالب آگاهی و خلاقیت یک نفر  
خوب، هم ندارد. این است که به قول حاج  
صدر محسنی، بعضی از بچه ها که از ذوق و  
استعداد بیشتری برخوردارند آن ها را انگار  
مرو می کنند، که می گذارند از دست  
که پیشهاد می شود از متون گذشته استفاده  
بیشتری شود.

دوره شعرها هم باید گفت. چون  
بچه ها در شور و نشاط بچگی هسته باید  
شعرهایی آورد که وزن های شان در دست  
شعرهای خشک و بی جا نباشد که دوستان به  
بعضی از آن ها اشاره کردند.

● آقای آرزوفر: تشکر از همکاران که خیلی  
صحبت های خوبی کردند. من یک  
موضوعی را در دفع می خوانم به عنوان  
کتابه عرض بکنم، آن این است، کلمات  
راهنمای معلم و قیبه کم داریم. کلمات  
راهنمای معلم برای کلاس اول هست. برای  
دوره ابتدایی، البته خیلی کم، هست و  
برای دوره اصلاً نیست. در حالی که در خود  
کتاب هم گفته اند که در این قسمت کتاب  
راهنما وجود دارد و به گفته ابوابرایی برای  
شعرها هست، اما متأسفانه ما که نداریم. در  
حالی که این وسیله به هم کمک می کند  
کلاس را از خشکی و یکدستی فر آورد.  
لذا حتی این عنوان هست که ما چه کار کنیم  
که یک مقدار شعر و نشاط بیشتری در  
کلاس های دبستان داشته باشیم. مخصوصاً  
که به اعتقاد من باید دانش آموزان را از یاد  
ببریم به بیخ و خودی دستور و این ها به  
سوی مسائل عرفی و... چون آنها اصلاً در  
خود درک دانش آموز نیست. دانش آموز  
همین قدر که یک اصطلاح اجمالی را قبول کند  
دستور زبان فارسی پیدا می کند برایش کافی  
است. اگر بخواهد در تحلیل به اصطلاح  
تخصصی تر بپیاید دیر متان هست و بعد  
دانشگاه. ما فعلاً در دوره آموزش عمومی

هستیم. لذا اینجا فقط به شعر به شناسی و  
احتمالی اثر یک مطلق را تأکید در اجتماع  
میور، واقع به کلمات دستور و این ها، من  
فکر می کنم، این ها کافی نیست. در مورد  
وسایل کمک آموزشی هم به توجه به تنوع  
مفاهمی که در کتاب هست، من فکر می کنم  
می توانیم وسایل کمک آموزشی مختلفه  
داشته باشیم. مثلاً درس اسرار درون  
زمین، چه اشکالی دارد که یک تصویر از  
یک قیسم، یا لاجرم یک چیزی را جمع به مثلاً  
ایش فشان، را جمع به روش، را جمع به  
فعلات های درونی زمین ابتدایه باشد مثلاً  
بسیار داده دقیقه نمایش بدهیم یا در دانش آموز  
ایجاد انگیزه کند و بعد با خود در آن دانش  
بکنیم یا مثلاً جاهایی که را جمع به موزه شناسی  
هست، ما قیبه های مختلفی داریم که  
تلاش می کنیم در دست، می کنیم که واقع  
در همین اسنات پس می توانیم دست  
تأیید و سازمان پژوهش می توانست به  
تهیه کرد و در اختیار دبستان ها  
حایش بدهد برای دانش آموزان و ایجاد  
بگیرد کند. در حال حاضر، و فعلاً وسایل  
آموزشی کم داریم، حتی ابزار آموزشی هم  
کم داریم و لذا در بسیاری از موارد، حتی  
در جسامت نمی خواهیم بکنیم به بعضی از  
همکاران خود ما هم اصطلاحاً گفته ایم  
که این نگارش چی می خواهد، چی  
می کند این درس دستور چی می خواهد  
ما همکارانی داریم که می گویند، این دستور  
را گذاشته ایم کنار از خودمان دستور  
می گویم و بچه ها هم نوشته اند و این پس  
به نظر من درست نیست چون برده میور  
خودشان به این بچه رسیده اند که دستور  
در همین حد اگر دانش آموز بلدان کافی است  
پس چه لزومی دارد که بنویسد دستور فنی  
را که خود ما نمی توانیم پیش حد است  
کتاب به دانش آموزان و بعد از آن است  
در حالی که یکی از دلایلی که دستور

کتاب‌ها عوض شود و تغییرات کلی پیدا کند همین زیاده بودن دستور زبان بود که دیگر جواب نمی‌داد به نیاز بچه‌ها و ... با این حال هنوز جای این ستوال باقی است و واقعاً یک بحث کارشناسی می‌خواهد که چه کار بکنیم با این کلاس‌های ادیبانمان فعال‌تر و شاداب‌تر و با نشاط‌تر بشود؟

● خانم قاضی زاده: بسم الله الرحمن الرحيم. با تشکر از همکاران عزیز! من هم در تأیید صحبت همکارها عرض می‌کنم که در کلاسهایمان در رابطه با مسائل کمک آموزشی واقعاً مشکل داریم. ادبیات درسی است که همانطور که قبلاً هم من گفتم حتماً نیاز به ایجاد انگیزه دارد، نیاز به ایجاد شور دارد؛ ولی متأسفانه ما نمی‌توانیم این شور و حال را در مدارس خودمان ایجاد بکنیم و البته این یک کار ابتکاری است و به صورت بخشنامه وزارتی نمی‌شود آن را به معلم‌ها ابلاغ کنیم؛ بستگی به این دارد که معلم خودش چقدر هنرمند باشد تا بتواند در کلاس‌ها این وضع را ایجاد نکند، کما اینکه این مسائل را ما بعضی وقتها در کلاس انجام می‌دهیم مثلاً در زنگ‌های تفریح موسیقی اصیل ایرانی یا سرودهای مناسب بخش می‌کنیم، از بلندگو، تا بچه‌ها یک مقدار شور پیدا کنند و با آمادگی بیشتری سر کلاس حاضر شوند. درباره‌ی مسائلی که فرمودید در مورد متون و شعرها واقعاً ما مشکل داریم و نویسندگانی معاصر ما، شعرای معاصر ما واقعاً جایی پیدا نکردند و به هیچ وجه دانش آموز شناخت لازم را از اینها ندارد حتماً لازم است که در کتابها به مواردی اشاره بشود و یک شناخت لازم حداقل تا یک حدودی داده بشود که یک دانش آموز منابعی هم در اختیار او داده بشود و بچه‌ها را یک مقدار راهنمایی بکنیم که بالاخره ادبیات سیر صعودی داشته باشد.

○ رشد: همان‌طور که می‌دانید املاهای بچه‌ها، حتی وقتی به سالهای بالاتر هم می‌رسند ضعیف است، در این باره چه نظری دارید؟

● آقای رجایی: در زمینه‌ی املا هم یک اتفاق نظر متأسفانه حتی بین صاحب نظران وجود ندارد و این هم یک مسئله‌ی مهمی است که نمی‌شود یک شبه حل کرد چون بخشی از آن به ما معلمان برمی‌گردد و بخشی از آن به مطبوعات و نویسندگان کتابها، و این که مثلاً مطبوعات و کتابها رعایت نمی‌کنند ولی توی کتابهای درسی رعایت می‌شود، در نتیجه دوگانگی پیش می‌آید.

○ رشد: درباره‌ی املا باید دو نکته یا دو مطلب را از هم جدا کرد یکی درست نوشتن و دیگری چگونه نوشتن. درست نوشتن یعنی این که یک کلمه از نظر حروفی که باید در آن به کار رود صحیح باشد. مثلاً اقیانوس نه اقیانوس یا اوقیانوس، توجیه، نه توجیح، سفیر (فرستاده) نه صغیر، و صغیر (سوت یا صدا) نه سفیر، فاصله و نه فاصله و صدها مثال دیگر که دوستان بهتر می‌دانند. این یعنی املا. اما این که ما همین حروف صحیح را چگونه دنبال هم قرار بدهیم و مثلاً جدا بنویسیم یا سر هم، اگر چه در حوزه‌ی املا هست ولی اصل مطلب نیست، بلکه مربوط به رسم الخط است. مثلاً ستمگر و ستم گر هر دو از نظر املا صحیح اند ولی دو رسم الخط متفاوت دارند حالا اگر کسی خواست اولی را می‌نویسد و نخواست دومی را. یا مثلاً در عرف خط فارسی قرار است های غیر ملفوظ به کلمه بعدی خود نجسید. مثلاً حیلہ گر، پنبه زن، کاسه ساز و ... که باید همیشه همین‌طور نوشته شود و نه جیلہ گر، پنهنزن و کاسه‌ساز و ... به نظر ما مشکل املاهای مدارس در درجه اول این نیست، بلکه آن اولی است، یعنی غلط نوشتن یک کلمه بویژه کلمات

عربی، از نظر ریشه و اشتقاق ... و ما متأسفانه در سالهای اخیر بیش از آن که به آن توجه کنیم، به دومی، یعنی رسم الخط توجه کرده‌ایم. اگر چه مقصر را باید کسانی دانست که به این شیوه سر و سامان ندادند و در نتیجه هم معلمان و هم دانش‌آموزان را گرفتار این مشکل کردند. بهر حال، به نظر می‌رسد باید بحثی مستقل و مستوفی درباره‌ی املا نیز داشته باشیم.

● آقای تقی‌لو: متأسفانه یک جزوه یا کتابی که در رابطه با آموزش املا به طور صحیح و علمی باشد، به صورت رسمی، معرفی نشده به معلم‌ها؛ ما فقط کتابی را داریم از آقای دکتر حسین داوودی درباره‌ی شیوه‌ی تدریس املا که مفید است ولی معلم‌ها ندارند و اطلاع هم ندارند که چنین کتابی وجود دارد. خوب است از طرف آموزش و پرورش این کتاب را به صورت وسیع چاپ کنند و در اختیار همه مدارس بگذارند تا برای املا قانون واحدی در همه جا یعنی در همه مدارس حاکم شود.

من پیشنهادی هم دارم و آن این است که از دبیران ادبیات برای شرکت در مجامع سالانه‌ی زبان و ادبیات فارسی (که امسال قرار است در یزد برگزار شود) بیشتر دعوت کنند و اگر امکانش نیست لافال در یک جزوه‌ای مثل مجله‌ی رشد زبان و ادب فارسی و در سطحی وسیع، مطالب جدید را به معلمان و دبیران درس ادبیات برسانند که به نظر من خیلی لازم و مفید است.

○ رشد: بار دیگر از همه دوستان و همکاران گرامی، همچنین از آقای امیری کارشناس مسئول آموزش راهنمایی اداره کل زنجان، سپاسگزاری می‌کنیم و امیدواریم به این طریق توانسته باشیم سخن دبیران ادبیات فارسی را به گوش دیگر دبیران در سراسر کشور و نیز برنامه ریزان و مؤلفان رسانده باشیم.

# اثر زبان در آموزش و پرورش

گروه آموزشی  
پروژه احمد اعرابی

زبان هندی بر مبنای تحقیق‌شده، الفبای الفبایی بر این  
برخی و به وضع کاربرد و زبان هند است.  
کتاب‌هایی برسی به زبان هندی ارائه شده است.  
سری از افراد زبان بر مبنای تحقیقات هند  
گرفتن یکی از زبان‌های اروپایی آموزش و  
پرورش را در کشور هندوند کشورش دهند.  
در چنین موضوع است و است و است و  
آموزش و پرورش وضع دیگری در  
مدرسه‌ها و آموزش زبان‌های آسیایی است.

به‌استند با توجه به این مشکل را حل  
کند. اما از زمانی که هند استقلال یافته  
زبان هندی به عنوان زبان اصلی اهمیت  
بیشتری پیدا کرده است و در این حال  
مدیران مدارس، احساس بی‌گونی و بی‌عملی  
برخی از زبان‌ها نمود و اعتبار زیاد دارد.  
اما پیش از آن که هند به زبان و ادبیات را  
در کشور روح دهند، اگر چنین وضعی  
نیواند پیش بیاید، باید در آن موانع را چندان

در کشورهایی که مردم به زبان واحدی  
گفت و گو می‌کنند، تفاوت میان نحوه‌های  
گوناگون چندان زیاد نیست. مدرسان دادند  
به‌تمام آموزشگاه‌های چنین کشورهایی  
آموزش به صورتی می‌گیرد. اما یکی مانند  
انگستان، فرانسه و ایالات متحده آمریکا  
در این مورد مثال‌های خوبی هستند. اگر  
در کشوری وحدت ملی با احساس ملیت  
در بین مردم برقرار باشد، در صورتی که  
مردم به دو یا سه زبان هم گفت و گو کنند  
این موضوع تأثیر چندانی در نحوه آموزش و  
تربیان نخواهد داشت. مثال بزرگ که مردم  
به دو زبان سخن می‌گویند، سوئیس که سه  
زبان مختلف رایج است.

اما مواردی که وجود دارد که در نتیجه  
این اختلاف زبان در بین مردم یک کشور به  
تفاوت زیاد نحوه‌ها، مشکلات دشواری را  
در امر آموزش و پرورش به وجود می‌آورد.  
اگر در کشوری تفاوت زبان نتیجه تفاوت  
بین گروه‌های مردم باشد و در نتیجه از اثر  
وحدت ملی کاسته شود، دشواری‌هایی در  
آموزش و پرورش آن ملت پدید خواهد آمد.  
اگر زبان منشی دشوار باشد، و آموزش  
طریقیتش آن به سختی انجام پذیرد،  
کنار گم‌دانان امر آموزش و پرورش با  
دشواری‌های فراوانی روبه‌رو خواهند شد.  
مثلاً مردم هند به سزده زبان اصلی و  
تأملاً متفاوت سخن می‌گویند و در بین این  
زبان‌ها چندین لهجه مختلف وجود دارد.  
بسیار در میان تعدادی می‌تواند بسیار زیاد  
است و حتی ۹۵ درصد زبان می‌تواند  
و نوشتن ندارند. در دورانی که هند زیر  
تسلط انگلستان قرار داشت، انگلیسی‌ها



زبان‌ها را پشت می‌گذارد. در آن طولانی  
تسلط انگلستان بر هند، به کار زبان و زبان  
انگلیسی در مدارس به عنوان زبان دوم  
توانست زبان انگلیسی را در این کشور به  
صورت زبان واحدی در آورد. در آمریکا  
زبان‌های بومی و لهجه‌های گوناگون و  
متعددی وجود دارد و به سه درصد افراد  
بسی می‌تواند بسیار زیاد است. در  
سازمان‌هایی که تحت تسلط فرانسه بودند  
فرانسویان کم‌کم به آنجا که می‌توانند  
زبان خود را اجتناب می‌کنند،  
انگلیسی‌ها به معنی کرده‌اند بر روی

آموزش و پرورش  
گروه آموزشی  
پروژه احمد اعرابی

است. گویش‌ها یا لهجه‌های گوناگون این زبان را نیز نمی‌توان با خط کلاسیک چینی نوشت. در نتیجه تعداد بی‌سوادان بسیار زیاد است. از سال ۱۹۶۰ به بعد در نتیجه پیدایش جنبش‌های ملی، به مسئله زبان توجه فراوانی شد و کوشش به عمل آمد تا بین زبان و طرز نوشتن آن هماهنگی به وجود آید. به این ترتیب شیوه‌ای در زبان به وجود آمد که آن را «گویش ساده» نامیدند. این اصلاح، پیشرفت‌های فراوانی به همراه



داشت؛ روزنامه‌ها، کتاب‌ها و مجله‌ها به شیوه جدیدی نوشته می‌شد و خواندن آنها آسان‌تر صورت می‌گرفت. قدم دوم پیشرفت زمانی برداشته شد که به دستور حکومت ملی این شیوه نور را وارد مدارس می‌کردند و آن را به عنوان زبان ملی شناختند. در نتیجه این تصمیم، پیشرفت‌های بزرگی در امر آموزش و پرورش صورت گرفت، نسبت تعداد بی‌سوادان بالا رفت و تعمیم فرهنگ با سرعت زیادی انجام پذیرفت.

در ژاپن یکی از مشکلات، موضوع خط یا طرز نگارش آن است. این خط، قرن‌ها پیش، از حروف و علائم چینی مشتق شده و همین موضوع دشواری‌های فراوانی را برای دانش‌آموزان و حتی دانشجویان این کشور به بار آورده است. تعداد حروفی که در این خط وجود دارد آنچنان زیاد است که به نظر می‌آید می‌باید نسبت بی‌سوادان بسیار زیاد باشد، اما چنین نیست. در سال ۱۹۴۰ تعداد باسوادان ژاپن بیش از ۹۵ درصد جمعیت اعلام شد. با وجود این ژاپنی‌ها هنوز نگران خط دشوار و پیچیده خود هستند و می‌کوشند تا به جای آن از الفبای لاتین استفاده کنند. استفاده از الفبای لاتین برای نوشتن زبان ژاپنی به طور آزمایشی در برخی از مدارس



آغاز شده و در این زمینه تحقیقاتی به عمل آمده است. آنچه مسلم است این که تغییراتی در جهت آسان کردن طرز نوشتن صورت خواهد گرفت، اما هنوز نمی‌توان شکل قطعی آن را پیش بینی کرد.

اتحاد شوروی کشور پهناوری است که در آن بیش از ۱۵۰ گروه ملی وجود دارد که به زبان‌های متفاوتی گفت و گو می‌کنند. از دوران پس از انقلاب هریک از ملیت‌های اتحاد شوروی در استفاده از فرهنگ و زبان ملی خود آزادی کامل دارند و لازم است زبان روسی را به عنوان زبان دوم بیاموزند. برای بسیاری از ملیت‌هایی که پیش از انقلاب آنچنان عقب مانده بودند که الفبا و خط نداشتند کتابت به وجود آمد. در همین زمینه استفاده از حروف الفبای روسی به عنوان ایجاد وحدت ملی در نظر گرفته شد. کاخ انتشاراتی دولتی واقع در مسکو هر سال کتاب‌های درسی را به زبان‌های ملیت‌های مختلف چاپ و نشر می‌کند و در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهد. در زمینه ایجاد و گسترش یک زبان بین‌المللی که جنبه جهانی داشته باشد و ملت‌های گوناگون بتوانند به کمک آن با یکدیگر گفت و گو کنند پیشرفت قابل توجهی صورت نگرفته است. زبان بین‌المللی به نام اسپرانتو مورد موافقت همگان واقع نشده است. شاید در آینده یونسکو بتواند برای این مسئله بفرنج و در عین حال جالب راه حل مناسب و مؤثری پیدا کند.

زیرنویس:

• آمارهای به کار رفته در این نوشته مربوط به چهار دهه قبل است.

1. Hindi
2. Tamil
3. Plain talk
4. Esperanto

# کیست

## حافظ زبان فارسی\*؟



موضوع اثبات براسه یاد فارسی شکر است، که استاد جمال زاده در یکی از نوشته‌های خود به قلم استناده‌اش نوشته است، انداخت. نظر این نویسنده برای بیان موضوع یاد شده چنان جو اسلده را مسحور خود می‌کند که بعد از خواندنش این سؤال‌ها برایش مطرح می‌شود:

آیا آنان که سعی می‌کنند با مختصر زبان خارج‌ای که آن‌ها هم بطور دست و پا شکسته یاد گرفته‌اند و در هر جمله فارسی یکی از لغات آن زبان را چاشنی می‌کنند! و این عمل را دال بر معلومات و شخصیت خود می‌دانند و افعابه فارسی حرف می‌زنند و حافظ این زبان هستند! به عقیده این گروه زبان مادر نظر صرف لغات و اشتقاقات غنی نیست و باید تا ام با لغات خارجی بیان شود تا معنی اصیل و مفهومی را که مورد نظر متکلم است بیان کند. البته این دسته در قضاوت خود در افراط رفته‌اند. در مقابل این گروه طبقه دیگری هستند که عقیده‌شان چنین تقریب دارد! انسان معتقدند که: چنانچه ما فارسی زبانان به جای کلمه‌های ابوی، اجوی و اُمی، پدر، پسر در و مادر بنویسیم یا بگوئیم، گناه ناسخودمی مرتکب شده‌ایم. اینان هر چه جملات مطعن و یا عبارات مغنق باشد بیشتر مورد پسندشان قرار می‌گیرد. آیا برستی ایان حافظ زبان فارسی اند؟ نه، چون ما زبانی را تسلیم می‌دانیم که هر چه بیشتر نوشته‌اش نزدیک به گفته‌اش باشد.

آیا در موقعیت کنونی روزی نامه‌ها و مجله‌ها و رنگین نامه\*\*هایی که در پایتخت میلکت ما هر روز هر هفته و هر ماه منتشر می‌گردد این مهم را درک کرده‌اند؟ آیا اینها حافظ زبان فارسی هستند! به جرأت می‌توان گفت که نه، چون تمام کارکنان اداراتشان فقط و فقط به فکر استفاده مادی خود هستند و برای گردآوری

و به کلاس ادبی اشاره می‌کنند؛ این آقا معتمد فکر می‌کند که حضرت است سعیدی، حافظ و فردوسی در اثر فقر، بدبختی و بیچارگی شاعر شده‌اند و اصولاً اینان از مثلاً زبانه‌هایی که آقا مدعی آن است بونی نبرده‌اند! پس صلف معتمد هم می‌تواند آن‌طور که سید و شاید حافظ ادبیات باشد. در اینجا نباید از میسماه،

شوپریسون و رادیو هم بحثی به میان آید چون هر یک از آنها باز منتهی در این راه دارند. میسماها یا آن فیلم‌های مبتذل و دوبله مبتذل نیز معروف همه است و بنویزون به جز یکی دو برنامه نسبتاً آموزنده خود تکیه بر نامه‌های کسل‌کننده است؛ رادیو هم با نیروی فراوانی

که در این راه به خرج می‌دهد هدفش این است که زبان فارسی زبانه کلی از لغات محلی و لهجه‌های مربوط به این زبان پاک سازد. در

اشیای مورد بحث ما نویسندگان، شاعران، موسیقی‌دانان، ترانه‌پردازان هم سهیم هستند. اینان نیز هر یک به نوبه‌ی خود در حفظ ادبیات و زبان فارسی می‌کوشند. ولی مهم‌ترین

طبقه‌ای که همیشه و در همه حال حافظ زبان و ادبیات فارسی بوده فشر عظیم و بوده مردم است که آثار گران‌بهای این زبان را از گذشتگان

سینه به سینه گرفته و به آیندگان سپرده‌اند. بر ما معلم‌ان که سهمی در نگه‌داری از پایه مدنیت و نشان بقای خود (زبان و ادبیات فارسی) داریم فرض است که این زبان را هر چه شیرینتر، رساتر و سرگوار با زبانی که بچه‌ها از آغوش مادرانشان می‌گیرند به آنان بی‌موریم و همیشه سعی ما این باشد که: بازار و مددکار آنان در این راه باشیم تا دین خود را نسبت به ادبیات کشورمان ما ادا کرده باشیم.

زیر نویس:

• این نوشته یک اشتباهت که در کلاس حلال ان احمد، فرسال ۱۳۴۰، در دانش‌ای علی خوانده شده است.

•• رنگین نامه لغتی بوده که ان احمد و مجاهد سعیدی در آن زمان داده بود. مقصود از روزی به هر چه بود در آن دوره است.

مال از هیچ کوششی برای بیشتر لحن مال کردن زبان فارسی فروگذار نمی‌کنند! میرناسیر مقالاتی که در این نوع روزنامه‌ها و مجلات نوشته می‌شود بر است از اغلاط املائی، اصطلاحات مستهجن خارجی، انداعات بی‌مابه ادبی و سکنه‌های لاشائی. پس بازوه‌ای که فعلاً این جریده‌های کثیرالانتشار دارند باز نمی‌تواند حافظ زبان باشد!

آیا معلم‌ان غیر متخصص در زبان و ادبیات فارسی که فعلاً مشغول تدریس شهکارهای این زبان در مدارس ما هستند قادرند در حفظ این زبان بکوشند؟ ملاحظه فرمایید برای تدریس هر یک از رشته‌های نظیر: فیزیک، شیمی،

جبر، مثلثات، حسن خط و غیره و در ارت منبع دیر متخصص آن رشته‌ها را به کلاس می‌فرستند ولی برای تدریس زبان و ادبیات فارسی که توان گفت تا حال سر بنمای منت ما بوده هر کس که از

راه می‌رسد او را به کلاس گسیل می‌دارند! گوی بسیار شده‌اند! خوب تنها نتیجه این عمل آن است که جوانان دبسمه و حتی آنان که تحصیلات دانشگاهی دارند نمی‌توانند چند خط بدون غلط بنویسد یا بخوانند. اکثر از اساطیر

ملی خود بی‌خبرند. نوشته‌های کتب‌های گلستان و بوستان، شاهنامه و قابوسنامه را قادر نیستند بدون غلط بخوانند. در این رهگذر فقط معلم‌ان ناوارد هم مقصر نیستند. بسیار دیده شده است که معلم‌ان رشته‌های دیگر یا بر حاشیای

دانش آموزان را از یاد گرفتن زبان و ادبیات همیشه بیزار کرده‌اند!

در کلاس ششم ریاضی شاگرد در حل مسأله و امی مانند و متعجب است که چگونه ارتباط روابط ریاضی را کشف کند! در همین حال دبیر مربوط می‌گوید تو اگر می‌خواهی سعیدی یا حافظ شوی باید به کلاس دیگری بروی





### مطالبی کلی پیرامون هر سه کتاب

به طور کلی، فضای حاکم بر کتاب‌ها و همچنین فلسفه و جودی هر کدام خوب است. در عین این که به محضر مؤلفان محترم ادای احترام می‌کنم، بنا بر دیدگاه شخصی و هم نظری با دانش آموزان، نکاتی هر چند ناچیز و ناقص یا قلم قاصر خود به عرض می‌رسانم:

۱. مبحث «ربان‌شناسی» در سال اول مطرح شده و در سال دوم و سوم از آن ذکر می‌شود. به میان نیامده است؛ اگر هم آمده، بسیار اندک است. اگر این بحث طی سه یا چهار درس در سال سوم راهنمایی مطرح شود تا مقدمه‌ای برای دوران متوسطه باشد، بهتر

خواهد بود.

۲. مبحث «دستور زبان فارسی» در هر سه سال، از آقایان دکتر انوری و دکتر احمدی گیوی به شیوه سنتی مطرح گردیده، در صورتی که در مقطع متوسطه توسط استادانی دیگر و به گونه‌ای دیگر مطرح شده است. بهتر است که در این زمینه تأمل بیش تری شود تا بین این دو دوره سختی به وجود آید و هماهنگی لازم برقرار شود و دانش آموز احساس سردرگمی و دوگانگی نکند.

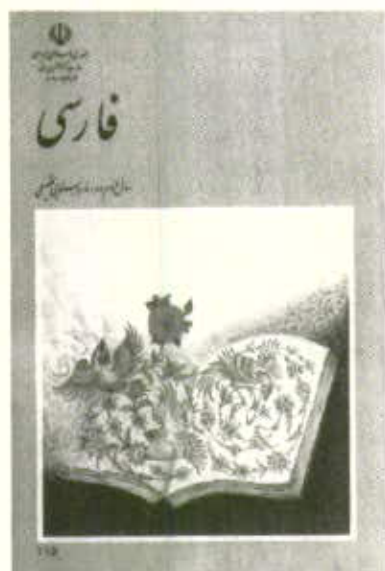
۳. درباره مبحث «انشا و نگارش» باید بگویم:

اولاً بهتر است که نمره آن‌ها از یک دیگر جدا شود. در حال حاضر، دوازده نمره انشا و هشت نمره نگارش دارد. دانش آموز اطمینان دارد که از دوازده نمره، دست کم شش نمره و از هشت نمره، چهار نمره می‌گیرد و کسب نمره ده دور از دسترس نخواهد بود. بنابراین، با جدا شدن نمرات

این دو درس، ذهنیت دانش آموز عوض خواهد شد و هر کدام از این درس‌ها اهمیت خود را حفظ خواهد کرد.

ثانیاً «بارم‌بندی درس انشا» در مقطع راهنمایی باید اعمال گردد تا در وهله اول، دانش آموز با ملاک‌ها و چارچوب‌های درس آشنا شود و در وهله دوم، نمره‌ای در خور انشای خویش کسب کند. به این ترتیب، مصحح نیز با احتیاط بیش تری نمره خواهد داد. البته اگر دبیران محترم ملاک‌های ارزشی انشا را در طول سال تحصیلی در کلاس گوشزد کنند، بهتر خواهد بود، تا با تمرین و ممارست ملکه ذهن شود. به علاوه بهتر است، در ورقه امتحان نیز ملاک‌ها با ذکر بارم هر کدام بیاید و مصحح هر قسمت را به طور جداگانه ارزشگذاری کند تا حقی ضایع نشود. این ملاک‌ها می‌تواند، همان ملاک‌های دوره متوسطه، اما به گونه‌ای ریزتر و قابل هضم‌تر برای این مقطع باشد.

۴. در پایان بعضی درس‌ها توضیحاتی آمده و در بعضی نیامده، در صورتی که در پایان کتاب، قسمتی به نام «واژه‌نامه» ذکر شده است. چه بهتر که همین واژه‌نامه نیز



محمد رضا سنگجولی\*



## نقدی بر

# کتاب‌های فارسی

# سال اول، دوم و سوم راهنمایی

آموزش راهنمایی

هدف نبودند. دانش مورد بیش تر به حصول مداوم در کلام احساس نیاز کند و درس حالت تخصصی تری به خود بگیرد. اگر بدین گونه مسوولیت دست نگردد، در سال اول و از دهان فردی که هر درس در پایان درس آورده شود، در سال دوم و از دهانه بیاید و در سال سوم در صورت امکان و از دهانه حذف شود تا دانش آموز به کتابخانه هدایت شود.

۵. به منظور کنایه، قسمت زیر بدانی درس ها، که در واقع تاریخ ادبیات است، به نامل و معقل بیش تری نیاز دارد. البته آن درس همی که توضیحات گامی دراز شده خوب هستند، اما در بعضی از درس ها، فقط علم آن کتاب به عنوان نویسنده بیان شده است و شرح و توضیح ندارد. بهتر است که شرح کامل اثر یا صاحب اثر بیان شود تا دانش آموز اقتناع کند. اگر بدین گونه مسوولیت، بهتر است که چند منبع برای مراجعه ذکر شود؛ مثلاً در دهانها، سه اب سیهری و ...

### نقد فارسی اول

۱. در قسمت تقریباً، اگر از جدول پیش تر استفاده شود، بهتر است.

۲. جدول در این کتاب اثر بیش تری از شعری معاصر آمده، شبیه است که هر چند مختصر، به معرفی هر کدام پرداخته شود.

۳. در صفحه ۵۵، تدریس شماره چهار مربوط به درس عاشقانه که نامدهاران است که در صفحه ۳۵ آمده، بهتر است که سوال نیز در ادامه همان درس مطرح شود. این نکته در مورد سوال های ۵ و ۶ همین صفحه بر صدق است.

۴. بهتر است در تقریباً از تعداد جمله سوال بشود. همان طور که خودتان مشخص کردید، این گونه سوالات از موارد بحث بر انگیز است. مثل سوال ۴ در صفحه ۶۱ و سوال یک در صفحه ۷۴.

۵. در دستور زبان فارسی ۲، در صفحه ۴۳، از استفاده نامی برده شده است. اگر تا توضیحات پیش تر همواره باشد، بهتر است.

۶. در بسیاری از درس ها، نام نویسنده و نام مؤلف ذکر شده است، بهتر است که مذکور افتد؛ مثلاً در درس های ۱۱، ۱۲، ۱۶، ۱۸ و ...

۷. درس اب و اکر کتیبه، مقداری برای کلام اول سنگین است. اگر نخواهیم یک روال تاریخی را طی کنیم، شایسته است که از شعری پیش تر استفاده شود. در این مورد در نقد فارسی سال سوم بیش تر سخن گفته ام.

۸. در صفحه ۱۱، سوال ۲، بهتر است که صورت سوال بدین گونه عوض شود: انواع هر یک از جمله های زیر را مشخص کنید. سوال یک صفحه ۱۲ هم همین اشکال را دارد.

۹. در دستور زبان فارسی ۲، صفحه

۶۳، به عنوان الجزای جمله برسد. جزای جمله را به طور کامل بیان نکنند است؛ مثلاً از انواع فعل مشخص نگفتند است. در حالی که برای هر فعل در چند درس بعد، در صفحه ۱۲۸، درس دستور زبان فارسی ۲، بیان شده است. بهتر است که این دو درس به جابه جا شوند.

### نقد فارسی سال دوم

۱. در صفحه ۶، سوال ۳ اگر به فعل های مورد نظر خط کشیده شود، بهتر است. همچنین، در مورد آخر، لفظ جمعی نامدارش در دهان، یعنی زمان فعل به توضیح نیاز دارد؛ چون از حالت ضاهری فعل نوع حقیقی آن استفاده می شود.

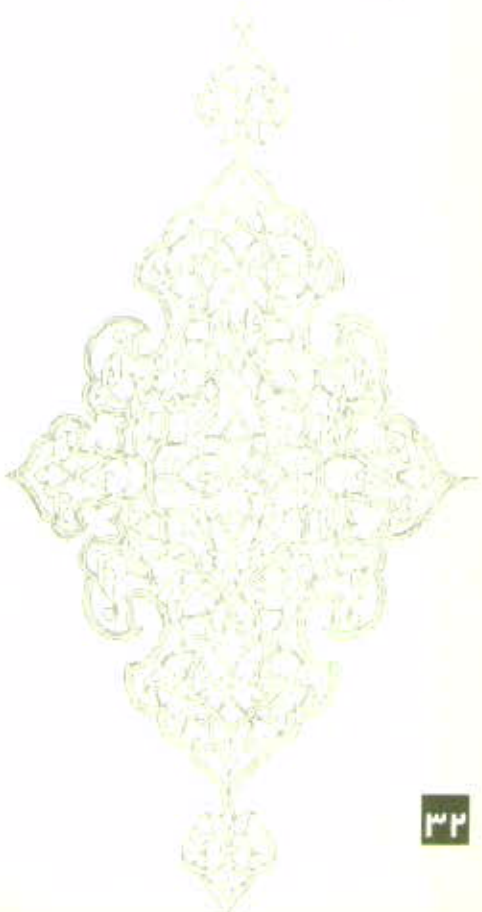
۲. در سوال ۲، صفحه ۶، شخصیات افعال در جملات گوناگون هم و رتی به نظر می رسد. همچنان که مشخص شد، مثلاً فعل است، در حالی که به تهنیتی آمده، هم می تواند فعل خاص باشد و هم فعلی بر آن تعین لازم و معنی بودن ضیه افعال هم به درس ماقبل ارجاع شده است که جمله کل جالب به نظر می رسد.

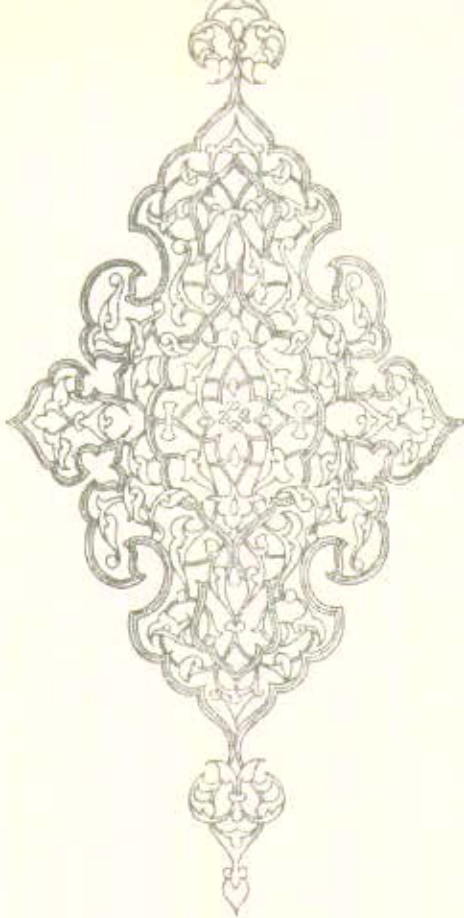
۳. برای درس شیر خدا، اگر بررسی ذکر شود، جلی از لطف نخرانیده.

۴. در تمرین ۲، صفحه ۵۲، اگر نوع این اشخص شود، بهتر است این معنی یا این مصدر را.

### نقد فارسی سال سوم

درس اسیر به درون زمیں، ابو رول ورن، در صفحه ۳۵ کتاب، بهتر است حذف شود، چون این داستان در سیمای جمهوری اسلامی به پیش در آمده است. می توان دیگر آثار رول ورن منی به تناسب و اقتضای منی و روحی دانش آموز انتخاب کرد که از صلاح بداند، این قسمت را حذف از این درس کند.





بامداد بود و خورشید تابان به کف دریای بی پایان می خورد و به گیاهان، گل ها، صدف ها، مرجان ها، جانوران نرم تن و حتی سنگ ها و ریگ ها، رنگ های شگفت آور و خوشایندی می بخشید. من مکث کردم تا عجایب خلقت در زیر دریا را با دیدگان خرد و بینش نظاره کنم. کشتی هم از من پیروی کرد. بعد دوباره راه افتادیم. یک ساعت و نیم می شد که نوتیلوس را ترک کرده بودیم.

نزدیک ظهر بود و ما با گام های آرام و شمرده ره می سپردیم. در این لحظه، زمین ته دریا شیب پیدا کرد و روشنایی ضعیف تر شد. ما زیر فشار قوی به عمق صدمتری رسیدیم، ولی من هیچ احساس ناراحتی نمی کردم و لباسم بسیار سبک و آزاد بود. فقط وقتی می خواستم انگشت هایم را تا کنم، دردم می آمد.

از دو ساعت پیش به این طرف، بالباسی که تا اندازه ای سنگین و نجسب بود، راه می رفتم. من به این پوشاک کائوچویی عادت نداشتم، گرچه خسته هم نشده بودم. در ژرفای سیصد پای، تقریباً أشعة آفتاب را نمی دیدیم؛ گویی در میان شب و روز بودیم. اما برای دریانوردی، به قدر کافی پیرامون خودمان را می دیدیم و دیگر لزومی نداشت که چراغ های کمربندی را روشن نگه داریم. در این زمان، کاپیتان قهرمان اندکی درنگ کرد و منتظر ماند تا من به او رسیدم و با انگشت چیزی را نشانم داد...

و یا: از صفحه ۵۹ تا ۶۱: پس از چهار ساعت... به اطاقم رفتم.

در درس سوم، صفحه ۱۵، «سخنی با جوانان»، بنا به گفته چند تن از دانش آموزان، چون این متن مقام معظم رهبری مربوط به سال ۱۳۷۱ می باشد، بهتر است که سخنان جدیدتری از معظم له، با همین مضمون و محتوا انتخاب شود.

لازم به ذکر است که دو قسمت منتخب زیر با همکاری دانش آموزان انتخاب شده است.

از کتاب نجات یافتگان کشتی شانسلر (صفحه های ۴۲ و ۴۳):

چند ساعت بعد، با صدایی غیر معمول از خواب بیدار شدم. صدای قدم های سنگینی روی عرشه به گوش می رسید، ولی صدا بلافاصله قطع شد. سپس صدای کاپیتان هانتلی را شنیدم که به کابین خود، در جلوی عرشه باز می گشت. من هم دوباره در رختخواب خود کز کردم. بی شک انجام عملیاتی باعث این رفت و آمدها شده بود. با این همه، تکان های کشتی بیش تر نشده بود. بنابراین، باد تندی نمی وزید.

روز بعد، چهاردهم اکتبر، ساعت ۶ صبح روی عرشه رفتم و کشتی را نگاه کردم. ظاهر هیچ چیز در کشتی عوض نشده بود. گوشه بادبان های پایین به سمت چپ جهت داده شده بود و کشتی در وضعیت استوار و محکمی قرار داشت. به طرز قابل تحسینی، کشتی روی این دریا که نسیم خنک و هماهنگ با جهت کشتی از آن برمی خاست، حرکت می کرد. در این لحظه سرعت آن قابل ملاحظه بود و نمی توانست کم تر از یازده مایل در ساعت باشد...

و یا: صفحه های ۳۳ و ۳۴: من گفتم... اعتماد کنند. یا: صفحه ۱۱۸ تا ۱۲۰: دو ساعت بعد... برداشته بودند.

از کتاب بیست هزار فرسنگ زیر دریا (صفحه ۵۵ تا ۵۷):

مدت یک ربع ساعت، روی قشری از شن های ظریف و ماسه های نرم راه می رفتم. بدنه پولادین «نوتیلوس» دیگر دیده نمی شد.

ما همچنان به جلو می رفیم. ساعت ده

درس «روشنی، من، گل، آب»، از سهراب سپهری، جایگاه ویژه ای در ذهن ادب دوستان و ادب پروران دارد. اگر بدقت بیندیشیم، متوجه خواهیم شد که انتخاب این درس برای این مقطع سنی زیاد مناسب نیست؛ چون دانش آموز هنوز با مصداق های عینی و ملموس دست و پنجه نرم می کند و بیان مفاهیم انتزاعی و عقلی در قالب الفاظ ظاهری و خارجی، شاید زود باشد. البته از جهت این که در این زمینه فتح بابی برای دانش آموز به حساب می آید، خالی از لطف نیست. به هر حال، بهتر است حذف شود و با متن سبک تری از این شاعر انتخاب شود. چند تن از دانش آموزان با شعر «پشت دریاها شهری است، قایقی باید ساخت»، بسیار موافق هستند.

در «بیاموزیم»، صفحه ۱۹، فصد و غزل با هم مقایسه شده است، در صورتی که تعریف و توضیح این دو قالب در بایگانی ذهن دانش آموز وجود ندارد. اگر چه مقایسه این دو می تواند به طور غیر مستقیم هر کدام را تعریف کند، ولی اگر دانش آموز با سابقه ذهنی وارد این مقوله شود، مؤثرتر خواهد

بود. پس بعد از آنکه همین آیتها را هم تمام  
 از آن‌ها انقضات، عزرا را جمع نمودند.  
 در تصویر صفحه ۲۲ بهتر است که  
 تصویر جدا جدا کشیده شود تا در هر  
 درس در آنجا مشخص شود که چه وقت  
 در آن درس از خود آمده و در کدام بخش سخن  
 به میان آمده است. در تصویر که تصویر قابل  
 استفاده است.

در خانه و کتابخانه و نیز در کتابخانه  
 بی‌انگه که در آنجا چند کتاب که  
 در این زمینه است، در آنجا نوشته شده است.  
 این کتابها در آنجا نوشته شده است.  
 تا آنجا که در آنجا نوشته شده است.  
 تا آنجا که در آنجا نوشته شده است.  
 تا آنجا که در آنجا نوشته شده است.  
 تا آنجا که در آنجا نوشته شده است.

۳- صفحه ۳۴ در این تصویر که در تصویر  
 آمده است، این کتابها را می‌توانید  
 هیچ مقدمه ای در این تصویر که در تصویر  
 نظر داشته‌اند که در این تصویر که در تصویر  
 داشتند.

بعد از آنکه در این تصویر که در تصویر  
 در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 شود، تا آنجا که در این تصویر که در تصویر  
 صورت به عنوان تصویر شود، چرا که در کتاب  
 این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 می‌شود، بعد از آنکه در این تصویر که در تصویر  
 شود، در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 تصویر را به این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 شده است، مشخص کنید.

تصویر صفحه ۶۸ در این تصویر که در تصویر  
 چند جواز بهتر است که در این تصویر که در تصویر  
 معادل آن می‌شود، این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 معادل آن می‌شود، این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 که تصویر را در این تصویر که در این تصویر که در تصویر

خواهد داشت.

در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 است، چرا که در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 که در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 بعد از آنکه در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 شده است، در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 از این تصویر که در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 از این تصویر که در این تصویر که در این تصویر که در تصویر

در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 بعد از آنکه در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 بعد از آنکه در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 بعد از آنکه در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 بعد از آنکه در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 بعد از آنکه در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 بعد از آنکه در این تصویر که در این تصویر که در تصویر

تصویر رانی از این کتاب که در این تصویر که در تصویر  
 زیباتر است، و این کتاب که در این تصویر که در تصویر  
 کتاب تعداد ۱۵ تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 حافظ آمده است، و به عنوان کتاب اسبوری و  
 شاه انگیز است.

این تصویر که در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 ارتباطی ندارد، و بهتر است که کلام کهنی را  
 از این تصویر که در این تصویر که در این تصویر که در تصویر

بهر است و این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 از آقای دکتر حداد عادل، تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 توضیح از این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 در این تصویر که در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 می‌شود.

در این تصویر که در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 هر کدام از کتابها و چند کتاب که در این تصویر که در تصویر  
 ذکر شود و از مقدمه و کلمات پر دست‌های  
 دو کتاب یا چند کتاب شود.

در صفحه ۱۶، تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 دانشنامه بر جرح در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 لغت‌نامه نویس، دانشنامه نویس، تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 یکی از آثار و اثرات، تصویر که در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 با استفاده هم ذکر شود، مقید خواهد بود.

برای هر کتابخانه‌ها و کتابخانه‌ها و کتابخانه‌ها  
 جامع و مفید و خوب خواهد بود، بهتر است که  
 اولاً کتابها در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 قاعده مربوط به هر کتابها در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 در این تصویر که در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 است، علاوه بر این یک بحث فلسفی است  
 و یکی به این بدون هیچ پیش در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 از برای دانش آموزان به شرح داد.

در کتاب فارسی سال سوم از کتابخانه  
 مدنی استفاده شده است.

تصویر صفحه ۱۵ بهتر است که یکی  
 از آثار تاریخی و یا شعرانی که در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 نامی از آنان برده شده است، اختصاصی باشد.  
 مطمئناً عنوان در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 اهتمام‌گزاران تصویر است.

منابع در این تصویر که در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 است.

در تصویر که در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 در این تصویر که در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 در این تصویر که در این تصویر که در این تصویر که در تصویر  
 در این تصویر که در این تصویر که در این تصویر که در تصویر



کتابخانه  
 اسبوری

# ضرورت بازنگری در دستور زبان دوره راهنمایی

دبیر ادبیتی که در دوره راهنمایی و دبیرستان تدریس می‌کند، بخوبی می‌داند که تدریس دستور زبان در دوره راهنمایی، یا تدریس آن در دبیرستان در بسیاری از موارد فرق می‌کند. زیرا، در دوره راهنمایی دستور زبان سستی است، و در دوره متوسطه دستور زبان ساختاری. هر چند این دو نوع دستور زبان وجوه مشترکی هم دارند، اما موارد اختلاف و افتراق آن‌ها هم زیاد است.

بنابراین، تعریف فعل، مفعول، اسم و... در دستور ساختاری، با تعریف آن در دستور سستی فرق دارد. مثلاً به جای آن که بگوییم: «فعل کلمه‌ای است که بر انجام گرفتن کاری و...» در دستور ساختاری می‌گوییم: «فعل کلمه‌ای است که دارای شناسه باشد.» با توجه به تعارضات دستوری که در ادامه می‌آید، ضرورت بازنگری در دستور زبان دوره راهنمایی ضرورت دارد. لازم به توضیح است که آقای دکتر یاضی، در کتاب «نگاهی تازه به دستور زبان»، معایب دستور سستی را از صفحه ۲۹ به بعد، به طور مشروح نوشته‌اند.

## ۱. ساده و مرکب

الف- اسم مرکب

در دستور ساختاری، پیشینه باستانی کلمه‌ها مورد نظر نیست، بلکه وضعیت امروزی آن‌ها را باید در نظر داشت. مثلاً کلمات: شیرین، دستگاه، ناودان، ساریان، کوچه، دبستان و امثال آن، ساده به حساب می‌آیند؛ در حالی که در دستور سستی مرکب محسوب می‌شوند. بنابراین در فارسی سوم (صفحه ۳، تعریف یک) کلمه «پایان» (pa-y - ān) و کلمات بعد از آن، «پسایان» (بی + آب + ان) و «قهرمان» (معرّب پهلوی کهرمان Kuhroman کاراندیش) ساده به حساب می‌آیند.

ب- فعل مرکب

هر چند در کتاب‌های فارسی دوره راهنمایی بحث مستقلی در مورد فعل مرکب نیامده است، اما در مواردی طرح و شرح آن ضروری به نظر می‌رسد. بر طبق دستور سستی، اسم یا صفتی که جلوی فعل ساده قرار گیرد، نقش نحوی ندارد؛ یعنی نهاد مفعول یا چیزی مانند آن‌ها نیست. مانند زمین خوردن که جمعاً یک معنی از آن فهمیده می‌شود، و نه خوردن زمین. دکتر شریعت در دستور زبان خود (ص ۹۸) می‌نویسد: «اگر جزء اول مصدری صفت باشد، آن مصدر همیشه مرکب است.»

بر همین مبنا، مصدرهای «حراب ساختن»، آگاه گردانیدن، گرسنه کردن، سفید کردن، و همچنین، رنج کشیدن، مثل زدن، جنگ کردن، حرف زدن و مانند آن مرکب هستند که بر اساس دستور ساختاری، هیچ کدام از مصدرهای فوق مرکب نیستند.

معیارهای زبان‌شناسی برای تشخیص فعل مرکب از ساده عبارتند از: ۱- معیار صرفی، ۲- معیار نحوی، ۳- معیار آوایی.

مثلاً «رنج کشید»، یعنی رنج را تحمل کرد و «مثل زد»، یعنی مثل گفت. در زبان عربی هم زدن

(ضرب) در معنی گفتن است (ضرب المثل). بالاخره، معیاری ساده برای تشخیص فعل مرکب فارسی این است که جزء قبل از فعل گسترش‌پذیر نباشد؛ یعنی صفت، مضاف‌الیه، «را»، «ای»، «نکره»، پسوند «تر» و غیره نگیرد.

## ۲. جامد و مشتق

در فارسی سوم راهنمایی (ص ۴۹)، در توضیحات متن آمده است: «کلمه‌ای که بن فعل داشته باشد، مشتق و در غیر این صورت جامد است». اما در صفحه بعد، در قسمت پیاموزیم آمده است: «بعضی از کلمات مشتق بن فعل دارند». این جمله با توضیحات متن تناقض دارد، یعنی کلمه‌ای هست که مشتق است، اما بن فعل ندارد.

در زبان فارسی (۵) رشته علوم انسانی متوسطه، در صفحه ۱۰۵ آمده است:

مشتق، واژه‌ای است که از یک «تکواژ آزاد» (با معنی و مستقل) و یک یا چند «وند» تشکیل شود؛ دانشمند، رفتن، گفتار، آمیزه، دردمند، خوبی، کمانک و بهاره.

واضح است که بر طبق دستور سستی، کلمات دردمند، خوبی، کمانک و بهاره صفت و یا اسم مرکب هستند، نه مشتق؛ زیرا بن فعل ندارند.

## ۳. متمم

با توجه به افعالی که متعدی به متمم هستند، نه متعدی به مفعول، لازم است، افعال «پند دادند» و «پرهیز کردند» (که دارای حرف اختصاصی «از» می‌باشد)، از فارسی دوم (ص ۶) و فعل «تحقیق کنند» از فارسی اول (ص ۱۵۶) حذف و به جای آن‌ها افعال متعدی به مفعول جایگزین شوند. ت. م.

یکی را از وزیران پسر بی گون بود؛ پیش یکی از دانشمندان فرستاد که مرین را تربیتی میکند مگر که عاقل شود. روزگاری تعلیم کردش و مؤثر بود؛ پیش پدر کس فرستاد که این عاقل نمی باشد و برادریان کرد.

چون بود اصل گوهری قابل  
تربیت را در و اثر باشد  
هیچ صیقل نگیرد نماند کرد  
آهنی را که بد گهر باشد  
سگ به دریای هفتگانه بشوی  
که چو تر شد پایدار باشد  
خر عیسی گوش به مکه برند  
چون بیاید هنوز خر باشد



حکیمی پسران را پند همی داد که حالان پدر هنر آموزید که ملک و دولت دید اعماد را شنید و سیم و زر در سفر بر محل خطر است یا دراز به یک بار بود یا حواجه به تعاریف بخورد اما هنر چشمه زاینده است و دولت پاینده و گز هر مند از دولت بفتند. غم نباشد که هنر در نفس خود دولت است. هر چه رود قدر بیند و در صدر نشیند و بی هر لقمه چینه و سختی بیند.

میراث پدر خواهی علم پدر آموز  
کابین مال پدر خرج کرد به یک روز



وقتی افتاد فتنه ای در شام  
هر کس از گوشه ای فرار رفتند  
روستازادگان دانشمند  
به وزیری پادشاه رفتند  
پسران وزیر ناقص عقل  
به گدایی به روستا رفتند

معلم کتابی دیدم در دیار مغرب ترش روی، نلخ گفتار، ندخوی، مردم آزار، گداطع، ناپهیزگار که عیش مسلمانان به دیدن او شبیه

گشتی و خواندن قرانش دل مردم سیه کردی، جسمی پسران پادشاه و دختران دوشیره به دست حقای او گرفتار سه زهره خنده و نه یاری گفتار؛ که عارض سیمین یکی را طینه ردی و که ساق بسوزد و دیگری شکنجه کردی، قصه شنیده که عمری از حیثت نفس به معلوم کردید و برنده و برابرد و مکتب او را به عیبی دادند پارسایی سبب، بیک مرد حکیم که سخن جز به حکم ضرورت نگفتی و مو حبه آزار کس بر زانوش ترفتی، کودکان را هیبت استاد نخستین از سر بر داشت و معلم دومین را اخلاق ملکی دیدند و یکدیگر دیو شنیدند به افتخار جنم و ترک عزم دادند و اغلب وقت به برنج و هم شناسان از لوح در دست با کتبه در سر هم شکنجندی

استاد معلم چو بود می آزار  
خرسک یازند کودکان در بازار

بعد از دو هفته بر آن مسجده گذر کردم، معلم از پیش را دیده بودم دل خوش کرده بودند و به جای خویش آورده، انصاف بر چند روزی حواله گفته که ایست را معلم ملائکه دیگر چرا کردند. پسر مدعی طریقت جهان دیده گفت:

پادشاهی پسر به مکتب داد  
لوح سیمینش بر کنار نهاد  
بر سر لوح او نشسته به زر  
چو استاد به ز مهر پدر

پادشاهی پسر را به ادبی داد و گفت: این فرماند است، تربیتش همچو کن که یکی از فرزندان خویش ادب خدمت کرده و ملت شد و سالی چند بر او سعی کرده به حالی بر مید و چشم که ادب در فضل و بلاغت منتهی شدند. ملک دانستند از این اجابت کرده معانت فرمود که وعده خلاف کردی و وفایه جان آوردی، گفتند: بر آئی خداوند روی زمین پوشیده نمائند که تربیت بکسان است و طاع مختلف.

از من بگوی حاجی مردم گزای را  
کو پوستین خلق به آزار می درد  
حاجی نویستی شتر است از برای آنک  
بیچاره خار می خورد و بار می برد

## با استاد سخن در

### «گلستان» زبان و

## ادب فارسی

به دوستی پادشاهان اعتماد نتوان کرد و بر آواز خوش کودکان که  
آن به خیالی مبدل شود و این به خوابی متغیر گردد.

رازى که نهان خواهى با کس در میان منه و گرچه دوست مخلص  
باشد که مر آن دوست را نیز دوستان مخلص باشد همچنين مسلسل.

خامشى به که ضمير دل خویش  
با کسى گفتن و گفتن که مگوی  
ای سلیم آب ز سر چشمه بیند  
که چو پر شد نتوان بستن جوی

دشمنى ضعيف که در طاعت آبد و دوستى نماید، مقصود وی  
جز آن نیست که دشمنى قوی گردد و گفته اند: بر دوستى دوستان  
اعتماد نیست تا به تملق دشمنان چه رسد.

هر که دشمن کوچک را حقیر می دارد، بدان ماند که آتش اندک  
را مهمل می گذارد.

امروز بکش چو می توان کشت  
کاتش چو بلند شد، جهان سوخت  
مگذار که زه کند کمان را  
دشمن که به تیر می توان دوخت

سخن در میان دو دشمن چنان گوی که اگر دوست گردند شرم زده  
نباشی

میان دو کس جنگ چون آتش است  
سخن چین بدبخت هیزم کش است  
کنند این و آن خوش دگر باره دل  
وی اندر میان کوربخت و خجل  
میان دو تن آتش افروختن  
نه عقل است و خود در میان سوختن

هر که با دشمنان صلح می کند، سر آزار دوستان دارد.

چون در امضای کاری متردد باشی، آن طرف اختیار کن  
بی آزارتر بر آید.

تا کار به زر برمی آید، جان در خطر افکندن نشاید.

چو دست از همه حیلتی در گست  
حلال است بردن به شمشیر دست

نصیحت از دشمن پذیرفتن خطاست ولیکن شنیدن رواست تا به  
خلاف آن کار کنی که آن عین صواب است.

مردکی را چشم درد خاست، پیش بیطار رفت که دوا کن. بیطار  
از آنچه در چشم چارهای می کشد، در دیده او کشیده و کور شد.  
حکومت نه داور بردند؛ گفت: برو هیچ تاوان نیست، اگر این خسر  
نبودی پیش بیطار نرفتی.

هر آن که ناآزموده را کار بزرگ فرماید با آن که ندامت برده به نزدیک  
خردمندان به خمت رای منسوب گردد.

ندهد هوشمند روشن رای  
به فرومایه کارهای خطیر  
بوریا باف اگر چه بافنده است  
نیرندش به کارگاه حریر

تاوانگر زاده ای دیدم بر سر گور نشست و با درویش بچه ای مناظره  
در پیوسته که صدوق تربت ما سنگین است و کتابه رنگین و فرش  
رخام انداخته و خشت پیروزه درو به کار برده، به گور پدرت چه ماند  
خشتی دو فراهم آورده و مثنی دو خاک بر آن پاشیده؟  
درویش پسر این بشنید و گفت: تا پدرت زیر آن سنگ های گران  
بر خود بچینیده باشد، پدر من به بهشت رسیده باشد.

هر آن دشمنی را که با وی احسان کنی دوست گردد مگر نفس  
را، چندان که مدارا بیش کنی، مخالفت زیادت کند.

مال از بهر آسایش عمر است نه عمر از بهر گرد کردن مال. عافلی  
را پرسیدند: بیک بخت کیست و بدبختی چیست؟ گفت: بیک بخت  
آن خورد و کشت و بدبخت آن مرد و هشت.

بیخس و منت منه که نفع آن به تو باز گردد.  
شکر خدای کن که موفق شدی به خیر  
ز انعام و فضل، او نه معطل گذاشت  
منت منه که خدمت سلطان همی کنی  
منت شناس از او که به خدمت بداشت

دو کس رنج بیهوده بردند و سعی بی فایده کردند، یکی آن که  
اندوخت و نخورد و دیگر آن که آموخت و نکرد.

ملک از خردمندان جمال گیرد و دین از پرهیز گاران کمال یابد.

سه چیز بی سه چیز پایدار نماند. مال بی تجارت و علم بی بحث  
و ملک بی سیاست.

رحم آوردن بر بدان ستم است بر نیکان

جسم پیش از جد گرفتن و حشمت آزد و لطیفی وقت هیبت ببرد.  
به چندان در شمی کش که از تو سیر گردند و نه چندان نرمی که سیر شو  
بگیر شوند.

در شمی و نرمی به هم دریه است  
چو رنگون که جراح و مرهم نه است  
در شمی بگیرد خردمند پیش  
به سستی که مارل کند قدر خویش

ده کس دشمنی ملک و دینند : پادشاهی حلم و راهدسی علم

بدهوی در دست دشمنی گرفتار است که هر کجا رود از چنگ  
مقتولت و جلاص بیند.

ده دمی بر سفره ای بخورند و دو سنگ بر مرداری با هم به سیر  
بویست جویض با جهانی گریسه است و قانع به نالی سیر حکما  
گفته اند : توانگری به فداحت به از توانگری به بقاعت

هر چه زود بر آید، دیر نباید.

هر عک از بیضه برون آید و روزی طلبد  
و آدمی بجه ندازد خیر از عقل و نمیز  
ان که ناگاه کسی گشت به چیزی نرسید  
وین به تمکین و فضیلت بگذشت از همه چیز  
آنکبه همه جا پای از آن قدرش بیست  
لعن دشجوار به دست آید از آن است عزیز

سادا را به از جومش بیست، و اگر این مصلحت بدالستی بدان  
سودند

خری را الهی تعلیم می داد  
برو برو، صرف کرده عمر دایم  
حکیمی گفتش : ای نادان چه کوشی  
دین بودنترس از نوم لایم  
نیاموزد بهایم از تو گفتار  
تو خاموشی بیاموز از بهایم

هر که بددات از جود مجذوبه کند تا بداند که دالست بدالمتی که  
بدان آید.

چون در آید مه از نوبی به سخن  
گرچه نه دایم اعتراض مکن

هر هنر از هر مندر استو اند که بیسند، همچنان که سنگان بزاری  
سنگ خسته را مشغله باز کند و پیش آمدن نیازند.

حکیمان دیر دیر خورند و عابدان بیم سیر و زاهدان مستدرشق و  
جوانان ناطق بر گیرند و پیران تا عرق نکند اما فلندران چندان که در  
معدنه جای نفس نماند و بر سفره روزی کس.

اسیر بند شکم را دو شب بگیرد خواب  
شمی ز معدنه سنگی شمی ز دل تنگی

مشک آن است که جود سوید نه آن که عطارد نگردد و دانا چو طبله  
عطارد است خاموش و هنر نمای و نادان چو طبل عزاری بلسد آوار و  
میدان تپنی

حیرتی که دانی که ذلی بیارود، تو خاموش، نادانگری بیارود.  
بلبلا مزده بهار بیار  
خیر بد به بوم باز گذار

هر که نصیحت خود را می کند، او خود به نصیحتگری محتاج  
است.

کارها به صبر بر آید و مستعجل به سیر در آید

هر که علم خواند و عمل نکرد، بدان ماند که گاو را بعدو نسجم  
بفشانند.

حکیمی که با جهنم در افتد، توقع عورت ندارد و اگر جدایی به  
زمان آوری بر حکیمی غالب آید، عجب نیست که سنگی است که  
گم هر همی شکند.

نه عجب گر فرو رود نفسش  
عندلیبی غراب هم قفسش





به سوال اوگ باید گفت: درباره موضوعی که می‌خواهیم چیزی بنویسیم پیشاپیش باید آگاهی‌ها یا اندیشه‌هایی داشته باشیم. درباره موضوعی که چیزی نمی‌دانیم طبعاً نمی‌توانیم مطلبی بنویسیم. پس گام نخست به دست آوردن آگاهی یا اندیشیدن است. از همین رو گفته‌اند: «اوگ اندیشه وانگهی گفتار». بلی از ذهن خالی چیزی بیرون نمی‌تراود. در مثل هم داریم: «از کوزه همان برون تراود که در اوست.»

پس باید ذهن خود را پر بار کنیم. چگونه؟ با مشاهده، مطالعه و اندیشیدن!

و این که چگونه بنویسیم؟ باید «آیین نگارش» را آموخت. نوشتن شکل پیچیده زبان است، دانش آموز زمانی می‌تواند به خوبی از عهده این مهارت برآید که در ارکان دیگر زبان توانایی لازم را کسب کرده باشد. او زمانی می‌تواند خوب بنویسد که در گوش دادن، سخن گفتن و خواندن مهارت کافی داشته باشد. هدف اساسی آموزش انشا تقویت قوه استدلال، تفکر و دقت دانش آموزان، عادت دادن آنان به درست دیدن و درست شنیدن و دیده‌ها و شنیده‌ها را به درستی بیان کردن و نوشتن است.

دوران ادبیات معمولاً از ضعف بودن دانش آموزان از این درس، و نیز خمودگی و سستی کلامی انشا و نداشتن موضوعات غیر تکراری و مورد علاقه دانش آموزان شکوه دارند.

راهکارهایی که برای توانا شدن دانش آموزان در نوشتن، در کتب فارسی ارائه شده است، عملی و مفید می‌باشند که اگر دقیق و درست اجرا شوند قدم‌های اولیه مقاله نویسی و نویسندگی برداشته شده است.

قبل از هر چیز باید توجه کرد که نوشتن علم نیست، بلکه مهارت است؛ یعنی مجموعه‌ای از آگاهی‌ها و دانسته‌ها است که در ذهن انبار شود تا در مواقع لزوم بازگو گردد. با همان عبارت‌های محفوظ در ذهن زوی کاغذ آید؛ بلکه چیزی است مانند رانندگی اتومبیل یا شناگری؛ واضح است که هیچ‌کس یا خواندن کتاب راهنمای رانندگی و یا شنا، راننده یا شناگر نمی‌شود. نویسندگی نیز فنی است مانند فنون دیگر که باید در آن مهارت پیدا کرد.

قبل از وارد شدن در بحث انشا باید به دو سوال اساسی پاسخ داد، یکی این که چه بنویسیم؟ و دیگر این که چگونه بنویسیم؟ در پاسخ



آموزش انشا

در اینجا فکر کنید - ای قویت و آموزش این قرص از آنکه و پیشنها می شود. هر مندسازی از این راه حل ها گفته شده و نکاتی است. مانه اول - حفظ

یک فقه پیش تست عم عشق وین عجب  
کز هر زمان که می شود نامگزار است

۱- در جلسات نخستین درص استاد دانش آموزان را وادار سازیم که اشهایی در مورد محصولات افرمه خویش بویستند. مثلاً از آن جو گفته شد که آنچه را در تلاش می بیند و با کلمه های رایج که در مدرسه و دانشگاه خود جاسس می کند به صورت ضربات همی یادیدگهی ابتدئین و امیلاخی بوحیفه نماید.

در جلسات اول باید موضوعاتی گفت که تقریباً آسانی دانش آموزان از عهد به پیش آن بر آید و اعتماد به نفس پیدا کند که می تواند بویستد.

راه دیگر آن است که تا چند جلسه بگذاریم خود دانش آموزان موضوع مطرح شده و ما از همین موضوعات استفاده کنیم. در ضمن به دانش آموزانی که باز شروع به نوشتن می کنند باید گفت که:

هیچ ادای و برتیبی محو

هر چه می خواهد دل ننگت بگو

در همان اول امر و بهی دریم که فوراً نگارش را رعایت کنید، حفظ ملاحظه نداشته باشید. پیش از ده نظر بویستد و مستعد آنان قلم را به دست می گیرند و به جای آن که به موضوع بیدیشند. ترس از این درسد که بکندین دستوره را از رعایت نکند. این امور و قواعدا را باید به صریح به آنان آموخت.

۲- معلمان ابتدا باید انگیزش تربیتی و آموزشی دانش آموزان باشد. و در نوشتن اش و قطعات ادبی بر همه دانش آموزان اشراف داشته باشند. این که خود توانایی نوشتن نداشته باشند و سعی از دانش آموزان انتظار نوشتن ندارند داشته باشند.

دات نایافته از هستی بخش

کی تواند که شود هستی بخش

وینا

هر آنکه مانه ندارد سخن چه خواهد گفت؟

چگونه برد مرغی که بسته دارد بر

اگر معنی که در تلاش موضوعی مطرح می کند خود نیز همی فراتر از شروع به نوشتن کند چند فایده خواهد داشت. یکی این که می فهمد بر معنی می که مطرح کرده ای خودش قادر به نوشتن است می باشد. به دیگر آن که وقتی خود او کلمه گسی باشد که استیضاح را

می خواند دانش آموزان با علامه زیادی گوشتن می دهند و همه این کده و ادب آن کم شود تا روشن بوشنن استند می شوند.

یکی از همکاران تعریف می کرد که «معلمی موضوع می باشد مطرح می کنند و من گوید دانش آن که بویستد» سخن از دانش آموزان می گوید. این موضوع را خود در می یابند و بویستد یا معلم می گوید. منی جو همی بگویند که بی بویستد دانش آموز می گوید. دقیقاً همین را می گویم. معلم که بی بویستد از خود بیستد او را با ضربت و جرح از کلاس بیرون می کند. اهل دانش آموزی حق دارند این سوال را بپرسند و هر معنی باید حفظ چس موالی را داشته باشد.

۳- یکی از راه های آسان برای تغییر و بندگانی و اشاد که دانند قطعات ادبی عم از نظم و نثر به زبان ساده و روان است که ساختن نسبتاً آسان بر مبنای نظم و نثر می شود و دانشندان می توانند در تمام قدری از این گونه مطمئنند. در اشای خود ساخته خود باید که علامه - افرینش در ذهن آنان - مدیعی برای امر نگارش جدا بدهند و آن را در بیان معنای اشها برای جو امید برود.

به حذر گشتی بازگردانی، در جویی و غرور جعلی در آنگاه که نویسن می تواند کمک مؤثری برای تقویت نگارش و اشد باشد. از طرف دیگر فراگیری از ادبیات علمی و پروردگسی، علمی و جسمی اشیا می شود و از آنجایی که همه پیش آموزان را بسدن و جاسس داشته ادب می بولد فرقی می شود تا آنکه به مشون و آنگاه ادبی، چگون شده و به کلینه و دمه. کلسان و بومبال، مشون معنوی و اشاد آن علامه مند شوند.

به عنوان مثال از دانش آموزان می خواهم که در داستان قوراندین را از بوستان سعیدی را در کتابی و در صورتی که در این داستان کسب و در بیان بویستد از داستان چه نتیجه ای گرفته اند.

یکی گوی که در خانه زآل بود

که بر گشته ایام و بد حال بود

دوان شید به بهمان سرای امیر

غلامان سلطان زدندش به تیر

چکان خویش از استخوان می دوید

همی گفت و از حول خان می دوید

اگر حستم از دست این تیر زان

من و موش و ویرانه بیرون

سزرد عمل، جان من، راحم پیش

قاعت نکوتر به دوشاب خویش



خداوند از آن بنده خرسند نیست

که راضی به قسم خداوند نیست

۴ - حقیقت آن است که مؤثرترین راه افزایش توان نگارش در دانش آموزان از طریق عادت به مطالعه صورت می گیرد. مطالعه فراوان، خورده خود شیوه های درست نگارشی را به گونه الگویی می آموزد.

۵ - از فیلم متحرک و نمایش آن توسط ویدئو یا آپارات به منظور تقویت مهارت هایی چون خلاصه نویسی، نقد، تقویت دقت و ... می توان بهره گرفت مثلاً: فیلمی تا نیمه نشان داده شود و از دانش آموزان بخواهیم بقیه آن را به ذوق و علاقه خود بنویسند (همین کار را با تعریف داستان هم می توان انجام دهید). با نشان دادن یک فیلم از دانش آموزان بخواهیم یکی از چهره های مثبت یا منفی فیلم را وصف کنند یا یکی از مناظر را وصف، تشریح و یا بازسازی کنند.

۶ - سعی کنید هر موقع موضوعی را برای دانش آموزان تعیین می کنید نمونه ای از آن را خودتان برای آنان تعریف کنید و یا یک نمونه نوشته شده را برایشان بخوانید تا آشنا شوند. مثلاً اگر می گوید زندگی نامه خودتان را بنویسید ابتدا یک نمونه زندگی نامه نوشته شده توسط افراد مختلف را که اصول و قواعد صحیح زندگی نویسی در آن رعایت شده است، بخواهید.

۷ - برای خارج شدن کلاس از یک نواختی، معلم دانش آموزان را وادار کند وقتی دانش آموزی انشائی خواند بقیه شاگردان نقاط ضعف و قوت او را یادداشت کنند و بعد از آن با نظارت معلم راجع به انشای بحث و گفتگو کنند.

### چند موضوع پیشنهادی

می دانیم که همکاران با توجه به سطح علمی کلاس، موقعیت ها و مناسبت های مختلف و علاقه و سلیقه خود موضوعات گوناگونی را برای نوشتن انشاد در کلاس مطرح می کنند. بنابراین محدود کردن چند موضوع برای انشا کار درستی نیست، با این وجود بنا به درخواست عده ای از همکاران موضوعاتی پیشنهاد می شود.

۱ - ابتدا برای شروع نوشتن جملاتی ناقص مطرح می کنیم تا دانش آموزان آنها را ادامه دهند. جملاتی از قبیل:

الف) اگر دبیر ادبیات بودم ...

ب) از معلم خود انتظار دارم که ...

ج) اگر به جای پدرم بودم ...

د) هدفم از درس خواندن این است که ...

۲ - شهر خود را توصیف کنید. ۳ - تعطیلات خود را چگونه

می گذرانید. ۴ - یک دانش آموز خوب چه وظایفی دارد. ۵ - اهمیت علم و دانش و ضررهای بی سوادی را شرح دهید. ۶ - چرا باید میهن خود را دوست داشته باشیم. ۷ - فایده کار و کوشش و زیان بی کاری را شرح دهید. ۸ - قناعت. ۹ - محبت. ۱۰ - مادر. ۱۱ - مقصود از تحصیل علم چیست؟ ۱۲ - برای آینده خود چه فکری کرده اید. ۱۳ - با دیگران چگونه باید رفتار کرد؟ ۱۴ - گفتگوی خیالی میان خیار و گوجه در سالاد، میان کفش و پا، عینک و چشم، بخاری و اتاق، معده و غذا. ۱۵ - مدرسه ای که دانش آموزان برای آن قوانین وضع کنند. ۱۶ - گشت و گذار یک میکروب در بدن ما. ۱۷ - پاییز خانه خود را توصیف کنید. ۱۸ - می خواهیم خانه بخریم اما ... ۱۹ - لحظه های به یادماندنی. ۲۰ - محله ما. ۲۱ - چه وقت شکست معنای پیروزی می دهد. ۲۲ - یاد در کفش دیگران کردن. ۲۳ - حرف دلم این است که ... ۲۴ - فرصت ها و روزهای از دست رفته. ۲۵ - زندگی همیشه یک جور نمی ماند (دائماً یکسان نباشد حال دوران غم مخور). ۲۶ - چهره ای که از یادم نرفت. ۲۷ - بگذار دم کوزه آبش را بخور. ۲۸ - خرافات شایع و مورد قبول، در جامعه و شهر خود را شرح دهید. ۲۹ - اخلاق انسان باید چگونه باشد؟ ۳۰ - یک روز پرماجرای خود را توصیف کنید. ۳۱ - ای کاش همیشه کوچک بودم. ۳۲ - سر امتحان خود کار نمی نوشت. ۳۳ - گفتگوی سیر و پیساز. ۳۴ - دنیای شیرین من. ۳۵ - خرابی زبان بابا و سیزده بدر. ۳۶ - تو اوک بگو یا کیان دوستی / پس آنگه بگویم که تو کیستی. ۳۷ - حقوق پدر و مادر. ۳۸ - از مکافات عمل غافل مشو / گندم از گندم بروید جوز جوز. ۳۹ - خلق را تقلیدشان بر باد داد. ۴۰ - ثروت و فقر. ۴۱ - انشا در مورد: غیبت، پرگویی، شجاعت، سکوت، حسد، حفظ اسرار، عدالت، اراده، دشمنی و انتقام ... ۴۲ - مرض بدبینی. ۴۳ - وسواس. ۴۴ - تفاوت های میان جاهل و عاقل. ۴۵ - توصیف تابستان، بهار، پاییز و زمستان. ۴۶ - وظیفه ما نسبت به خدا. ۴۷ - ساعت فراغت خود را چگونه می گذرانید. ۴۸ - راه راست کدام است؟ ۴۹ - اسراف و زیاده روی. ۵۰ - از محبت خاها گل می شود. ۵۱ - چه کنیم تا دانشمند شویم. ۵۲ - بیاید شادی ها را تقسیم کنیم. ۵۳ - نامه ای به دوست. ۵۴ - یکی از خاطرات تلخ و یا شیرین. ۵۵ - آداب و رسوم، باورها، اعتقادات، ضرب المثل ها و سنت های رایج در محل، جامعه و شهر. ۵۶ - زینت بدن سه چیز است: کم خوردن، کم خوابیدن، کم گفتن. ۵۷ - گناهان زبان را شرح دهید. ۵۸ - اعتماد به نفس. ۵۹ - ماجراهای خانه جدید. ۶۰ - مهمان ناخوانده.

مهرماه ۱۳۹۴ خورشیدی بود که در دانش‌سرای عالی تهران دانشگاه تربیت معلّم کوهی، در رشته مدیریت آموزشی و با درسی به نام «این سنگ‌ها» که خود مندرج و باقی آن درس بود، با آن رنده یاد شد. اکنون که بیش از ۳۰ سال می‌گذرد هنوز مطالب آموزشی که طی یکسال تحصیلی در مورد زنده کردن آداب و سنن اسلامی و ملی گوشه می‌گردد، بسیار روشن در خاطره مانده است. روش کار آن نویسنده نامی چنان بود که موضوعی برای انشا تعیین می‌کرد. برای مثال: نقش هر ایمان از ناطقین قاره‌ها بعد چند نفری نوشته‌های خود را می‌خواندند و نوشته‌هایشان مورد نقد و بررسی قرار می‌گرفت و مدارج و نتیجه گیری می‌شد که همین هوایند مثل هر وسیله دیگر زندگی می‌تواند سم را و با سلاحه دینداران را در اسرع وقت به بیمارستان‌های مجهز برساند و از مرگ جسمی نجات دادند و نوع جنگی آن انواع نوب‌های شیمیایی یا خوشه‌ای را بر سر نوع بشر فرود برود و در یک چشم به هم زدن آن را از زندگی بی‌بهره سازد.

یک بار موضوعی درباره خرافات داده بود که یکی از همدرسان در موقع خواندن اشعار و آیه‌ها آهسته آهسته می‌گفت که یک دفعه فرحام آن احمد از روی حسدش پند و اندرز تحت استناد و گفت: «پس صدقش را آخر نگرید» کلامش در پس او بود، و دانه‌ها که مادر شیمان بود در نیت موضوع عقوبت‌داری یعنی آزاد کردن بنده چرامی گوی می‌پندد! «نگو من و یا این که برخی از همدرسان خیال می‌کردند که در ادبیات فارسی احمد باید رعایت ادب بشود که باز اشعار توضیح دادند. که ادب از ادب و دفتر گرفته شده و از ناطق یا کلمه ادب به معنی رعایت تراکت در امور زندگی نیست و چنانچه آن معنی را داشت هرلیات شیخ سعدی و دیگر شاعران وجود نداشت پس این هرلیات هم جزو ادبیات فارسی اند.

روزی در کلاس، و در زنگی دیگر و مطرح شد: «تغیر امی چهارده ساله اثر دیوان لسان‌الغیب حافظ شیرازی آمده بر حتی بر این

بناورد که پس هر چه بیشتر حسد سنگ‌ها آرزو می‌شود و بعضی هم عقیده دارند که مسطور چهارده معصوم نام آمده‌ای تا می‌گویند مسطور دوازده چهارده ساله است!

کتاب خوب است نقد اقتصاد خود من بن عنوان «ایمان نامه» در این کتاب ادبیات فارسی و ادبیات فارسی است. یک کتاب است که در این کتاب به ادبیات فارسی می‌نویسد.

# به یاد جلال آل احمد

عبدالمجید بیرومند



ادبیات فارسی

سر دارد. چرا می خواهید این نکته ها را یک دست کنید. آل احمد نسبت به شما پوشیح از ادب داشت و باید مقاله «پیر مرد چشم ما بود» او را خواند تا به این ارادت پی برد.

باز هم در یکی از ساعات نگارش چون هیچ کدام از دانشجویان موضوع را نوشته بودند بدون آن که عصبانی شود گفت: پس بیاید با هم بگویی بزنیم. کدام یک از شما کتاب تازه ای دیده اید؟ که اتفاقاً من دست بلند کردم. گفت: رئیس چه کتابی دیده ای؟ گفتم: کتابی به نازگی منتشر شده به نام «حماسه هیزم شکن» که درباره آبراهام لینکلن آمریکایی است و به سبک مثلاً شاهنامه فردوسی در بحر تقارب است و چون لینکلن رئیس جمهور آمریکا قانون لغو بردگی را به تصویب رساند آن را به نام حماسه هیزم شکن نوشته است. چون لینکلن قبل از این که به ریاست جمهوری آمریکا برسد هیزم شکنی می کرده. حالا عجب این است که ضمن تصاویری که در این کتاب آورده تصویری هم دارد از حضرت محمد (ص) که یک دسته کلید از فرهای بهشت را به لینکلن می دهد؟ چون ما در دین اسلام داریم و یا فرمایش حضرت محمد است که هر کس بنده ای را آزاد کند خداوند ذری از بهشت به روی او می کشاید، که در اینجا مرحوم آل احمد غش غش خندید. بعد یکی از دانشجویان در حالی که هول شده بود شتابزده گفت: عجیب ترین که آن را نامرد گرفتن جایزه اسکار کرده اند! که آن مرحوم بیشتر خندید و سپس بقیه دوستان گفتند: منظور دوست ما جایزه ادبی نوبل است؟ و آل احمد در حالی که می خندید گفت: کتابی با این توصیف باید جایزه اسکار را ببرد. بعد از من پرسید قیمتش چند است؟ گفتم: دو بیست تومان. او گویا در یک لحظه کلمه «۲۰۰ تومان» را بهاله کرد و مسیر حرف را عوض کرد و گفت: رئیس هنوز آن را روی بیزه قرار نداده اند؟ که منظورش قرآنی بود که شاه در آن زمان چاپ و منتشر کرده بود و هدیه اش ۲۰۰ تومان بود و با اشاره به جنگ صفین که لشکر معاویه قرآن ها را بر بیزه قرار

دادند، و به قول خودش بقیه قضایا.

یکی از روزهایی که با وی درس داشتیم وقتی وارد کلاس شد گفت: رؤسا هر چه زودتر قلم و کاغذ آماده کنید و در عرض ده دقیقه ده جمله بنویسید که ضمن این که این ده جمله از هم جدا نوشته می شوند ولی به هم ارتباط منطقی داشته باشند و کار مرا ارزشیابی کنید که از اوگ امسال تاکنون چه چیزهایی به شما یاد داده ام. ما هم طبق دستور مشغول شدیم. از هر کس ورقه اش را می گرفت روی آن وقت را یادداشت می کرد. جلسه دیگر که آمد گفت: ارزشیابی خانم ها و آقایان را ارزشیابی کردم و معلوم شد که همه شما آرد پذیرید. اصلاً دبیرها و معلمان غرب زده شما را این طور بار آورده اند. اصلاً شما می توانستید ۱۵ جمله یا ۵ جمله یا بیش تر یا کم تر بنویسید. آن وقت ما فهمیدیم که اصلاً منظورش موضوع دیگری بوده. پیش از این که امتحان نیمسال دوم برگزار شود یا چند روز قبل از آن درباره نوشتن موضوع سفارش کرد که موجز و مختصر بنویسید رعایت نقطه گذاری و امانت داری نسبت به نقل قول ها و مطالب دیگری را در این زمینه گفت، که من اجازه خواستم؟ وقتی اجازه دادند گفتم: بعد از نوشتن فرمائید چنانچه مفصل می نوشتی بهتر بود یا باز آرد پذیرید ولی ضمن این که داشتیم حرف می زدیم می دیدم که دارد عصبی می شود که بکپور گفتم: رئیس منظورم این است که تو بشخصه... نکنی! که دوستان خندیدند، ولی من ناراحت نشدم. بعد آن مرحوم گفت: ناراحت شدی؟ گفتم نه گفتم: تو الان می خواهی به تن من سر نباشد. گفتم: پس چرا ناراحت نشدی. گفتم: چون به شما اعتقاد دارم. حالا دلیل این که من به او اعتقاد پیدا کرده بودم این بود که: مرحوم آل احمد نویسنده ای توانا بود. همیشه با نامرد می ها و نامردی ها در ستیز بود و با کلمات زبان فارسی که در دستش مثل موم بود و با صدای رسا و سردانه اش که توأم با دندان فروچه بود موضوع هایی که بوی غرب زدگی می داد می گوید و پیش می رفت چنان که همین دندان

فروچه از لابلای نوشته هایش نیز آشکار است.

واقعاً از مدهاته و تعریف خود بزار بود. بادم می آید یکی از دوستان در مقدمه انشایش خواند: با اجازه استاد معظم و مقمّم که یک دفعه سرش داد کشید. رئیس! منهای تملق بقیه اش را بخوان تو به من بگو. جلال. من مخلصتم. بسیار رک گو بود و کله ای نترس داشت. روزی که در کلاس درباره رضاشاه صحبت شد گفت: مرتب از چشم ها و قد و هیکل او تعریف می کنند که چنین و چنان بوده آیا هیچ راجع به تراوشات مغزش مطلبی شنیده اید اگر هم شنیده اید در مورد فلدریش بوده نه چیز دیگر.

و یا یکی از دوستان وقتی از امتحان شفاهی فارسی که جلسه ای بود از استادان: دکتر ضیاءالدین سجادی، دکتر مظاهر مصفا، دکتر بصّاری، دکتر تویسرکانی و چندتن دیگر که حالا خاطر م نیست و مرحوم آل احمد هم در جمع آنان بود. برگشت با ناراحتی اظهار کرد: فکر می کنم این آل احمد کاری دستم بدهد! گفتیم چطور؟ گفت: بعد از پرسیدن نکات دستوری توسط آقای دکتر مصفا، دکتر سجادی پرسید شما می توانید القاب رستم را در شاهنامه تا آنجا که به یاد مانده برای ما بگویید من گفتم: دستان، تهمین و تاج بخش، بعد از لحاظ دستوری درباره تاج بخش پرسش کرد که گفتم صفت فاعلی مرتّم (تاج بخشنده) یا حذف «نده» است. یکی دیگر از استادان پرسید: می دانی چرا این لقب را به رستم داده اند؟ من گفتم چون کاووس شاه را از بند دیوان نجات داده و دوباره او را به پادشاهی رسانده او را تاج بخش لقب داده اند به این جای سخن که رسیدم ناگهان مرحوم آل احمد گفت: همان کاری که شعبان بی مخ کرد! که اشاره اش به کودتای ۲۸ مرداد و بازگشت دوباره شاه به حکومت بود. خوب این طور صحبت کردن آن هم در جو خفقان آن زمان و وجود سازمان جهنمی امنیت شاه واقعاً کله ای نترس می خواست. این بود بخشی از خاطر اتم راجع به زنده یاد آل احمد.

آزمون شفاهی در سن فارسی در دوره سه‌ساله راهنمایی از جهتی می‌تواند نقاط قوتی داشته باشد و از جهتی نقاط ضعفی. می‌دانیم و می‌دانید که در سن فارسی در دوره ابتدایی و راهنمایی از جمله ویژگی‌های برجسته آن است و اگر اطراف بناشود، این درس زیربنای تمامه درس هاست و نقطه عطفی برای تفهیم و فهم و تمام دروس و جملاتی تجربه‌ها و پند و اندرزهای زندگی سالم اجتماعی است. اگر خوب بیگیریم، در دوره ابتدایی به این درس توجه خاص می‌شود و شرایط زمانی و سنی دانش‌آموز ایجاد می‌کند تا درک و فهم

به اطلاعات آن چنانی نیست. اگر هم اطلاعاتی داشته باشی، در این دوره محسوس از اعتراض ندارد. فقط نماند یک کلاس درس خوب باشی و خوب بتوانی دانش‌آموزان را سادگت بکنی. داری. حتی می‌توانی در ۱۲۰ روزی پرواضح است که معلم می‌داند، سر به سر بوسه از هر سه ساله دست به آبی خود او داده می‌شود. پس این توجه به کیفیت و کیفیت در کلاس، تلاش مستمر و ایجاد رابطه متقابل به دانش‌آموز، ممکنه وجود داشته باشد و تسهیل دانش‌آموز از حالت منفعل به فعال، و مسائلی از این قبیل، نمی‌تواند از به‌دفعه دیگری و

به اگر داشته باشد، نسبت به دیگران است. حتی جوی در مدرسه می‌تواند همزمان کند، کسی هم به می‌توانی مدل سازد. اگر خوب هم مقصود آن در چند مصححین بین در سن فارسی در سه دوره تحصیلی داشته باشد، باید بگویم، دوره راهنمایی بعد از حیفه مقصود است. خود تصاویر کنید، به سالی اوضاع و احوال، که است در سن راهنمایی از انگلیس، یک مینی و به سالی در سن راهنمایی از انگلیس، نقش است و به این جهت است که از انگلیس، دانش‌آموزان هر چه می‌شود، می‌تواند از این



## نقدی بر آزمون شفاهی فارسی

مطلب به نحو شایسته ای عملی شود. در دوره متوسطه نیز توجه کافی و واقعی نسبت به این درس به عمل می‌آید. اگرچه در هر مقطعی و در هر شرایط محض و ممکن ممکن است که فرار و شبیه‌هایی وجود داشته باشد، اما با وجود این، اصول فزای مسائل حاشیه‌ای نمی‌شود، چرا که چون در این دو مقطع (متوسطه و ابتدایی) امتحان به صورت کتبی و شفاهی انجام می‌گیرد و انگیزه، هم برای معلم و هم برای دانش‌آموزان و مسؤولان مدرسه، بسیار پررنگ و قوی است. باور بر می‌آید، در طول تدریس در دوره راهنمایی، به این نتیجه رسیده‌ام که در کلاس‌های راهنمایی اصل‌تساری

مکایسه فعال‌تری و دارد. مدیران مدرسه نیز در این زمینه تشویقی ندارند، چون آنچه باعث پیشرفت حاضر این عزیزان می‌شود، چیزی جز مسائل فرامدرسه‌ای و ناچه‌ای و منطفه‌ای نیست؛ آن‌هم فقط برای دانش‌آموزان سال سوم راهنمایی. چون در سال سوم، آزمون دروس کتبی به صورت نهایی برگزار می‌شود، تمام فکر و ذهن آن‌ها به جهت سوالات؛ پس در سن شفاهی مانند فارسی مقلوب، جای خود دارد. اما دانش‌آموز هم که قضاوت‌برای همه تغییر است، خوبی‌ای که است که آزمون کتبی یا شفاهی وجود ندارد. بدین سبب، یا انگیزه‌ای ندارد و

متوسطه سطح جدیدی داشت. به غیر از همین است که همه مطالب راهنمایی را به دو ساله برای او بگویند و به غیر از سه ساله، در این مقطع شروع کنیم. همچنین، در اکثر مدارس راهنمایی و برای تدریس ادبیات از تدریس غیر تخصصی استفاده می‌شود، در حالی که امکان استفاده از ادبیات تخصصی وجود دارد. چرا که این درس، به این همه اهمیت تدریسی و غیر تدریسی، منحصراً در غیر ممتدین، علمی و غیر علمی، و فلسفی و ناگفتی، باید این قدر مقلوب واقع شود که آن‌ها در این موقعیت حساس و ناخوشایند، در سن راهنمایی که دانش‌آموزان خراب‌تر از خود و در سن راهنمایی می‌برد.

ادب و ادب فارسی

چرا باید این درس آن قدر مظلوم و مسکوت باقی بماند که برنامه و ساعت درسی دیگر همکاران محترم را بر کند و نه قولی، رنگ تفریح آنان باشد؟ البته این را هم باید عرض کنم. همچنان که از بطن این وجیزه استنباط کرده‌اید و از صراحت بیان و صداقت و رنگ گویی هویده‌است. خدای ناکرده نمی‌خواهم با این صراحت و وضوح به دیگر همکاران محترم جنسارت کنم. ولی این را باید ادعا نمود که خود آنان هم موافق نخواهند بود که درس مربوط به آنان را دیگران تدریس کنند. حال باین کند که اگر خودم معلم ادبیات

است دانش آموزان از چند ناحیه مشهد انتخاب شده‌اند):

### نظرات چند تن از دانش آموزان

سؤال: امتحان شفاهی بهتر است یا کتبی؟ چرا؟

دانش آموز اول: کتبی، چون در شفاهی، بیشترین سوالات در کمترین وقت پرسیده می‌شود، ولی در کتبی، کمترین سوالات در بیشترین وقت. در کتبی، سوالات یکسان است، ولی در شفاهی بدین گونه نیست و سستی به حال و احوال دبیر دارد. در کتبی

کتبی و شفاهی، نوبت دوم کتبی، و نوبت سوم کتبی و شفاهی باشد، بهتر است. در امتحان کتبی وقت زیادی برای فکر کردن وجود دارد. در کتبی بهتر به سوالات جواب می‌دهیم و در شفاهی اضطراب بیش‌تری داریم و دست و پایمان را گم می‌کنیم. در کتبی، ابتدا به سوالاتی که به یاد داریم، پاسخ می‌دهیم و سپس به سوالات دیگر فکر می‌کنیم. در نهایت، با توجه به نظرات دانش آموزان و همکاران محترم، شایسته است که در نحوه برگزاری امتحانات دروس



بودم، باز هم همین گونه اظهار نظر می‌کردم. چون این درس زا به مشابه اقبانوسی بی‌کبران می‌دانم که دانش آموز، چون غریق، بازیچه کوچک‌ترین موج آن می‌گردد و سرانجام، همچون دسته‌ای خاشاک، تسلیم تلاطم امواج آن می‌شود.

با وجود این و با این همه اهمیت، اگر این درس در دوره راهنمایی حالت کلاسیک‌تر و علمی‌تری به خود بگیرد، محتوایی پربارتر به همراه داشته باشد، و انگیزه بیش‌تری برای دانش آموز فراهم آورد، مطمئناً در آینده شاهد بازدهی بهتر و بیش‌تر آن خواهیم بود.

اجازه بفرمایید تا با نظرات چند تن از دانش آموزان در این باره آشنا شویم (لازم به ذکر

هر کس با دیگری مقایسه می‌شود، ولی در شفاهی ساخودش. در کتبی ملاحظه دانش آموز تنبل می‌شود.

دانش آموز دوم: در امتحان کتبی، با تأمل و اندیشه به سوالات پاسخ داده می‌شود و برای پاسخگویی، زمان بیش‌تری وجود دارد.

دانش آموز سوم: سابقه ذهنی در امتحان شفاهی دخالت دارد. حتی نظر شخصی هم دخالت دارد. چون در یک ساعت معین انجام نمی‌شود، امکان عدم آمادگی دانش آموز وجود دارد. در امتحان شفاهی یک سند رسمی و مدرک مستند در دست نیست. دانش آموز چهارم: به نظر من، نوبت اول

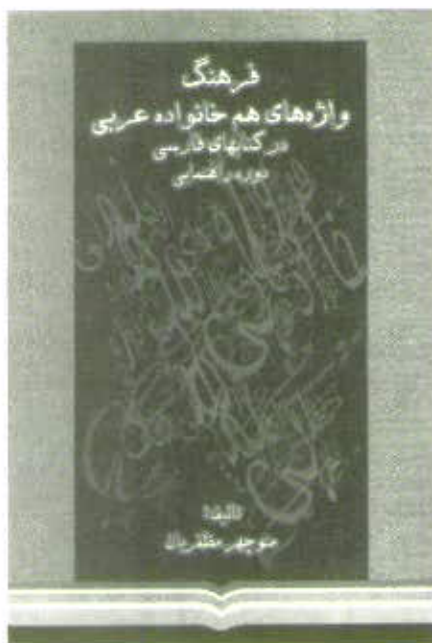
فارسی دوره راهنمایی در هر سه نوبت، بخصوص سال سوم، تجدید نظر شود و در صورت امکان، به صورت کتبی یا تلفیقی از هر دو انجام پذیرد.

امید است با سعه صدر و وسعت نظری که در تک تک شما عزیزان سراغ داریم، با این مهم موافقت فرمایید و به نحو شایسته‌ای به آن جامه عمل پوشانید تا انگیزه، و میل و رغبت بیش‌تری به زبان مادری ایجاد شود و بنیان بنای ادب فارسی در این مقطع نیز بیش‌از پیش مستحکم و استوار گردد و به حلقه‌ای تبدیل شود که مکمل و یار و یاور حلقه‌های دیگر باشد.

محمد رضا سنگجولی



# معرفی کتاب



نام کتاب: فرهنگ واژه‌های هم‌خانواده  
عربی در کتابهای فارسی دوره راهنمایی  
نویسنده: منوچهر مظفریان  
ناشر: نوید شیراز - ۱۳۷۹  
قیمت: ۷۵۰۰ ریال

در پیش گفتار مولف بر کتاب چسبی می‌خوانیم:

تنظیم فرهنگ‌ها و مجموعه‌های کمک‌درسی که معلم و دانش‌آموز را در کار دانش‌اندوختی یاری دهد و وصول به هدف‌های آموزشی را آسان سازد، کاری است که در همه کشورهای جهان معمول است و فقط باید به وسیله معلمان کارآموده انجام گیرد. چه، تنها این گروه هستند که با شناخت هدف‌های تربیتی و ارتباط مستقیم که با دانش‌آموز دارد، دشواری‌ها را در می‌یابند و راه حل‌های گوناگون به کار می‌برند و سرانجام به راهی درخور می‌رسند.

کتاب فرهنگ واژه‌های عربی در کتاب‌های فارسی دوره راهنمایی، بر اساس این تجربه آموزشی تنظیم شد که شناسایی دانش‌آموز با فو این اشتقاق و واژه‌سازی در زبان عربی، او را در شناخت معانی واژه‌ها توان می‌سازد. زیرا شناخت ریشه هر کلمه، همراه معنی قالب‌های آن، ذهن را تا حدود زیادی به معنی واژه نزدیک می‌کند و بی‌بهره‌گیری از حافظه که نتیجه‌ای زودگذر دارد و نامد درک و فهم، دایره واژه‌سازی

و شناخت معنی و املائی کلمات را گسترش می‌دهد و به خواندن و فهمیدن متن‌هایی فارسی، توان می‌سازد.  
نگارنده از سال ۱۳۵۵ که در دوره جدید عمر خدمتی خود، کار تدریس در دبیرستان غدیری و دانشسرای مقدماتی و راهنمایی شیراز را آغاز کرد دریافت که معنی و شناخت در این زمینه به معنی نیر مندند تا بی‌مراجعه به کتاب‌های لغت عربی که استفاده از آنها مستلزم مهارت در دانش صرف عربی است، بتواند مشکلات متداول هر واژه را شناساند و از این طریق حد و مرز معنی کلمات را بداند. مؤلفین کتاب‌های جدید فارسی دوره راهنمایی نیز به این شگردهای آموزشی توجه داشته‌اند و شناساندن واژه‌های هم‌خانواده عربی را یکی از زبان فارسی را در بخش تمرین‌های هر درس، مورد توجه قرار داده‌اند. در این مجموعه سعی شده

۱- از کلمه واژه‌های عربی به کتاب در راهنمایی تحصیلی و هم‌خانواده‌های آنها که در زبان فارسی متداول و به کار آید، معنی و تلفظ و شکل فارسی آمده و معنی آنها آورده شود.  
۲- برای هر لغت، ابتدا معنی عمومی و مصطلح در عربی، و سپس مفهوم متداول فارسی بیان گردد.  
۳- ضمیمه‌های بلند و جمع‌بسته‌ها و ساختمانهای گوناگون کلمات، ساختاری که در فارسی معمول است، آورده شود.  
۴- ترتیب تلفظ واژه‌ها، حتی تلفظ بر حسب فوالت‌های میزانی باشند، یعنی ابتدا مفرد و جمع اسم‌ها و سپس مصدر، مجرده و مزید با قالب‌های گوناگون.  
و در آخر نیز جهت سهولت در یادگیری واژه‌ها، فهرست الفبایی در آخر کتاب آورده است.







# سرگرمی

ترجمه حسن نصیرنیا  
.....

## برای اندیشه ورزی

### معماهای مبتنی بر تفکر « بافتاری »

« تفکر بافتاری » به شیوه‌ای از حل مشکل (معما) گفته می‌شود که فرد به جای استفاده صرف از راه‌حلهای متعارف، بیشتر از زاویه‌های متفاوت به آن بنگرد. در این شیوه، حل‌کننده مشکل (معما) ذهن را آزاد می‌گذارد، از تحلیل بهره می‌گیرد و با استفاده از دانسته‌های خود به راه‌حلهایی می‌اندیشد که در عین زیرکانه بودن، دور از ذهن و نامتعارف است.

یکی از ویژگیهای معماهای مبتنی بر تفکر بافتاری این است که بر خلاف معماهای سنتی و متعارف، اطلاعات کافی در صورت معماها نیامده است. از این رو، پدیدآورندگان معماها لازم دانسته‌اند که پس از صورت هر معما اطلاعات مکمل را با عنوان « رهنمود » بیاورند.

ویژگی و تفاوت دیگر بیشتر این معماها با معماهای سنتی و متعارف این است که هر معما بر اساس یک واقعیت علمی، اجتماعی، تاریخی، ورزشی، هنری و بنا نهاده شده است تا خواننده ضمن توان آزمایی فکری و اندیشه ورزی، دانش افزایی کند.



برخی از پژوهشگران و کارشناسان سرگرمیهای علمی که سالها در سطوح متفاوت آموزشی با دانش‌آموزان سر و کار داشته‌اند، بر این باورند که برانگیخته شدن ذوق و شوق دانش‌آموزان به علوم بیشتر ناشی از فعالیتهای جنبی و کمک آموزشی است تا برنامه‌های رسمی و کتابهای درسی. سرگرمیهای علمی و بازیهای آموزشی به سبب تأثیر خاصی که در ایجاد انگیزه دانش‌آموزان دارند، چندی است که در تعلیم و تربیت کشورهای توسعه یافته جهان در کلاسهای درس به کار گرفته شده‌اند.

با توجه به این واقعیت، استفاده از معماهای مبتنی بر تفکر بافتاری امکان خوبی فراهم می‌آورد تا دیران بتوانند در بخشهایی

از ساعتهای آزاد کلاس آنها را طرح کنند و از بکتواختی روند آموزش بکاهد. (م.م.)

### ۱- ورق‌زدن کتاب

دیروز کتابی را که پیشتر خوانده بودم، بار دیگر همه صفحه‌های آن را یک به یک دیدم و به شیوه خاصی از نظر گذراندم. پس از این که صفحه اول را تمام کردم، به صفحه ۲ رفتم. آنگاه کتاب را ۱۸۰ درجه چرخاندم. پس از دیدن صفحه ۳ به صفحه ۴ رفتم و کتاب را بار دیگر ۱۸۰ درجه چرخاندم.

این کار را به همین ترتیب تا پایان کتاب ادامه دادم. چه منظوری از این کار داشتم؟

( رهنمود: من این کار را کردم تا چیز خاصی به وجود آورم. این کار را می‌توانستم فقط در بعضی مکانهای خاص انجام بدهم. )

### ۲- قانونی که به تصویب نرسید

در کشوری برای تصویب قانونی « همه پرسى » (مراجعه به آرای عمومی) شد ولی آن قانون به تصویب نرسید. اگر گروه بزرگتری از مردم به آن رأی منفی می‌دادند، تصویب می‌شد. چرا؟

( رهنمود: در این همه پرسى بسیاری از مردم به آن رأی مثبت دادند و رأی گیری مطابق قانون و به درستی انجام شد. اگر مردمی که به این قانون رأی منفی داده بودند اندکی بیشتر بود، بی‌تردید به تصویب می‌رسید. اما اگر شمار مخالفان به مراتب بیشتر بود، رد می‌شد. )

### ۳- فروشگاه هفت زنگ

فروشگاه کوچکی در نیویورک به نام « هفت زنگ » وجود دارد. اما این فروشگاه در کنار در ورودی اش هشت زنگ آویزان کرده



است، چرا؟

(رهنمود: صاحت مغازه به راحتی می تواند عنوان سر در آن را عوض کند، ولی اگر هیچ می دهد که این کار را نکند. او هیچ اعتقاد خرافی در مورد اعداد ندارد. بسیاری از مردم این تفاوت را می بینند و به آن واکنش نشان می دهند.)

#### ۴. خشونت و تنبیه بدنی

از امارتین هیچ جرم یا جنایتی سر نزده است. اما دو سه نفر افراد متخصص دور او حلقه زده اند. یکی از اینها او را کتک می زند تا گریه کند. چرا؟

(رهنمود: مارش آرم تدرستی است. کسی که مارتین را می زند، می خواهد به او کمک کند. این کاری متداول و همه جاگیر است.)

#### ۵. آدولف هیتلر

در جنگ جهانی، یک سرباز بریتانیایی هیتلر را در حالی دید که به راحتی می توانست او را بکشد (هیتلر در تیررس او بود). چرا به او شلیک نکرد؟

(رهنمود: این مرد همان هیتلر واقعی بود که رایش سوم آلمان را هدایت کرد. در آن زمان آدولف هیتلر زنده بود و بعد از آن رویداد جنگ جهانی بار هم ادامه یافت. سرباز بریتانیایی نمی دانست که او هیتلر است. تازه اگر هم هیتلر را می شناخت، فرقی نمی کرد. تغییری در تصمیم او به خود نمی آمد.)

#### ۶. قلعه دست نیافتنی

چرا اکنون هیچ کس به برگرترین و مشهورترین کوه آتش فشان خاموش صعود نکرده است؟

(رهنمود: این قلعه در زیر آب نیست و از فراز زمین به خوبی دیده می شود. اما صعود به آن بسیار دشوار است.)

#### ۷. برادر سالوادردالی

جواه باور کنید، جواه باور نکنید، مدتی پس از مرگ سالوادردالی برادرش به عنوان نقاش سوررئالیست (و هم گرا) در دنیا مشهور شد. این برادر کوچک شهرت جهانی یافت و دنیا لقب «نابغه عالم هنر» به او داد. نمش دالی بود و ناپایان عمر آن را عوض نکرد. با این همه، امروز دنیا فقط یک دالی می شناسد و حتی شمار اندکی از مردم می دانند که او برادری داشته است. چطور چنین چیزی ممکن است؟

(رهنمود: سالوادردالی نقاش سوررئالیست (و همگرای) برجسته

است، اما برادر بزرگ او هرگز از این واقعیت آگاه نشد. این دو برادر یک وجه مشترک و مهم داشتند.)

#### ۸. استخوان ران

طی امتحان هوشی که در سالن تشریح انجام شد، استاد دانشکده پزشکی یک استخوان ران به دست دانشجوی خود داد و از او پرسید، چند استخوان ران داری؟ دانشجو جواب داد: پنج تا. استاد گفت، سه استخوان ران داری. اما دانشجو درست می گفت. چرا حق یا دانشجو بود؟

(رهنمود: دانشجو ندرست بود و هیچ نقص جسمی نداشت و بیشتر هم هیچ عمل جراحی انجام نداده بود. همه استخوانها که متولد می شوند، دو استخوان ران دارند.)

#### ۹. دو ساعت رومیزی

خانمی به مناسبت جشن آغاز سال نو، دو تا ساعت رومیزی به همسرش هدیه داد. اینها به اندازه کافی ساعت در خانه داشتند و همسر این خانم هم برای نقش و سازگرمی ساعت جمع آوری نمی کرد. با وجود این، از این که ساعت رومیزی هدیه گرفته بود، بسیار خوشحال بود. چرا؟

(رهنمود: ساعتی اهدای تریسی بودند و وقت را به خوبی نشان می دادند. این ساعتها فقط در مواقع خاص مورد استفاده قرار می گرفتند و هیچگاه این مرد به تنهایی از آنها استفاده نمی کرد. این مرد یک کار ذوقی خاص داشت که اوقات فراغت خود را با آن پس می کرد.)

#### ۱۰. اسرگردان و منتظر در اقیانوس

دو مرد در قابی در اقیانوس اطلس به فاصله صد ها مایل از ساحل سرگردانند. آنان در قایق نه آب خوردن دارند و نه سی سبزی و نه می توانند با هیچ قایق یا کشتی دیگری ارتباط برقرار کنند. با این حال آنان مدتهای طولانی می توانند زنده بمانند. چرا؟

(رهنمود: آنان به یک منبع آب شیرین دسترسی دارند. هیچ بارندگی نشده است و یخی هم در کار نیست که آب شده باشد. آنان در مکان خاصی از اقیانوس قرار دارند.)

#### ۱۱. تغییر پنجره ها

معماری خانه ای می سازد که بگ پنجره مربع شکل دارد. این پنجره دو متر طول و دو متر عرض دارد. هیچ پوششی روی این پنجره



قرار ندارد. سفارش دهنده این خانه (صاحب ملک) پس از تکمیل خانه در می یابد که این پنجره نامناسب است و نور کافی نمی دهد. از این رو، به معمار می گوید که پنجره را طوری تغییر بدهد که دو برابر اندازه کنونی نور بدهد. او تأکید می کند که پنجره جدید باید مربعی به طول ۲ و عرض ۲ متر باشد و در همین دیوار تعبیه شود. معمار چگونه می تواند سفارش او را انجام دهد؟  
(رهنمود: هر دو پنجره مورد نظر - پنجره قبلی و پنجره جدید - به شکل مربع کامل هستند. اما ظاهر هر مربع با مربع دیگر فرق می کند و مساحت‌های آنها نیز متفاوت است.)

### ۱۲- دستاورد چشمگیر باستانیان

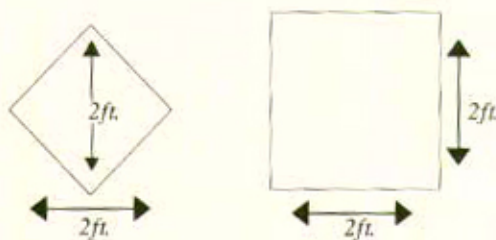
ما معمولاً خود را بسیار باهوش تر و با فرهنگ تر از مردمی می دانیم که در دوره های پیش از تاریخ، یعنی در «عصر سنگ»، «عصر آهن» و «عصر مفرغ» زندگی می کردند. اما مردان و زنان آن زمان موفق به انجام دادن کاری شدند که هیچ یک از مردان و زنان ۴۰۰۰ سال گذشته نتوانستند به چنان موفقیتی دست یابند. آنان چه کاری توانستند بکنند؟  
(رهنمود: کار آنان با توسعه خورد و خوراک مربوط بود. کاری که آنان انجام دادند، نیازمند هیچ نیروی خاص یا مهارت جسمی ویژه ای نبود. کار آنان به حیوانات مربوط می شد.)

### پاسخ معماها

- ۱- سرگرم کنی (تصویر) گرفتن از کتاب بودم.
- ۲- با این که ۳۵٪ مردم رأی مثبت و ۱۴٪ رأی منفی دادند، چون کل تعداد آرا (۳۵+۱۴=۴۹) به حد نصاب نرسید، قانون تصویب نشد. برای این که نتیجه همه پرسسی اعتبار داشته باشد، باید ۵۰ درصد از مردم در آن شرکت کنند. اگر ۱٪ دیگر از مردم در همه پرسسی شرکت می کردند و رأی منفی می دادند، قانون تصویب می شد.
- ۳- در اصل اشتباهی رخ داده بود، اما صاحب فروشگاه دریافت که بسیاری از مردم به مغازه او می آیند تا این نکته را به او یادآوری کنند و این سبب رونق کسب و کار او شده بود.
- ۴- مازتین کودک نوزاد است. پزشک متخصص با کف دست به باسن او می زند تا گریه کند و ریه هایش به کار افتد.
- ۵- این ظاهر ایک رویداد واقعی مربوط به جنگ جهانی اول است که در آن زمان هیتلر سرباز عادی بود و در ارتش آلمان خدمت می کرد. هیتلر در نبرد با متفقین زخمی شد و سرباز بریتانیایی که او را در این وضع دید، تصور کرد که اگر او را بکشد کار ناچوانمرادانه ای انجام

داده است.

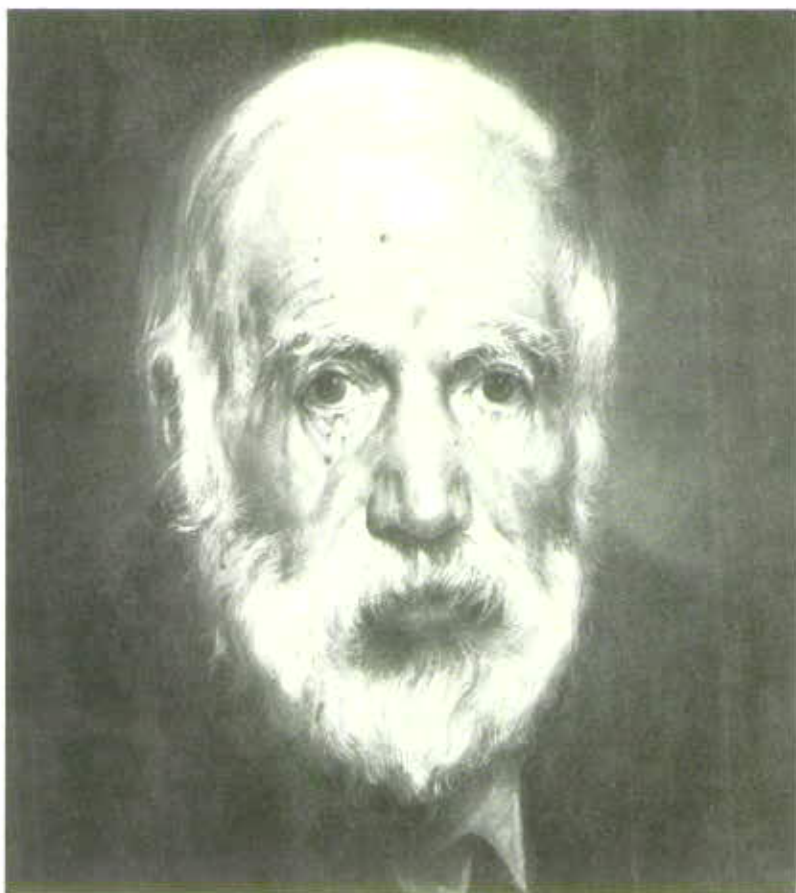
- ۶- بزرگ ترین و مشهورترین کوه آتش فشان خاموش «مونس آیمپوس» واقع در کره مریم است.
- ۷- سالوادردالی در ۷ سالگی مرد. نه ماه بعد، برادر دیگرش متولد شد که نام او را نیز سالوادز گذاشتند. این نوزاد، همان سالوادردالی است که بعدها به عنوان نقاش سوررئالیست (وهم گرا) شهرت جهانی یافت.
- ۸- این دانشجو، خانمی حامله بود. او خود دو استخوان ران داشت. فرزند متولد نشده اش هم دو استخوان ران داشت و یکی را استاد به دستش داده بود.
- ۹- این مرد از دوستان ران مشتاق بازی شطرنج بود. همسرش یک ساعت رومیزی مخصوص بازی شطرنج به او هدیه داد. در واقع، این نوع ساعتها شامل دو ساعت است که در یک قاب قرار دارد. در مسابقات قهرمانی شطرنج هر یک از این دو ساعت، زمان را برای هر بازیکن ثبت می کنند.
- ۱۰- آنها در نزدیکی مصب (حوضه آبریز) رود آمازون هستند. جریان آب در مصب رود آمازون آن قدر نیرومند و گسترده است که آب شیرین منطقه وسیعی از اقیانوس به عمق صدها کیلومتر را در بر می گیرد.
- ۱۱- پنجره ای که معمار بار اول در دیوار ساختمان کار گذاشته بود، مربعی به ضلع ۱/۴ و مساحت تقریبی ۲ متر بود. پنجره دوم هم مربع شکل بود، ولی هر ضلع آن ۲ متر و مساحتش ۴ متر بود.



- ۱۲- هیچ جانوری طی ۴۰۰۰ سال گذشته اهلی نشده است. نیاکان مادر عهد باستان گاو، گوسفند، اسب، گریه، سگ و ... را اهلی کردند.

زیر نویس:

1. lateral thinking
- 2: a) Robert, Arthurs, Dictionary of Psychology, 1985, N.Y.P. 373.  
b) BBC English Dictionary, Harper Collins Publishers Ltd, 1993, P.630



در طول تاریخ خوش نویسی، کمتر کسانی بوده‌اند که درک درستی از این هنر داشته باشند ولی هرکس توانایی این ادراک را بافت، توانست روش خاصی از خوش نویسی را در پی گیرد. بدین گونه خوش نویسی از خطاطی جدا شد؛ چه خطاطی، توانایی فنی و تکنیکی اجرای خط است و خوشنویسی حاصل درک هنرمندانه خوش نویسی است از خط، که علاوه بر اجرای اصول و قواعد خوش نویسی، نکاتی که نشان از صیقل درون، و باطنی متصل به حقیقت وجود دارد، دیده می‌شود، و استاد حسن میرخانی از زمره این خوش نویسان بود. در این مقاله نگاهی داریم به زندگی این هنرمند بزرگ و عارف معاصر:



# استاد حسن میرخانی

سهیلا سندی

خوش نویسان قدیم هر چه بودند، آشنایی با اصول و قواعد خوش نویسی، «استاد حسن» را در اجرای آگاهانه و اعتمادی می‌داد یعنی از استاد خط ساخته بود؛ آشنایی که به میرزا تمام اصول و قواعد را از آل خودش ساخته، و در اجرای کلمات، و خط هر چه تقسیم قلم‌ها، و ضعف و قوت هر چه... بصورت کامل در اثر او متجلی شده بود، اما این فقط در اجتهاد استادی بوده، شادابی و قوت حسی و ملاحظاتی به دنبال چیزی نداشتند، و در صورت کلمات

کتاب شاهنامه فردوسی، نخستین کتاب هنری وی بوده است. استاد حسن به هنر آموختن و ترویج خوش نویسی حسین میرخانی از همان آن کودکی به کنار پدر علاقه مند شده و پس از به تمام رساندن تحصیلات متداول، به آموزش خط نزد پدر مشغول شدند. پدر تنها آشنایی بود که آنها را تعلیم داد. اگر چه هر دو برادر در مشق عملی شاگرد پدر بودند اما در مشق نظری از استادانی چون مرحوم عمادالکتاب (م ۱۳۱۵ هـ. ش) و محمدرضا کلهر و دیگر

استاد حسن میرخانی از خوش نویسان شاعری است که طبع لطیف و ذوق شاعرانه او چراغ راه خوش نویسی اش گردیده است. وی در سال ۱۲۹۱ هـ. ش (ششمین ذی الحجه ۱۳۲۹ هـ. ق) در خانواده‌ای بهرانی و آشنا با فرهنگ و هنر اصیل ایرانی پا به عرصه هستی نهاد و از همان ابتدا شاهد زحمات پدر به هنگام کتابت بود. آقا سیدمرتضی یزغاسی، پسر وی از خوش نویسانی است که سالها نزد محمدرضا کلهر (۱۲۵۴ - ۱۳۱۰ هـ. ق) تلمذ کرده و

روزنامه کیهان

کنده و به باطن آنها را همنمایی کند. عواملی، استاد را در جهت به هدف رسیدن و گذر از صورت باری داد از جمله گرایش به عرفان. استاد درمی یابد که خط خود وسیله‌ای است برای وصال به حق، خط همچون عشقی مجازی، پلی است برای رسیدن به عشق حقیقی، در واقع خط مستمسکی است که می‌تواند او را از صورت گذر دهد و به حقیقت برساند. پس، همچون اجداد هنری اش، سلطانعلی مشهدی، میرعلی هروی، میرعماد و... که در خلوت به کتبه خط دست یافتند، به خلوت پناه می‌برد و از هر چه که صوری است دوری می‌گزیند؛ از ظواهر مادی دنیا به قناعت می‌رسد، برای درمان هجران صبر پیشه می‌سازد و برای رسیدن به وصال، تسلیم می‌شود و رضا به امر حق می‌دهد و حق هر چه در اختیار او می‌گذارد می‌پذیرد، نتیجه آنکه آرام آرام و به تدریج به رموزی آگاهی می‌یابد که خود

نیست جوشی در استاد حسن میرخانی پدیدار می‌سازد که گاه در قالب شعر و گاه به شکل خوش نویسی تجلی می‌یابد، در این باب خود چنین می‌فرماید:

اسرار خدا از تیزهوشان بشنو

از دیده وزان و عیب پوشان بشنو

مشور ز خمش دلان و برجوش لبان

از جوش دلان و لب خموشان بشنو

دیوان بنده ص ۲۹۰

عامل دیگر، بر خور داری استاد از طبعی شاعرانه و ذوقی لطیف بود، آثار خوش نویسانی که یا شاعر بوده‌اند یا طبعی شاعرانه داشته‌اند، نشان می‌دهد که خطشان از بیخ و تاب‌ها و اطواری برخوردار است که دل می‌برد، در صورتی که خط خوش نویسان ناشاعر فاقد چنین خصوصیتی‌اند.

این که چرا شعر این همه اثرگذار است و در خط رها می‌گذارد این است که در شعر و

نیز بر خور دار می‌گردد بنابراین خوشنویس شاعر هر دو وجه را دارد هم به باطن زبان دست یافته و هم از شهود مطلق برخوردار است، یعنی خطش مظهر تجلی شاعرانه او می‌شود. چنانچه استاد در این باب چنین سروده است:

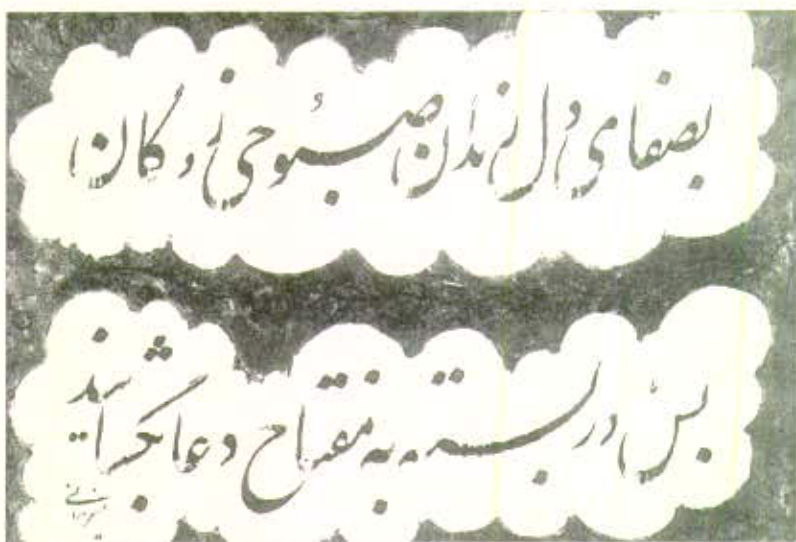
جز مفردات و دقت و صافی و زوردست

خط را هزار نکته باریک دیگر است

آگاه کم کسی بود از نکته‌های خط

گر صادقی ز بنده ترا نیک باور است

حاصل این همه زحمت استاد، صورتی بود که در خطش ظاهر شده بود در واقع حرکتی از صورت به معنا و تجلی معنا در صورت انجام یافته بود، که خطی متفاوت از دیگر خطوط با ویژگی‌هایی در شاکله هندسی کلمات، سطرها و صفحات نمود یافت، مثلاً آن که در کلمات استاد حسن کلمات دور بیشتری دارند در حالی که این دور در آثار استاد حسین (برادرش) و قدما کمتر دیده می‌شود و در کتابت، که تا آن روز به مسئله خلوت و جلوت و یا فاصله دار بودن کلمات تکیه می‌شد، استاد حسن صفحه و سطر پرتری را مدنظر قرار داد، یعنی فاصله دو



می‌فرماید:

صد شکر که دوست ز اهل ایمانم کرد

آگه ز رموز سر و عرفانم کرد

من در خور این قدر نبودم هرگز

او در خور فضل خویش احسانم کرد

دیوان بنده ص ۲۸۱

پی بردن به امراری که هر کس را بدان راه

برای القای معانی باید از صورت زبان به باطن زبان دست یافت؛ بنابراین هر قدر باطن شعر و معنای آن عمیق تر باشد نشان از نسبت وجودی شاعر با حقیقت وجود، دارد؛ یعنی اتصالی که شاعر با حقیقت وجود یافته است. هنرمند (خوش نویسنده) هم برای دست یابی به حقیقت از عوامل دیگری که شهود مطلق است



روزگار  
روزگار  
روزگار

سطر کتات در کتات ایشان کمتر است، و همچنین حالت گرمی مصاعف یا دو گرمی را در قصای حفظ یا کتابتشان رعایت می کردند. در سطر نویسی و یا منظومه ها، دقت استاد در انتخاب کلمات کشیده یا مدات دو چندان است طوری که مدات در جایی قرار گیرند که مرتبه ترکیب را کامل تر بکنند.

به طور کلی حرکت قلم استاد آنچنان نرم و ملائم و رقصان است که خصصت های اخلاقی و وجودی شان که حاصل یک عمر ریاضت و زحمت و سلوک و تربیت گوهر درون است در خط تبلور یافته و دارای شأن و صفایی است که ناشی از صفای درونی و اتصال به حقیقت است.

استاد، همین خصصت را در کلاس بست به شاگردان سپرد داشتند به طوری که بسیاری از شاگردان ایشان معترف اند که کلاس استاد، کلاس اخلاقی، شور و عشق و انسایت بود. محل کلاس استاد، اتاقی بود که رویه روی مسجد سپهسالار [امروزه شهید مطهری] قرار داشت. در این کلاس ها علاوه بر هنر حویان، علاقمندان به خط و خوش نویسی نیز می توانستند شرکت کنند و از محضر استاد بهره جویند. در من استاد بدون هیچ گونه چشمداشت مادی نسبت به هنر حویان همت شهریبه، ارائه می شد و حتی اگر گاهی یک علاقمند به خط از قطعه ای خوشش می آمد و به لحاظ مالی توانایی خرید آن را نداشت، استاد آن قطعه را در اختیار وی می گذارد و معتقد بود، «که خداوند تو را رسانده تا این قطعه را سبزی و من فکر نکنم زیاد کار کرده ام، جای قطعه که در دیوار خالی باشد مجبور به خلق اثر دیگری هستم» این مباحث طبع در کلیه امور زندگی استاد دیده می شد. استاد حسن و برادرشان استاد حسین از میان گذاران لاجم خوش نویسان ایران محسوب می شوند و شاگردان بسیاری

تربیت کرده اند که در حال حاضر مشغول تدریس در این لاجم هستند.

استاد حسن منقبت به سراج الکتاب، منخلص به بنده، کتب بسیاری را کتابت کرده اند، از جمله دیوان بنده که دیوان اشعار خودشان است و کتب دیگری مانند کلیات سعدی، مشنوی مولوی، خمسه سعدی، دیوان حافظ، زبدة الاسرار، دیوان موافق میرزا علی اکبر منقبت به موافق عینباشه نعمت الهی (چاپ سنگی)، پندنامه سعدی، گریه سعدی، گریه شمس تبریزی، دیوان وحدت، دویستی های باناطاهر، توحیح سدها، مشنوی شاه وصال، قصیده انصافیه صدر الافاضل، گلچین معرفت، ترجمه نفس المهموم، دوازده امام خواجه نصیر طوسی، متحبه المعة، خلاصه شرح مولانا و ... که حدود ۵۰ مجلد کتاب و جزوه می باشد، کتابت کلیات سعدی از نظر خود استاد بهترین اثر ایشان است. این آثار در خلوت و تنهایی استاد به انجام رسیده است و بقول خودشان گنج های است که در خلوت به دست آمده اند.

گنج بی رنج هیچ دانی چیست  
کنج خلوت کنار تنهایی  
از من این یادگار گوش بدار  
که بود یادگار تنهایی

دیوان بنده ص ۲۶۴

و سرانجام وصال برهراق فانی آمد و در روز ۶ آذر ماه ۱۳۶۹ عاشق استاد) به معشوق (حق) پیوست. مقبره وی در شهر ری «امرازه عبدالله» می باشد.

از کار جهان عشق تو آموختمی  
پیراهن صبر در غمت دوختمی  
گفتی که سوز در فراقم شب و روز  
آموختمی، دوختمی، سوختمی

دیوان بنده ص ۲۹۱

شاگردان استاد، جهت یادگاری و تمایزشگاهی از خطوط ایشان و استاد حسن - که بیشتر سر مشق های کلاسی بودند - کتاب دادند که این نمایشگاه ۲۷ دیماه ۱۳۷۹ در موزه رصده عیسی تشکیل شد. در این جلسه ای از استاد که نشان از وسعت و جاد او بود می آوری!

«رحمت الهی دریایی است بی نهایت که هر کس به قدر رحمت از آن برخوردار گردد، گردد.»

دیوان بنده ص ۲۶

منابع و مأخذ

دیوان بنده، استاد حسن مرحوم، چاپ اول، ۱۳۷۸

چاپخانه روزنامه فارس

مصاحبه با استاد حسن مرحوم، شهید و هنرمند، ص ۱۳۶۴

مصاحبه با استادان دانش روز



روزنامه انصاف



# معرفی

# کتاب

نام کتاب: فعالیت های لذت بخش در زیست شناسی

نویسنده: ژانیس و انکلیف

ترجمه: حسین الوندی

ناشر: انتشارات مدرسه، ۱۳۷۹، ۲۲۲ صفحه.

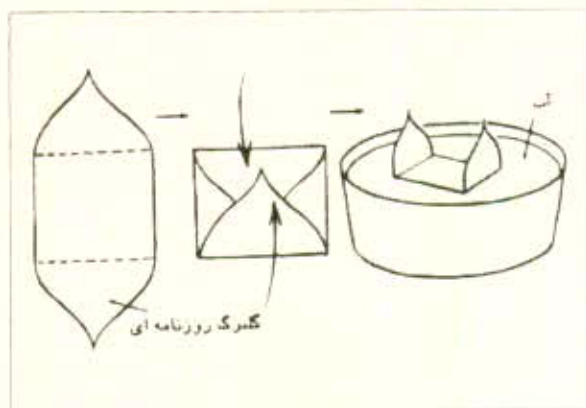
قیمت: ۸۸۰۰ ریال

تعامل در یک اکوسیستم باز، و سرانجام در قسمت بدن انسان آزمایش هایی درباره عمل تنفس آدمی، آنزیم های گوارشی، تغییرات غذا در گوارش، تنفس سلولی و ... آمده است.

لازم به یادآوری است که مقاله «تأثیر آب بر فشار تورژمنانس» که در شماره گذشته آن را خواندید از آزمایش های بخش گیاه شناسی این کتاب است. آن مقاله را مترجم آن قبل از انتشار کتاب در اختیار مجله قرار داده بودند که همراه با عکس هایی چاپ شد. با این حال تصویری نیز در رابطه با آن مقاله وجود داشت که به علل فنی به چاپ نرسید؛ لذا اکنون آن را در اینجا درج می کنیم. امید است در تکمیل علمی مطلب مفید واقع شود.

کتاب فعالیت های زیست شناسی در سه بخش گیاه شناسی، جانور شناسی و بدن انسان، دارای مجموعاً ۲۹ آزمایش، ۵ پوست و یک واژه نامه است و چنان که مؤلف در پیش گفتار گفته است: «این کتاب ایده ای درباره تدارک و طراحی پروژه های علمی در اختیار خواننده قرار می دهد.» از این رو می تواند مورد استفاده دبیران علوم تجربی و دانش آموزان علاقمند به فعالیت های علمی و عملی در زمینه علوم قرار گیرد.

برای آگاهی بیشتر شما یادآور می شویم که در بخش گیاه شناسی آزمایش هایی درباره دانه، مواد غذایی موجود در خاک، عوامل محیطی رویش دانه ها، رشد بدون خاک یا هیدروپونیک، تأثیر آب بر فشار تورژمنانس، تولید مثل غیر جنسی، برتری نوک ساقه، دستگاه انتقال مواد، جهت رشد در گیاه، زمین گرایی، نورگرایی، فتوسنتز و کروماتوگرافی انجام خواهد داد. در زمینه جانور شناسی آزمایش هایی درباره این موارد ارائه شده است: کرم های حلقوی، رشد باکتری ها، غذا، تنفس در جانداران، دگرذیبی مگس سرکه،



آموزش زیست شناسی

## EXERCISES

1. Put one of the given words in each space:

propellers, setew, knots, per, loaded.

- (a) The jet plane was travelling at 600 \_\_\_\_\_.  
(b) The notice said, "Keep clear of the \_\_\_\_\_." So we sailed away from the big ship.  
(c) Long ago nobody was allowed to drive a car at more than four miles \_\_\_\_\_ hour.  
(d) The two pieces of wood were fastened together with only one \_\_\_\_\_.  
(e) As soon as the ship was \_\_\_\_\_, it sailed away.

2. Write the following numbers in words:

- (a) The year 1835; (b)  $7\frac{1}{2}$ ; (c) 6,080; (d) 70; (e)

The year 1752.

3. Notice: *It was going SO fast THAT he was surprised.* Complete these sentences, showing the results.

- (a) The floods were so great that ...  
(b) The irrigation canal was so narrow that ...  
(c) The magnetism was so weak ...  
(d) The laboratory was so big ...  
(e) The battery had so few cells ...

4. Join the following sentences using *which, who or whom*.

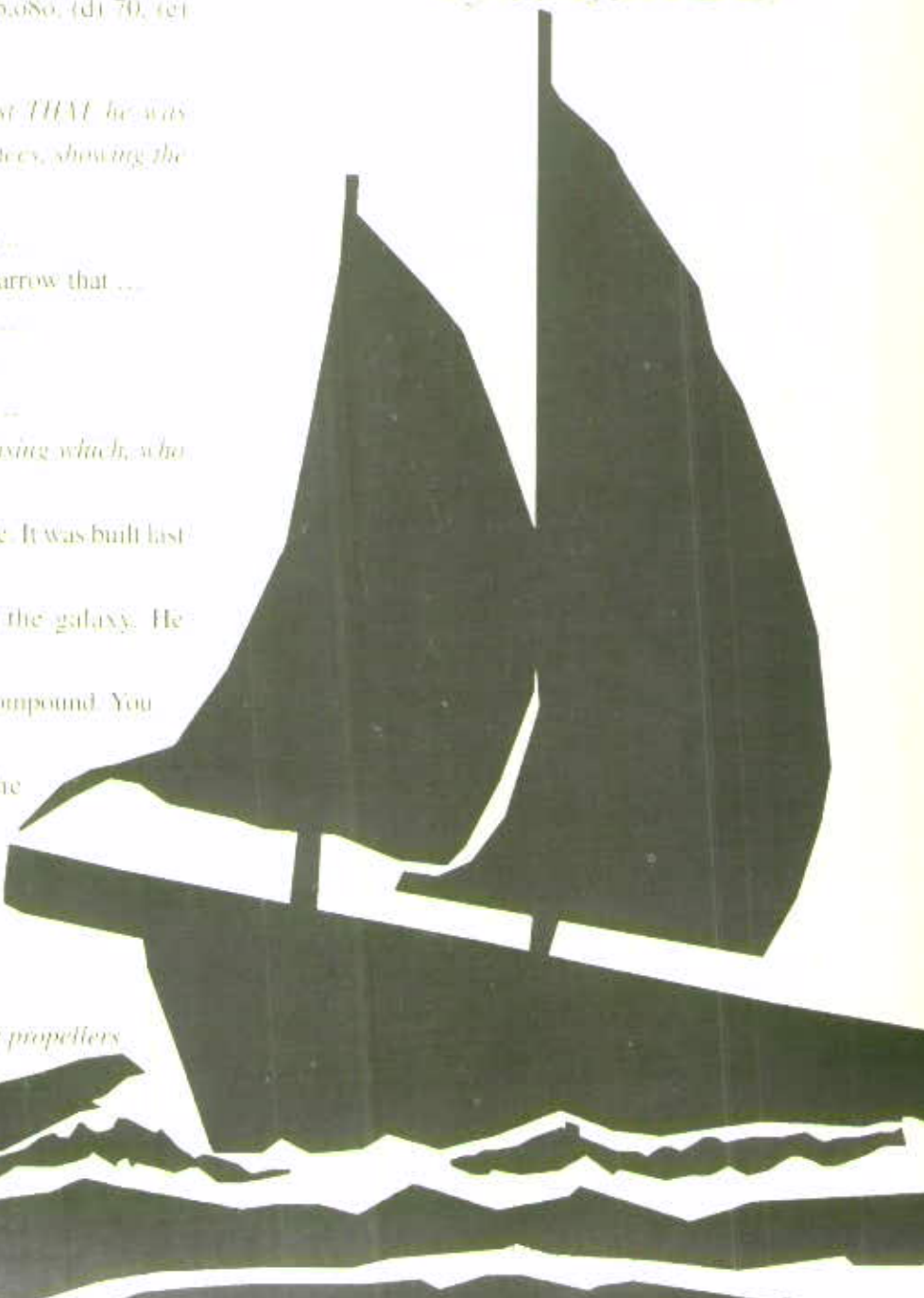
- (a) The dam was made of concrete. It was built last year.  
(b) The astronomer described the galaxy. He understood it best.  
(c) The chemist examined the compound. You spoke to him yesterday.  
(d) The chemist examined the compound. We gave it to him yesterday.  
(e) He is studying several subjects. The most difficult of them is mathematics.

5. Notice: *Ships' propellers = the propellers of a ship.*

Write the following sentences without using *of*:

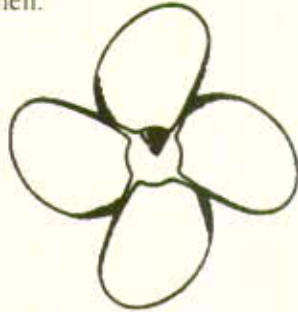
- (a) The engines of this aircraft have broken down.  
(b) The two telescopes of the astronomer have been repaired.  
(c) The two telescopes of the astronomers have been repaired.  
(d) The clothes of the chief engineer are always clean.  
(e) The vessel of the chemist is made of glass.

1. اكتب الأعداد الآتية بالكلمات:  
(أ) سنة 1835 (ب)  $7\frac{1}{2}$  (ج) 6,080 (د) 70 (هـ) سنة 1752





All big ships are now driven by engines of some kind, and usually by steam engines or oil engines. These turn the propeller, which is in the water at the back of the ship. It is in the form of a screw. When it turns, it pushes the ship forwards just as a wood-screw goes forwards into a piece of wood when it is turned. Our present propellers are the results of experiments made about 1835; but the idea was not new then.



**Bernouilli** was a Swiss scientist who described a screw for ships in 1752, but he could not make any real tests. At that time there were no good engines for ships, and his idea remained only an idea.

Seventy years later the same idea was again in the minds of engineers. An Austrian, **Ressel**, built a small ship at Trieste. It had a long screw at the back which drove the ship forwards at about  $7\frac{1}{2}$  knots. One knot is a speed of 6,080 feet per hour. Some modern ships travel at 30 knots, and so  $7\frac{1}{2}$  knots was not very fast. But the screw did its work, and Ressel was pleased. His experiment did not fail completely; but unhappily there was an explosion in the ship's engines, and after that Ressel did not try again.

In 1836 an Englishman, **Francis Pettit Smith**,

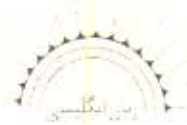
had a ship, the Archimedes, which had a metal screw at the back. It was too long in fact; but at that time engineers knew little about ship's propellers.

The Archimedes was tested in 1838, and everybody was pleased when it moved forwards. It had reached a speed of 4 knots when suddenly a loud noise was heard. Smith stopped the engine and went to look at the screw. A bottle had got under it and had broken half of it off; the other half remained, but Smith was not sure that he could reach land again.

He could not just stay there, and so he started the engine again to see what would happen. The ship began to move slowly. The broken screw was not useless! Smith was pleased; but soon the ship was going so fast that he was very surprised.

Smith had made a discovery a bout screw worked well. Later he discovered that a short screw worked better than a long one. With a short one the Archimedes reached a speed of 13 knots, and it once sailed from Portsmouth to Oporto (Portugal) in 70 hours.

Today most big ships are driven by propellers. These are turned by oil engines in modern ships. Oil can be stored more easily than coal, and it can be put on board through pipes. Coal has to be moved by cranes or men, so that loading it is slow and dirty. On the whole oil is the better fuel of the two.



# A Ship's Propeller

ادور رسل

# چرا تاریخ می آموزیم؟



دکتر عیسی صدیق

این که در شهنامه‌ها آورده‌اند  
تا بدانند این خداوندان ملک  
رستم و رستم‌نار استغفار  
کز کسی خلق است دنیا نازگار

سعدی

مدافع شخصی و مناصب دینی موفقی را بر مصالح عمومی ترجیح داده‌اند و تسلی و بی‌حسی و بی‌گناهی پرستی را شعاع خود ساخته‌اند. ما مورخان نیز این قرار می‌گیریم.

## فواید اخلاقی آموختن تاریخ

تاریخ درس اخلاق و کوشش و کار است. وقتی دانش‌آموز ملاحظه می‌کند که در صفحات تاریخ، همه‌جا از دانشمندان بزرگه و بیکو کاران و خدمتگزاران واقعی کشور همه جا تمجید شده و نام آنان پیوسته به یکی یاد شده است، مساعی خود را به کار خواهد برد که آن اشخاص بزرگ را سرمشق اعمال و اخلاق خود قرار دهد و به آنان نامی جوید.

برای آموختن اخلاق، معلم باید کشور دست‌نهاد تاریخ ایران عقلمت کند. چه تاریخ کشور ما پر است از دلایری و افتخار و جلال شری و ایثار. در واقع اگر این ایثارها و از جان گذشتگی‌ها نبود امروز هم آسی از ایران نبود. چه درس اخلاقی مؤثرتر و چه مایه امیدواری قوی‌تر از این که شاگرد بداند که پس از چیره شدن اسکندر و تجربه شدن ایران با دستگ میهن ما به دست اشکانیان و ساسانیان ازادی خود را بازیافت؛ و با بعد از اسلام، پس از تسلط خلفای بنی امیه و بنی عباس، ایرانیان از پانزدهم به دست دودمان‌های چون صفاریان، سامانیان و آل بویه، استقلال خود را بازیافتند و همچنین پس از غلبه مغولان و ویرانی کشور، سرانجام شخصی چون شاه اسماعیل صفوی ظهور کرد و وحدت ملی ایران و ایرانیان را تجدید کرد.

یکی از درس‌های بزرگی که تاریخ به ما می‌آموزد این است که نباید

برای پرورش قوای روحی دانش آموز و تهذیب اخلاق و تقویت وجدان او و بیدار کردن حس وطن دوستی در وی، آموختن تاریخ به تنها سودمند است. سبب آموزش تاریخ چگونه قوای روحی را پرورش می‌دهد.

آدمی طبعاً کنج‌گاو و مایل است بداند کشوری که در آن متولد شده و زیست می‌کند در فواید گذشته چه صورتی داشته و وضع آن از چه قرار بوده است. تاریخ، علم یا درسی است که این حس کنج‌گویی را فرومی‌شاند و مشاییدیش نهادها و مؤسسات اجتماعی و طرز زندگی و آداب و رسوم ملت یا ملت‌ها را روشن می‌سازد. اطلاع بر این احوال همیشه و همه جا کمک بزرگی است برای تقویت حافظه و افزودن بر دانستی‌های فرد. از این گذشته، قوه تحلیل، نیز از حوالت تاریخ پرور می‌شود زیرا برای فهمیدن تاریخ شاگرد مجبور است پوسته تحلیل خود را به کار اندازد و گذشته را در خاطر خود محسوس کند؛ و بالاخره تاریخ قدرت تسمیر و تشخیص فرد را نیز بالا می‌برد و آن را به کار می‌اندازد. وقتی مثلاً معلم حوادث را همان‌طور که واقع شده نقل می‌کند و غافل از اسباب آنها زانکه می‌سپارد و نیز عوامل آن حوادث یعنی اشخاص تاریخی را نام می‌برد، دانش آموز درباره آنان حکم یا قضاوت می‌کند؛ یعنی بعضی را می‌ستاید و نسبت به آنان مهر می‌برد و برخی را مورد انتقاد قرار می‌دهد و از آنان متنفر و بیزار می‌شود.

در نتیجه کسانی که برای عظمت و بقای ایران و پیشرفت و اصلاح امور کشور فداکاری کرده و وجود خویش را در راه میهن نثار کرده‌اند برای او سرمشق زندگی می‌شوند و بر عکس شخصیت‌ها یا مردمانی که

آوردن تصویرها به کتابخانه



دکتر عیسی صدیق

این باشد یعنی معلم هواداری دسته‌خاصی را نموده میل باطنی و اعتقاد سیاسی خود را در آموختن تاریخ و مدح و قدح اشخاص دخیل سازد فرزندان مملکت را به نفاق و خلاف حقیقت کشانده و برخلاف وظیفه معلمی خود رفتار کرده است.

در آموزش و تدریس تاریخ، معلم - نسبت به بیگانگان - نباید یک طرفه

قضاوت کند و به اصطلاح تنها به قاضی برود. البته تاریخ باید مهر میهن دوستی را ایجاد کند، ولی نه از راه تولید کینه نسبت به بیگانه. تاریخ باید نسبت به همه عادل باشد؛ نه محاسن و فضایل را در خودی و بیگانه انکار کند و نه همه چیز خودی و بیگانه را بستاید. وقتی بدین ترتیب تاریخ را آموزش بدیم میهن دوستی در دانش آموز استوارتر و قوی‌تر خواهد شد. آن‌گاه دانش آموز خواهد آموخت که همه کشورها به اندازه ایران صلح جو و بی‌آزار نیستند و بنابراین تازماتی که حق و عدالت بر روابط میان ملل فرمانروا نیست کشور ما باید خود را همیشه قوی و زورمند نگاه دارد تا بتواند هستی خود را حفظ کند.

### فهم تاریخ

در فهم تاریخ و آموختن آن یک نکته بسیار مهم باید همیشه در نظر باشد و آن این که به مرور زمان تنها مؤسسات و سازمان‌ها و ابنیه و عمارات دگرگون نمی‌شوند بلکه افکار نیز تغییر می‌کند. از این رو نباید افکار و احساسات قرن‌ها و سال‌های گذشته را از دریچه چشم مردم امروز نگریست و بر اساس آنها حکم کرد.

معلم باید دارای ارواح متعدّد بشود. به این معنی که برای مطالعه تاریخ هر عصری، خود را دارای روح همان عصر کند و حوادث و اشخاص را از دریچه چشم مردم آن عصر ببیند و حکم کند و این اختلاف قرن‌ها و عصرها را به شاگردان بفهماند. به گفته یکی از مورخان، آسان‌ترین راه برای این که تاریخ مخالف با واقع بشود این است که به مردمان گذشته افکار و عقایدی را نسبت دهند که مردمان امروز دارا هستند. شمع آجین کردن مردم و دم توپ گذاشتن، و در دیگ جوشاندن محکومین که تا پیش از عصر مشروطه در کشور ما معمول بوده گرچه کاری است زشت و امروز غیر قابل قبول - و در انسان تولید انزجار می‌کند ولی در مردم آن روز چندان که امروز شنیع است ایجاد نفرت و اشمئزاز نمی‌کرده است. همچنین ازدواج با خواهر و دختر که در زمان ساسانیان معمول بوده، امروز در نظر ما عملی مخالف طبیعت و مذهب و اخلاق است و عملی است شنیع، ولی در آن عصر توجه به پاهی خون داشتند و

تدریجی است و نباید از کندی پیشرفت ناامید شد و از مخالفت و سرسختی عوامل موجود مأیوس گردید؛ بلکه باید کوشید و وسایل تکامل را فراهم کرد. زیرا ارتقا و تکامل، به قضا و قدر نصیب یک ملت نمی‌شود. تنها اراده و کار ممکن است وی را در این راه بیندازد.

درس دیگری که تاریخ از نظر اخلاق می‌دهد، عبرت گرفتن از گذشته برای آینده است. اگر مثلاً به تاریخ کشور خود نگاه کنیم می‌بینیم در دوره‌هایی، به سبب جور و جفایی که پلدر و مادر و آموزگار نسبت به طفل روا می‌داشته‌اند سبب شده‌اند شخصیت او محو شود. روشن است که در نتیجه چنین تربیتی هر شخصیت زورمندی نیز فرمانبردار و به تعبیر دیگر ذلیل می‌شود و در مقابل دشمن از خود پایداری و ایستادگی نشان نمی‌دهد. در اثر این گونه تربیت است که می‌بینیم ملت ایران از آغاز تاریخ خود تا امروز حداقل یک سوم روزگار خود را تحت سلطه بیگانه زندگی کرده و سلسله‌هایی چون سلوکیه (قبل از اسلام) و بنی امیه و بنی عباس و مغول (بعد از اسلام) بر او فرمانروایی کرده‌اند. از این رو متنبه می‌شویم که روش پرورش و آموزش ما باید دگرگون شود تا در آینده کشورمان دچار بلیات و ناکامی‌های گذشته نشود.

### میهن دوستی

آموختن تاریخ بیشتر از این حیث ضرورت دارد که کشور را به فرزندان خود می‌شناساند، مهر میهن را در دل آنان ایجاد می‌کند، خدمات مردان بزرگ و وطن را معرفی می‌کند، حوادث گذشته مملکت را نقل می‌کند، دوران با عظمت و افتخار و اوقات تیره بختی و نکبت نیاکان ما و امبدهایی که داشته و کامیابی‌ها و پیروزی‌هایی که حاصل کرده و ستم‌هایی که کشیده و رنج‌هایی که برده‌اند را بیان می‌کند. درس تاریخ به ما می‌آموزد که در قرن‌های گذشته نسل‌هایی که آمده و رفته‌اند برای معاونت یکدیگر اقدام کرده‌اند و هر نسل کار نسل پیش را پی کرده و نسل‌های متوالی دست به دست یکدیگر داده و وطن را به ترتیبی که اکنون هست به ما تحویل داده‌اند و اکنون ما باید خدمات آنها را دنبال کنیم و کشور را بهتر از پیش به فرزندان خود بسپاریم. درس تاریخ باید به دانش آموز نشان دهد که برای ارتقاء و تکامل و نیک بختی و کامیابی باید متحد و متفق شد و نیز باید تحمل کرد که دیگران عقاید و آراء مختلف داشته باشند و بتوانند آنها را ابراز کنند.

### دوری از تعصب

تمام فایده‌هایی که برای تاریخ ذکر شد در صورتی است که معلم، تنها حقایق را برای دانش آموزان خود بیان کند و احتیاط نماید که به واسطه هوا و هوس و کم اطلاعی از راه راست منحرف نشود و مخصوصاً دچار تعصب نگردد. هواداری نکردن باید نسبت به خودی و بیگانه هر دو رعایت شود.

تاریخ باید هر کس را از مردان و زنان کشور سزاوار ستایش است مدح کند و هر کسی را هم که مرتکب خط و خطا گشته اعلام نماید، بدون این که رعایت اشخاص و خانوادها و دسته‌ها بشود. اگر غیر از

تاریخ و هواداری

معتقد بودند برای این که خون پاک بماند از خانواده نساید خارج شود. بنا بر این جای تعجب نیست که مثلاً بهرام چوسه خواهرش گردیه را به زنی برگزیده باشد.

## انتخاب مطالب درس

حوادث تاریخی مفصل است و راجع به عصر معینی، نمی توان از یک ساعت تا یک ماه، شاگردان کلاس را مشغول کرد ولی در مدرسه که دانش آموز باید با یک دوره تاریخ ایران و یک دوره مختصر تاریخ جهان آشنا شود، نمی توان به جزئیات پرداخت، علاوه بر این که تمام جزئیات سودمند هم نیست. از این جهت باید تنها قسمت هایی را انتخاب کرد تا آنچه از آموختن تاریخ منظور است حاصل شود. مهم ترین نکته هایی که در انتخاب مطالب درس تاریخ باید مورد توجه باشد از این قرار است:

### ۱- پرهیز از تفصیل

معلم باید از تفصیل بی مورد خودداری کند و مثلاً لازم نیست روی ذکر نام و سال و حادثه ای که تاریخی نیست و یا عصر های تاریخی را به هم وصل نمی کند تکیه کند. یا مطلقاً را گوید که کمکی به روشن شدن تاریخ آن عصر نمی کند. در هر دوره تحصیلی (دستان، راهمایی، دبیرستان) باید آن قسمتی از تاریخ را آموخت که معروف و واقعی مردان بزرگ و عصر های مهم باشد.

### ۲- توجه به تاریخ فرهنگ

به نظر شما معلم کدام جنبه از تاریخ ایران را باید بیشتر مورد توجه قرار دهد و بر آن تاکید کند؟ همواره در ایران تصور می شده هنوز هم می شود که تاریخ تنها آموختن نام پادشاهان و یکی دو جنگی است که در زمان آنها واقع شده است. از همین جهت قناعت کرده اند به یاد دادن و حفظ کردن نام شاهان و شهریاران و امیران، و حال آن که این نوع درس جز بر کردن حافظه و خسته کردن شاگرد سودی ندارد. در آموختن تاریخ باید بیشتر به آن جنبه پرداخت که سیمای واقعی مردم و کشور را در زمان گذشته نشان دهد؛ از قبیل طرز زندگی مردم، وسایل گذران و آداب و رسوم آنها، سازمان آموزش و پرورش و علوم و ادبیات و هنر های ریبا و راهها و پیشه ها و کارها و آسایش یا مباحثی ملت و میزان آزادی و امنیت و عدالت و طبقات خلق و حدود آنها.

### ۳- اختصار گزارش جنگ ها

نکته دیگری که معلم در آموختن تاریخ باید رعایت کند این است که تاریخ تنها عبارت نیست از شرح جنگها و پیمان هایی که در پایان آنها بسته شده است. از این رو نباید قسمت بیشتر وقت را به شرح و بسط دادن به جنگ ها و وقایعی که ضمن آنها روی داده است صرف کرد. البته بعضی از جنگها موجب تغییر مسیر تاریخ و موجد تمدن جدید و عصر تازه شده است و در واقع «نقطه عطف» در زندگی یک ملت یا قوم است، که شاگرد باید قهر آن را بداند ولی این امر نباید باعث شود که تاریخ را محصور کند به ذکر نام پادشاهان و شرح جنگ هایی که آنان کرده اند، مثلاً جنگ اسکندر و داریا جنگ یزدگرد با اعراب (نهایند)، جنگ ابو مسلم خراسانی با

مروان، آخرین حلیفه اموی، جنگ سلطان محمد جوهری مشه با چنگیز خان مغول، فتح قسطنطنیه به دست عثمانیان و بالاخره شکست ناپلئون در واترلو (بلژیک) جنگ های مهم و سروشست سارانی است که باید بدانها در آموزش تاریخ توجه کرد. اما جنگ های بی اهمیتی که میان سلسله های کوچک واقع شده چه اهمیتی دارد که لازم باشد در آموزش تاریخ به آنها توجه شود؟

## اهمیت نقشه در آموزش تاریخ

یکی از وسایلی که برای فهمیدن تاریخ لازم است نقشه جغرافیاست که اتفاقاً در مدارس بسیار کم به آن توجه می شود. حتی دیده می شود، معلم و دانش آموز به نقشه های موجود در کتاب درسی هم اهمیت لازم را نمی دهند. در حالی که برای نشان دادن حدهای ایران در عصر های مختلف و تصویر نمودن میدان های جنگ هایی که در اوضاع ایران اثر کلی داشته، برای نشان دادن مسیر هایی که قبایل و حشی بر آن هجوم به ملل دیگر می آورده اند، برای جلوه دادن خط سیر تمدن یونان و تمدن اسلام و تمدن ایران، و برای نمایش دادن جای شهر های مهم و قطب های زندگی مردم و بسیاری امور دیگر، استفاده از نقشه در کلاس ضروری است. این ضرورت در حدی است که بویژه در دبیرستان اگر نقشه هم موجود نباشد معلم باید خودش نقشه مورد نظر را روی تخته کلاس بکشد و عقرب را به شاگرد بدهد و اگر به درس بی نقشه میمهد خواهد بود. دانش آموز از آن بهره لازم را نخواهد برد و در حافظش به آسانی ضبط نخواهد شد.

## توجه به آثار ملی و باستانی

یکی از چیز هایی که شاگرد در اثر غیب به فهمیدن و یاد گرفتن تاریخ می کند، یادگار های تاریخی و آثار ملی است که در پیرامون مسکن وی قرار گرفته است. این یادگاری های تاریخی اگر به دانش آموز نشان داده شود، تا آنچه در کلاس برای او گفته شده در نظرش محسوس کرده و تاریخ برایش محسوس و عینی شده و مردمان گذشته در نظرش زنده می شوند و در نتیجه درس را هم بهتر می فهمد و هم بهتر به خاطر می سپارد. در کشوری چون ایران که در هر نقطه کم و بیش آثاری از قبیل بنا های تاریخی و کاخ و مسجد و مدرسه و قلعه و پل و جسدق و آرامگاه و کتابخانه و کاروان سرا و بقعه و خانقاه یافت می شود این امر حائز اهمیت بسیار است و معلم باید این امر را رعایت شمرده و پررنگترین استفاده را از آنها بکند.



آموزش در خانه

در شهرهایی که در آنها موزه دایر شده این فرصت دوچندان است و می توان مجموعه مفصلی از آثار تاریخی را که به شیوه علمی در یک جا گردآوری شده، در معرض دید و آموزش دانش آموزان قرار داد.

## آموزش تاریخ و فیلم های سینمایی

یکی دیگر از وسایلی که آموختن و فهمیدن تاریخ را آسان می کند فیلم های سینمایی (یا کارتون) است. در آمریکا و اروپا به اهمیت این مسئله پی برده و فیلم های گوناگونی برای نشان دادن بعضی از حوادث مهم جهان تهیه کرده اند که بسیار جالب توجه و دلکش است. برخی از این سوانح که عشق و دسیسه نیز چاشنی آن شده چون داستان کورش و استر و آزاد شدن قوم یهود، داستان آنتونی و کلئوپاترا، جنگ های صلیبی، جنگ واترلو، به حدی جالب توجه است که با یک بار دیدن برای همیشه در خاطر نقش می بندد. حتی برخی از نمایشنامه های بزرگ چون رومئو و ژولیت، اتللولی مغربی و یا هملت شکسپیر را به صورت فیلم در آورده و در سینماها به نمایش در آورده اند.

در ضمن هر یک از این فیلم ها نه تنها قسمتی از تاریخ زنده و جاندار می شود و دانش آموز می تواند مردان و زنان، و به طرز کلی شخصیت های تاریخی را، به چشم ببیند، بلکه آداب و رسوم، لباس، طرز نشست و برخاست، ترتیب زناشویی، جنگ و آشنی... را مشاهده می کند و تاریخ را به تمام معنی درک می نماید.

## روش آموختن

علاوه بر نکاتی که گفته شد معلم تاریخ باید مطالبی را که تعلق به سن و فهم و هوش شاگردان آن کلاس دارد در نظر گیرد و هنگام آموختن آنها را رعایت کند.

نخست این که کودک و حتی نوجوان نمی تواند دقیقاً بفهمد زمان چیست، و لذا قرن های گذشته را با هم فرق نمی گذارد. مثلاً قادر نیست ادراک کند که میان اردشیر بابکان، جلال الدین خلکشا و کریم خان زند چند سال فاصله است و شاید مثلاً تصور کند که پدرش در زمان ساسانیان می زیسته است.

برای رفع این نقیصه باید عکس ها و تصویرهایی به دانش آموزان نشان داد که مردمان روزگار گذشته را با لباس و عمارات و اثاثیه و طرز زندگی آنها نمایش دهد و اختلاف عمده آنها را با یکدیگر و با مردم امروز به طور محسوس روشن سازد. البته تصویر مجسمه ها و تصویر نقش های برجسته که وزارت فرهنگ (سازمان میراث فرهنگی) از روی آثار ملی تهیه کرده تا حدی به این منظور کمک می کند ولی لازم است عکس ها و تصویری خاص آموزشی تهیه شود و در دسترس مدارس قرار گیرد.

دیگر این که معلم باید بداند آن درس تاریخی که خشک و ساده باشد و دانش آموزان را به شور نیاورد و بر نیانگیزد خسته کننده است و چه بسا موجب تفر او از این درس، برای همیشه خواهد شد.

باید کاری کرد که دانش آموز تاریخ را با میل و رغبت بخواند و فراگیرد

و بدین مقصود باید اولاً از نقشه جغرافیایی زیاد استفاده کند. ثانیاً عکس ها و تصاویر تاریخی، چه بناها و چه شخصیت ها، را هر چه بیشتر به کلاس ببرد یا از بچه ها بخواهد تهیه کنند و بیاورند. ثالثاً دانش آموزان را به دیدن یادگارهای تاریخی هر محل ببرد و بخشی از برنامه درسی را که مربوط به آثار ملی و محلی است بیشتر پیوراند. این بنا می تواند یک مدرسه قدیمی، یک محله، یک بقعه، یک امامزاده، یک برج کیوتر، یک پل و مانند اینها باشد. زابعاً معلم تاریخ باید تا حد امکان داستان ها و افسانه های شیرین را که حاکی از عادات و اخلاق و رسوم و تمدن هر عصری است در کلاس نقل کند و نیز هر جا فرصت یابد، با استفاده از شعرها و ضرب المثلهای نغز حسن نگرش تاریخی شاگردان را تقویت کند. مثلاً بسیار مناسب است هنگام صحبت از سقوط ساسانیان و ظهور اسلام، که به ویران شدن تدریجی طاق کسری انجامید قسمتی از این قصیده بلند خاقانی را با احساس و صدای خوب بخواند:

هان ای دل عبرت بین، از دیده نظر کن هان  
ایوان مداین را، آینه عبرت دان  
یک ره زره دجله منزل به مداین کن  
وز دیده دوم دجله، بر خاک مدائن ران  
دندان هر قصری بندی دهدت نو نو  
پند سر دانه بشنوز بن دندان  
این است همان در که کاو را ز شهان بودی  
دبلم ملک بابل، هند و شه ترکستان  
این است همان ایوان، کز نقش رخ مردم  
خاک در او بودی دیوار نگارستان



## تاریخ معاصر

تاریخ معاصر، و نیز عصر جدید، باید مفصل تر از عصرهای دیگر باشد. زیرا حقیقت این است که شاگرد هر قدر به عصر خود نزدیک تر می شود به حوادث و وقایعی که در اتفاقات روزگارش مؤثرتر است بیشتر علاقمند می شود و به یاد گرفتن تاریخ رغبت بیشتری پیدا می کند.

در دوره راهنمایی، آنچه رغبت دانش آموز را بیشتر برمی انگیزد، شکل نمایش دادن به نقل وقایع تاریخی است. از این رو معلم باید درس را از خودش بگوید نه این که بگوید بچه ها از روی کتاب بخوانند. همچنین هنگام تدریس تا آنجا که ممکن است از نقشه استفاده کند و طوری حرف بزند که دانش آموزان تحت تأثیر قرار گیرند. در واقع در اینجا هر معلم بیشتر کارساز است تا دانستی های او، همچنان که نقال ها در موقع گفتن داستان های شاهنامه، دل شنوندگان را می ربایند و آنان را به شوق می آورند. اما چون معلم درس - شفاهی - خود را تمام کرد لازم است به بچه ها بگوید کتاب تاریخ را باز کنند و یکی دو نفر از بچه ها از روی درس بخوانند و معلم خودش متر صد باشد که کلمه ای را غلط نخوانند و اگر خوانند آن را اصلاح کند، یا در صورت لزوم توضیحی راجع به پاره ای از کلمات و واژه ها و عبارات بیفزاید.



# تنوع اقلیمی در ایران

متصور ملک عباسی



در ایران محصولی هم چون گرده در شرایط سخت هوای سرد  
حفاظت سردگاری دارد تا رویش گیاه مور و انه که حاصل بو اخی گرم  
است مشاهده می شود

بر این اساس جهت شناخت نو امانتی های اقلیمی کشور ، نخستین  
ایستگاه های هواشناسی از حدود ۶۰ سال پیش در ایران بنا شده و شهرهایی  
چون تهران و یزد اقدام به تأسیس ایستگاه های سینوپتیک نمودند

ایستگاه های هواشناسی سینوپتیک با تجهیز ابزارهای آن ، اکنون  
هم چون دماسنج ، رطوبت سنج ، بادنگار ، شحیر سنج ، دماسنج  
تعیین روزهای اقلیمی ، دماسنج های عمقی (مخصوص صن ابار) آبیرو

نگاهی به حدود وضعیت جوی ۳۰ ساله در ایران ، تا توجه به  
مساحت کشور مان که بیش از ۱۵ میلیون کیلومتر مربع است ، نوع  
اقلیمی این سرزمین را بیش از پیش آشکار می سازد

اختلاف دمای سردترین و گرم ترین نقاط کشور معمولاً حدود  
۵۰ درجه سانتی گراد است ، اختلاف میزان بارندگی سالانه نسی  
خشک ترین و مرطوبترین نقاط کشور معمولاً از ۱۵۰۰ میلی متر باران  
در سال افزون تر است ، این دامنه ی وسیع دما و رطوبت در کشور  
زمنه ی فعالیت گشته و رزی و تولید محصولات زراعی از نوع  
مردمیوی ن گرم سبزی را فراهم آورده است

آموزش و ترویج

دما در خاک) - فشارنگار - و ... فادرنند در هر شبانه روز ۳ بار اطلاعاتی را پیرامون دما و نوسانات آن در شبانه روز - تغییرات رطوبت هوا، فشار هوا، جهت و سرعت باد، میزان تخمیر روزانه، دمای مطلق گرم ترین و سردترین زمان در شبانه روز، ساعات آفتابی - میزان ابرناکی، تعداد روزهای یخبندان و ... را بدست آورده و با تهیه جداولی، میانگین سردترین و گرم ترین ماه های سال را آماده نمایند. امروزه به کمک وسایل ارتباطی و ثبت در کامپیوتر این اطلاعات هر روزه به مرکز هواشناسی کل کشور در تهران محاسبه شده و نقشه های هواشناسی در سطح کشور تهیه می گردد.

گرچه ماهواره های هواشناسی مدتی است به کار افتاده و با ارسال اطلاعات بسیاری از جو فوقانی و لایه های مختلف آتمسفر این آگاهی را غنی تر می سازد لیکن ارزش اندازه گیری های زمینی هنوز پابرجاست.

مجموعه اطلاعات حاصله به شکل جداول، رسم نمودار، گراف ها و تهیه نقشه های هواشناسی ما را قادر می سازد تا از این اطلاعات برای پیش بینی وضع هوا - در امور کشاورزی - دام، صنایع - هوانوردی و همه گونه فعالیت های جاری و عمرانی در سطح کلان استفاده نماییم.

امروزه در کلیه استان های ۲۸ گانه کشور ایستگاه سینوپتیک وجود دارد و روزانه نتایج فعالیت های خود را به سازمان هواشناسی کشور در تهران ارسال می دارند.

از بررسی جدول ارایه شده به نتایج جالب در عین حال متضاد و متنوعی برخوردار می کنیم. (در مراکز استان ها)

در میان استان های ارایه شده در جدول، شهرستان شهرکرد با ارتفاع ۱۹۹۱ متر بلندترین و شهر رشت با ارتفاع ۷ متر کم ترین بلندی از سطح دریا را در کشور داراست. توجه داریم که عامل ارتفاع یکی از فاکتورهای مهم در عناصر آب و هواست یعنی این عامل بر روی عنصر دما، میزان رطوبت و فشار هوا - تأثیر تعیین کننده ای دارد.

بر اساس مطالعات صورت گرفته طی ۳۰ سال گذشته (از سال ۱۳۴۵ الی ۱۳۷۵ شمسی) شهر اهواز با ۳۲٫۷ درجه سانتی گراد متوسط بیشترین دمای سالانه را در اختیار دارد و شهرستان اردبیل با دمای ۲٫۵ درجه سانتی گراد کمترین دمای متوسط را به خود اختصاص داده است.

در همین مدت حداکثر مطلق دما متعلق به شهرستان بندرعباس بوده که با ۵۱ درجه سانتی گراد بیشترین دما را به خود اختصاص داده است و حداقل مطلق نیز در ۳۰ سال گذشته مربوط به اردبیل با ۳۳٫۸ - درجه سانتی گراد بوده است. به این ترتیب اختلاف دمای حداقل و حداکثر مطلق در کشور ما به حدود ۸۵ درجه رسیده است.

اگر در جدول حداقل مطلق دمای مراکز استان های کشور توجه کنیم دمای ۲ شهر بندرعباس و بوشهر هیچ گاه به صفر درجه ترسیده و روز و شب یخبندان را تجربه نکرده اند. بدیهی است که عرض جغرافیایی پایین، حدود ۲۷ درجه عامل اصلی بالا بودن دما در این مناطق است.

در این مدت متوسط باران در زاهدان ۸۴ میلی متر و متوسط باران در رشت به ۱۴۰۱ میلی متر رسیده است که بیشترین و کمترین باران را در کشور نشان می دهد. جالب توجه است که بندرعباس با ریزش ۲۱۱ میلی متر باران در یک روز رکورددار بیشترین باران روزانه در کشور است و طی همین مدت شهرستان قم با ۴۰ میلی متر باران در یک روز کمترین ریزش باران را به خود اختصاص داده است.

بیشترین رطوبت هوا برای شهرستان رشت ثبت شده حدود (۸۰٪) و کمترین آن برای شهرستان یزد به دست آمده است (۴۵٪) در این میان شهرستان اردبیل با ۱۳۵ روز یخبندان و بندرعباس و بوشهر بدون یخبندان در میان شهرهای کشور رکورددار هستند.

کشور ایران با توجه به این که در منطقه نیمه خشک قرار گرفته است از نوسان بالایی در میزان و ریزش های جوی برخوردار است و از این رو ضریب اطمینان به ریزش های جوی در سال در کشور پائین است، که این مسئله کار برنامه ریزی و امید به وجود باران کافی در کشور را مشکل می سازد.

مثلاً در طی ۱۵ سال گذشته میزان باران سالانه آن از ۷۹ میلی متر تا ۲۰۷ میلی متر در نوسان بوده است این میزان نوسان در بندرعباس از ۷ میلی متر تا ۵۰۷ میلی متر مشاهده می شود.

حتی در مناطق مرطوب کشور این نوسان به صورت نگران کننده وجود دارد. شهرستان رشت در سال ۱۳۷۳ به مقدار ۱۳۱۹ میلی متر باران داشته در حالی که در سال ۱۳۷۵ / ۲۰۰ میلی متر کاهش باران داشته است. نتیجه آن علی رغم تنوع اقلیمی و وسعت خاک ایران که توان فعالیت های زراعی بالقوه زیادی دارد، شدت نوسان دما و رطوبت در هر منطقه از کشور از سالی به سالی را زیاده و قدرت پیش بینی را کاهش می دهد و لذا در برنامه ریزی بسیار تأثیر منفی می گذارد.

از این رو تعدد بیشتر ایستگاه های هواشناسی سینوپتیک، استفاده از داده های ماهواره ای و تکمیل کردن جداول ۳۰ ساله و نقشه های اقلیمی در کشور، ما را قادر به تعیین دوره های خشک سالی - ترسالی نموده و آمادگی های لازم را فراهم می آورد.

استحصال آب حاصل از ریزش های جوی که در سال های اخیر به کمک احداث سدها - کانال ها، طرح های آبخیزداری - بهره گیری از آب های زیرزمینی صورت پذیرفته می تواند در این راه امیدوار کننده باشد.



## وضع جوی ۳۰ ساله نقاط مختلف کشور ۱۳۴۵-۷۴

ایستگاه های سینوپتیک مراکز استان ها و اطلاعات وضع جوی آن ها طی دوره ۳۰ ساله ۱۳۷۴-۱۳۴۵

معدل مقدار روزهای بخ شدن	متوسط رطوبت نسبی (درصد)		حد اکثر بارندگی در یکروز (میلی متر)	معدل بارندگی سالانه (میلی متر)	درجه حرارت				مشخصات ایستگاه		استان	
	ساعت ۱۲-۳۰	ساعت ۰-۳۰			معدل مطلق	حد اکثر مطلق	حد اقل مطلق	معدل حد اقل	معدل حد اکثر	ارتفاع از سطح دریا		سال تأسیس
۶۴	۳۸	۶۰	۸۰	۳۴۳	۱۳٫۶	۳٫۵	۲۲٫۰	۴٫۸	۲۰٫۵	۱۷۰۸	۱۳۴۴	اراک
۱۳۵	۵۳	۸۸	۶۳	۳۱۲	۸٫۸	۳۳٫۸	۳۸٫۲	۲٫۵	۱۶٫۹	۱۳۱۶	۱۳۵۵	اردبیل
۱۵۷	۶۹	۷۵	۵۱	۳۶۴	۱۱٫۵	۲۲٫۸	۳۸	۲٫۸	۱۷٫۰	۱۳۱۳	۱۳۳۵	ازنا
۹۸	۲۹	۵۱	۹۸	۱۲۴	۱۶٫۳	-۱۵	۴۱٫۴	۹٫۵	۲۳٫۰	۱۶۰۰	۱۳۴۶	اصفهان
۱۰۰	۳۴	۵۶	۷۷	۲۴۴	۲۵٫۰	۵٫۰	۲۲٫۰	۱۷٫۹	۲۲٫۷	۲۳	۱۳۳۵	اصول
۳۹	۲۸	۵۳	۱۰۳	۴۵۷	۱۶٫۲	-۱۲٫۶	۲۰٫۴	۱۱٫۲	۲۱٫۸	۱۳۶۳	۱۳۶۵	ایلام
	۵۲	۸۱	۲۱۱	۱۸۸	۲۶٫۸	۴٫۰	۲۱٫۰	۲۱٫۵	۳۴٫۱	۰	۱۳۳۵	ایرانشهر
	۵۱	۸۷	۱۵۰	۲۳۷	۲۲٫۵	۰	۲۸٫۶	۱۹٫۶	۲۹٫۴	۰	۱۳۳۱	بوشهر
۷۰	۴۸	۶۸	۱۳۳	۲۶۶	۱۲٫۳	۲۵	۲۲٫۰	۳٫۸	۱۷٫۷	۱۳۶۱	۱۳۳۷	تبریز
۲۸	۳۳	۵۱	۴۷	۲۴	۱۷٫۴	-۱۵	۲۳٫۰	۱۱٫۹	۲۲٫۵	۱۱۹۰	۱۳۲۳	تهران
۵۴	۳۴	۶۴	۶۱	۵۲۹	۱۶٫۸	-۱۴٫۴	۲۶٫۰	۸٫۸	۲۴٫۹	۱۱۲۵	۱۳۲۹	خرم آباد
۷۷	۵۲	۵۲	۱۵۰	۱۴۰	۱۵٫۹	-۱۸٫۰	۳۷٫۴	۱۱٫۰	۲۰٫۴	۰	۱۳۳۵	رشت
۲۵	۳۵	۶۸	۵۲	۸۴	۱۸٫۲	۲۰	۲۳	۹٫۹	۲۶٫۶	۱۳۷۰	۱۳۳۱	زاهدان
۱۸۹	۴۵	۰	۵۱	۳۱۸	۱۰٫۸	-۲۹٫۶	۰	۳٫۸	۱۷٫۶	۱۶۶۳	۱۳۳۹	زاهدان
۵	۳۵	۵۱	۴۷	۱۴۰	۱۷٫۹	۱۱٫۰	۲۲٫۰	۱۲٫۴	۲۳٫۶	۱۱۷۱	۱۳۲۳	سمنان
۱۵۱	۳۸	۶۹	۴۱	۲۹۷	۱۳٫۰	-۲۱٫۰	۳۴	۵٫۰	۲۱٫۵	۱۳۷۳	۱۳۳۸	سنندج
۱۵۹	۵۶	۶۸	۷۶	۳۳۴	۱۱٫۸	-۲۴٫۰	۴۲٫۰	۳٫۵	۲۰٫۲	۱۹۹۱	۱۳۳۱	شهرکرد
۵۲	۴۹	۵۸	۶۹	۳۲۸	۱۷٫۲	-۱۲	۲۳	۹٫۵	۲۵٫۶	۱۹۸۸	۱۳۲۸	شیراز
۵۳	۰	۰	۴۷	۳۲۸	۱۳٫۸	-۲۲	۲۳	۴٫۷	۲۰٫۸	۱۳۷۸	۱۳۳۷	فروین
۷۰	۳۴	۶۵	۴۰	۱۹۷	۱۷٫۵	-۱۲٫۶	۲۵٫۶	۹٫۷	۲۵٫۴	۸۷۷	۱۳۶۵	قم
۹۴	۴۸	۵۱	۶	۱۹۸	۱۵٫۹	۳۰	۴۰	۴٫۴	۲۴٫۲	۱۷۵۴	۱۳۳۹	کرمین
۹۳	۳۷	۴۵	۷۰	۲۸۸	۱۴٫۰	-۱۶٫۰	۲۲٫۰	۵٫۸	۲۲٫۳	۱۳۲۲	۱۳۲۲	کرمانشاه
۱۰	۵۷	۷۹	۱۰۵	۴۱۰	۱۷٫۲	-۱۰٫۰	۲۵٫۰	۱۲٫۶	۲۲٫۵	۱۲	۱۳۳۱	کرمان
۳۳	۴۰	۰	۴۷	۲۷۰	۱۳٫۹	۲۸	۴۱٫۶	۴٫۷	۲۱٫۰	۹۰	۱۳۲۸	مشهد
۱۴	۳۷	۷۸	۵۴	۳۲۵	۱۰٫۹	۳۴٫۸	۴۰	۲٫۸	۱۸٫۹	۱۷۴۹	۱۳۵۵	مهد
۴۵	۲۸	۶۸	۱۴۰	۸۳۱	۱۶٫۹	-۱۳٫۳	۳۹٫۶	۷٫۹	۲۱٫۹	۱۸۸۰	۱۳۴۵	ناصح
۸۰	۵۵	۲۸	۲۸	۱۴	۱۸٫۸	-۱۲٫۰	۲۵٫۶	۱۱٫۴	۲۶٫۳	۱۳۳۰	۱۳۲۲	یزد

۱-۱-۱۱ دی ماه ۱۳۴۵ لغایت ۱۱ دی ماه ۱۳۷۴ شمسی می باشد.

وضع جوی اردبیل و همدان مربوط به دوره ۲۰ ساله ۱۱ دی ماه ۱۳۵۵ لغایت ۱۰ دی ماه ۱۳۷۴ و ایلام، قم و سنج مربوط به دوره ۳۰ ساله ۱۱ دی ماه ۱۳۴۵ لغایت ۱۰ دی ماه ۱۳۷۴ می باشد.

روزنامه کشاورزی  
مجله کشاورزی



## مقدار بارندگی سالانه مراکز استان‌ها

مأخذ: سازمان هواشناسی کشور  
(میلی متر)

مرکز استان	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷	مرکز استان	۱۳۶۵	۱۳۷۰	۱۳۷۳	۱۳۷۴	۱۳۷۵	۱۳۷۶	۱۳۷۷
اراک	۳۴۸	۳۲۰	۳۵۶	۳۶۷	۳۰۳	۲۵۶	۲۷۰	سمنان	۲۲۲	۱۹۴	۱۲۲	۱۹۲	۱۲۸	۱۶۱	۱۲۲
اردبیل	...	...	۳۴۴	۲۳۰	۳۴۷	۳۴۲	۲۳۱	سندج	۵۴۸	۳۸۲	۵۶۱	۵۱۳	۴۱۳	۵۷۶	۲۶۵
ارومیه	۳۸۶	۲۶۹	۴۸۶	۳۶۷	۲۶۳	۲۶۹	۱۸۸	شهرکرد	۴۹۲	۴۹۱	۳۶۸	۳۷۹	۲۵۸	۴۲۳	۲۶۹
اصفهان	۱۳۸	۱۱۲	۷۹	۲۰۷	۶۷	۲۱۱	۱۵۷	شیراز	۴۹۵	۲۷۲	۴۵۱	۵۷۸	۲۰۲	۴۹۸	۳۶۸
اهواز	۲۸۶	۲۹۲	۲۰۶	۲۲۹	۱۵۲	۵۳۹	۲۰۷	قزوین	...	...	...	...	...	۳۳۶	۲۳۳
ایلام	...	۶۷۶	۸۶۱	۵۴۹	۵۷۸	۷۱۷	۴۷۳	قم	...	...	...	...	...	۱۳۸	۱۴۴
بندرعباس	۲۳۰	۲۴۴	۷۰	۵۰۷	۱۶۷	۴۳۷	۱۱۰	کرمان	۱۵۹	۱۱۵	۱۷۶	۲۵۶	۱۲۳	۱۷۹	۱۷۸
بوشهر	۱۱۹	۱۷۱	۲۸۷	۵۸۸	۲۱۷	۸۰۷	۲۰۸	کرمانشاه	۵۶۹	۴۵۱	۵۵۹	۴۳۳	۳۹۶	۴۸۸	۳۲۰
تبریز	۳۲۳	۲۳۶	۳۳۶	۱۵۸	۲۵۹	۲۰۲	۲۰۵	گرگان	...	...	...	...	...	۵۳۶	۴۸۲
تهران	۲۹۲	۲۶۰	۲۵۵	۳۱۹	۱۵۶	۲۴۴	۱۸۵	مشهد	۲۵۰	۳۲۶	۱۶۷	۲۲۴	۱۷۰	۳۴۸	۳۲۰
حرم‌آباد	۵۹۴	۵۱۶	۵۸۹	۵۳۷	۴۲۸	۶۰۹	۳۹۲	همدان	۴۱۷	۲۹۲	۴۳۸	۳۱۹	۲۱۳	۳۳۶	۲۱۳
رشت	۱۱۸۶	۱۲۹۸	۱۳۱۹	۱۲۱۰	۱۰۱۵	۱۲۹۷	۱۲۴۳	باسوج	۱۲۲۸	۱۲۰۲	۱۰۶۳	۱۰۲۵	۴۷۴	۱۱۹۸	۸۰۱
زاهدان	۴۲	۴۴	۵۶	۱۹۰	۷۳	۱۴۹	۵۰	یزد	۶۴	۶۰	۳۴	۱۰۴	۲۹	۲۲	۱۱۴
زنجان	۳۲۱	۲۸۶	۳۳۵	۲۶۶	۲۴۹	۳۳۱	۱۸۶								

## تغییر و اصلاح کتاب تاریخ اول راهنمایی

در پی درخواست‌های مکرر معلمان و دانش‌آموزان دوره راهنمایی، کتاب تاریخ اول (سال ۸۱) با طراحی جدید تنظیم شد و به چاپ رسید. مطابق این طرح مباحث دو بخش مجزای قبلی یعنی «تاریخ دنیای قدیم و ایران باستان» و «تاریخ پیامبران» در ساختاری هماهنگ و واحد، با رعایت ترتیب زمانی موضوعات، قرار گرفته است.

بدین ترتیب مطالب مطروحه در مورد پیامبران در ضمن مباحث تاریخی دنیای قدیم آورده شده است. با توجه به این تغییرات و به منظور کاهش موضوعات و حجم مطالب کتاب دوم مباحث مربوط به زندگی پیامبر گرامی اسلام از کتاب دوم به کتاب اول منتقل گردید.

گروه تاریخ دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی



نشانی گیرنده: تهران-مستدوق پستی ۱۵۸۷۵۳۳۳۱، تلن ۰۹-۸۸۳۱۴۰۰ داخلی (۳۳۳) امور مشترکین، (۳۲۲-روابط عمومی)



نشانی فرستنده:

○ مشخصات و نشانی خود را کامل و خوانا بنویسید. هزینه برگشت مجله در صورت کامل نبودن نشانی، به عهده مشترک است.

# امور مشترکین

### شرایط اشتراک:

- ۱. واریز حداقل مبلغ ۱۰۰۰۰ ریال به عنوان علی الحساب به حساب شماره ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سرخه حصار، کد ۳۹۵ در وجه شرکت افست و ارسال اصل رسید بانکی به همراه فرم تکمیل شده اشتراک.
- ۲. شروع اشتراک از زمان وصول فرم درخواست می باشد.

نام و نام خانوادگی: .....  
 میزان تحمیلات: .....  
 نشانی کامل پستی: استان: .....  
 خیابان: .....  
 کوچه: .....  
 پلاک: .....  
 تاریخ تولد: .....  
 تلفن: .....  
 شهرستان: .....  
 گد پستی: .....  
 مبلغ واریز شده: ..... شماره و تاریخ رسید بانکی: .....

امضا:

امور مشترکین



فمصر و گلاب



نابین ، رشتن ابرشم برای استفاده در قالببافی



طبیس ، باغ گلشن



قم ، چشم انداز مسجد جمکران



میبد ، برجی بازمانده از یک قلعه کهن



ورامین ، برج علاءالدین



تربت حیدریه ،  
چیدن گل های زعفران در یک صبح پاییزی



ابرکوه  
سرو پنج هزار ساله



کاشان  
خانه بروجردی ها

ایران شناسی

## شهرهای حاشیه کویر مرکزی ایران

عکس ها از کتاب، کویر در تصویر

ناشر، نگار- ۱۳۷۵



